

# راهمچاهدک

● پیوند با مردم یا گریز از حاکمیت خصم

کدامیک او لویت دارد؟

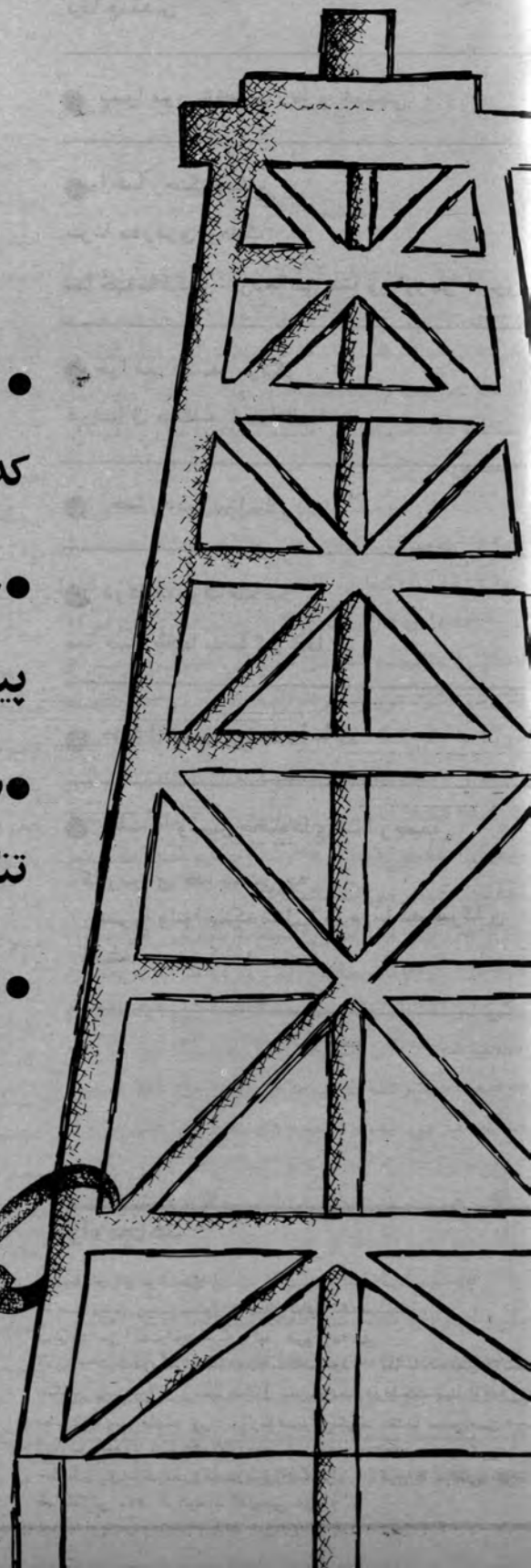
● چند نکته

پیرامون بازنگری قانون اساسی

● سیر تحولات چین از مائو تا

تنگ شیائوپینگ

● امام خمینی از زبان آیت الله منتظری





● امام خمینی از زبان آیت الله منتظری	۳	● پیوند با مردم یا گریز از حاکمیت خم. کدامیک اولویت دارد؟	۳
● پیام آیت الله خاتمی به مناسبت دفاع مقدس	۶	● چند نکته پیرامون بازنگری قانون اساسی	۶
● پیرامون شخصیت امام خمینی	۸	● سیر تحولات چین از ما توتانگ شیا شوپینگ	۸
● اخبار جنگ و صلح برنا مهریزی و جنگ	۱۵	● امامت و امامت	۱۵
● مصاحبه با دکتر لاریجانی مشاور وزیر امورخا	۱۸	● معضل اعتبار و راه حل آن	۱۸
● مواضع جدید آمریکا در قبال مسئله افغانستان	۳۶	● برتوی از قرآن	۳۶
● اخبار دنیای اسلام	۴۹	● معرفی کتاب - دیدگاه های مختلف اقتصاد اسلامی	۴۹
● دو کلمه حرف حساب مصاحبه اطلاعات با گل آقا	۵۲	● پاسخ به خوانندگان	۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره ۲۱۱۳۱۰۲  
تاریخ ۲۸-۴-۸۸  
پرست



جمهوری اسلامی ایران  
فرهنگ و هنر  
وزارت ارشاد اسلامی

آقای لطف الله میثمی  
صاحب امتیاز نشریه راه مجاهد

سلام علیکم ،

با زنگشت به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ مبنی بر تقاضای انطباق با قانون جدید مطبوعات  
مصوب اسفندماه ۱۳۶۴، به اطلاع میرساند بمنظور اجرای ماده ۱۷ قانون مذکور  
تقاضای یاد شده، در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۵ هیأت نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی  
قرار گرفت و ادامه انتشار آن نشریه بلا مانع اعلام گردید ....

راه مجاهد

دبیر نشر شورای نویسندگان  
فاجاد امتیاز و مدیر مسئول مهدی لطف الله میثمی  
روشن ساسی ایدئولوژیک - چاپ فروع دانش  
آدرس: توجه شود که راه مجاهد مطبوعات کمیسیون امکانات دفتر نداشته و  
سکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای ق  
مطبوعات و مراجع وزارت ارشاد معرفی نگردد. تقاضا میشود قبل از مرا  
از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۶۸ تماس بگیرید. شه  
خانیان ری - خیابان شهید رضوی (آبمنگل) کوی قاسم گللی - کوچه خ  
طباطبائی - ۲۶ - خردوم - کد پستی ۱۱۷۵۶

مهراب اکبریان  
سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات  
۵۸/۴/۸۸

## پیوند با مردم یا گریز از حاکمیت

## خشم، کدامیک اولویت دارد؟

از محافل و شخصیت‌های خط امامی و سایر نیروها شنیده شده است که امام به سه دلیل مخالف ورود به خاک عراق بودند: ۱- جنگ عرب با عجم میشود ۲- برای سربازان و افسران عراقی ناسیونالیسم از اسلام مهمتر است ۳- افسران مانگیزه و رودبه خاک عراق را ندارند.

می‌شدند. منظورا از این مقدمه این است که رزمندگان جان بکف ما یک هویت و طبقه مستقلی شده بودند که جا دارم محققین رساله‌های زیادی در این رابطه بنویسند. ویژگی این طبقه بعنوان "راهیان قدس" این بود که جنگ و دفاع مقدس را از زندگی خود جدا نمی‌دانستند و امیرالایسم از این زندگی در جنگ یا بعد از رتی زندگی اخروی رنج می‌برد.

### ● رزمندگان و انگیزه‌های متجسس

پس از پیروزی خونین شهرا زیک طرف رزمندگان با این هویت مستقلی که کسب کرده اند و ویژگی‌های مبارزاتی برخوردارند که در انقلابات قبیل سابقه نداشته است، می‌گویند در تراج و تبعیت عراق ما خون دادیم، پدران و مادران و برادرانمان را از دست دادیم و باید طبق آیات قرآن حکام بعضی قصاص شوند، از طرف دیگر مسئولین افرادی نبودند که در جبهه حضور مستمرا داشته و زندگی در جبهه‌ها را پذیرفته باشند. بنا بر این قدرت برنا مهریزی و کنترل و آرا ما زنی آنها را نداشتند. در آن مقطع از تاریخ ما یک سرداری نداشتیم که هم به لحاظ مکتبی و سیاسی قوی باشد و هم در ریز، ریز مسائل جبهه‌قرا گرفته و عملاً بتواند رزمنده‌ها را در یک خط مشی مرحله‌ای و زمان‌بندی شده فعال نماید. مثلاً "فرمانده‌ی همچون شهید چمران که در ریز مسائل جبهه‌قرا داشت اگر بعد از پیروزی خرمشهر در قید حیات بود می‌توانست قصاص و جنگ را به شیوه جنگ‌های دراز مدت برنا مهریزی کند. در حال رزمندگان با توجه به هویت مستقلشان می‌خواستند قصاص کنند و این خواسته یک حق طبیعی بود.

همینطور بود. قیام ۱۵ خرداد نقطه عطفی بود که موجب گشت قشرهای محروم تر به صحنه مبارزه کشیده شوند. انقلاب اسلامی هم بر دوش طبقه متوسط و "مادون متوسط" بود. بدنبال پیروزی انقلاب تصرف لائحه جاسوسی پیش آمد و با امیرالایسم بطور آشکار درگیر شدیم. هر چه شتابان انقلاب بیشتر و حرکت آن عمیق تر می‌شد طبقه مادون متوسط در آن فعال تر می‌شدند و نقش تاریخی طبقه متوسط کم رنگ تر می‌شد. نهایتاً "در جنگ تحمیلی که واکنش همه جناح‌های امیرالایسم بر علیه انقلاب بود، با رنک بیشتر از هر طبقه‌ای بر دوش نسل جوان و جوانان اعم از دانش‌آموزان دانشجویان و دهقانان و کارگران بود. بطوریکه دهقانان نهی ما در دل جنگ به یک شیوه زندگی رسیده بودند و در فصل کاشت و برداشت به روستا می‌رفتند و در سایر فصول در جبهه‌ها حضور می‌یافتند. یا مثلاً "دیپستان ابوریحان در خیابان گیاهی تهران حدود ۱۵۰ نفر شهید داد، دیپستان دوشهید میدان خراسان حدود ۱۰۰ نفر شهید داد، دیپستان شهید مدرس یک دیپستان بود و زیادی از دانش‌آموزانش شهید شدند و این حضور مداوم در سایر اقشار کمتر وجود داشت مثلاً "یک سرما یه دار یا یک حجت الاسلام در سطح فضلا و مدرسین که بطور حرفه‌ای در خط مقدم باشند شهید نشدند. البته آقایان برای با زرسی و بازدید به جبهه‌ها می‌رفتند لیکن بطور حرفه‌ای و مداوم در خط مقدم حضور چندانی نداشتند و اما رشدهای روحانی بیشتر اختصاص به طلبه‌های جوانی داشت که روحیه بسیجی داشتند. همچنین در پیرو سه دفاع و تاج پیروزی خرمشهر اعضا تشکیلها و حزب ملی که دفاع تاج و زرا قبول داشتند به جبهه رفتن تشویق

این روزها از گوشه و کنار و برخی مواضع رسمی چنین شنیده می‌شود که بعد از پیروزی خرمشهر دامنه جنگ دفاعی ضرورتی نداشته است. در میان تحلیلها و نظرات پیرامون این مسئله کم‌لطفی‌هایی نسبت به ما مورزمندگان احساس می‌شود.

بعضی از مسئولین نیز چنین ادعا می‌کنند که دامنه جنگ بعد از فتح خرمشهر را قبول نداشته اند (کتاب یا دوا ره فجر - چاپ ارشد) عده‌ای از تحلیلگران سیاسی نیز صرفاً "جنگ را در محدوده جغرافیایی ایران و عراق بررسی کرده و به سیر توطئه‌هایی که امیرالایسم در به سازش گذاشتن انقلاب داشته است، کمتر توجه دارند. به همین دلیل از نظر جغرافیایی جنگ را فقط تا بیرون راندن دشمن از خاک میهن اسلامی قبول دارند و به توطئه "ملحیح مسلح" کمتر می‌اندیشند.

در این مقاله بر آنیم با بررسی شرایط و عوامل موجود در مقطع پیروزی خرمشهر بعنوان یکی از نقاط عطف مهم جنگ به ریشه‌یابی و جمع‌بندی آن بپردازیم، شاید گاهی باشد در جهت بهتر شناختن علل و عوامل ادامه جنگ دفاعی بعد از پیروزی خونین شهر.

### ● هویت مستقل رزمندگان

در سیر قیامها و دیگر گونی‌های تاریخ معاصر ملت ایران، عمدتاً "طبقه متوسط نقش اصلی را در پیروزی و به ثمر نشاندن آن داشته است. چنانکه با راضی انقلاب مشروطیت بر دوش طبقه متوسط بود. در نهضت ملی کردن نفت و نهضت مقاومت پس از کودتای ۲۸ مرداد دنییز

امام به این فکر افتادند که برای فرار از رهبری آمریکا با یک عملیات چشمگیر جایی مثل بصره را تصرف کنیم و سپس از موضع با لاف‌ها کرده و امتیاز بگیریم که تکرار الگوی پیروزی انقلاب و شیوه ما مدربا ریس بود.

این یک نظر کارشناسی نظامی بود که بعداً به کردن جنگ داشتند. تز تصرف کانون آتش دشمن معروف شد.

امام در مورد نظرات کارشناسی جنگ از آنجا که خودشان در مسائل ریز جنگ نبوده و کارشناسان این امر نبودند اعطاف نشان می‌دادند. بنا بر این تز تکمیل دفاع عراق از جانب مسئولین و فرماندهان دلسوز پذیرفتند. کما اینکه در مورد پذیرش قطعنامه اظهار داشتند که با مسئولین مملکتی و کارشناسان نظامی که مورد اعتمادشان بودند مشورت کردند. در این زمینه حتی شنیده شده است که برای امام مطرح کردند گرفتن بصره بسا دگی و بدون خون ریزی امکان پذیر است. بصره را می‌گیریم و جنگ را تمام می‌کنیم. وقتی کانن آتش و موشک دشمن را تصرف کردیم کار تمام است.

● بحران "نه جنگ - نه صلح" و تز یکسره

کردن جنگ

مسئولین مملکتی که متوجه توطئه مشترک "نه جنگ - نه صلح" آمریکا و صدام شده بودند، اعتقاد داشتند "صلح مسلح" از خود جنگ خطرناک تر است. چرا که تمام بودجه مملکتی را باید معطوف به امر دفاع کردند. هم‌این است که جنگی وجود ندارد. به همین دلیل مسئولین به تز یکسره کردن جنگ رسیده بودند و می‌گفتند برای اینکه برنا مه ریزی امرانی داشته باشیم باید جنگ یکسره شود از طرف دیگر توطئه "نه جنگ - نه صلح" همانا تقویت محور نفت - اسلحه است که با فروش نفت و تامین اسلحه برای امر دفاع از تر استهای نفتی و نظامی امپریالیسم هردو تامین می‌گردد. مسئولین با آگاهی از این توطئه و برای نجات از آن اعتقاد به یکسره

● امام و تز تکمیل دفاع

نیروهای نظامی ما چه ارتشی و چه سپاهی از حالت تنها جمعی عراق بعد از فتح خرمشهر بسیار ناراحت بودند. چرا که با وجود دفع تجاوز جغرافیایی از بعضی عراق، شهرهای ما از امنیت در برابر تهاجمات هوایی و توپخانه برخوردار نبودند. از طرف دیگر بعضی عراق طی یک توطئه حساب شده و مورد تأیید آمریکا با زیر آتش قرار دادن شهرهای مرزی ایران ایمن استدلال را قوی تر ساختند که شهرهای ما پس از دفع تهاجمات و امنیت نداشتن اردو این امر برای رزمندگان انگیزه و ورود به خاک عراق بشمار می‌رفت. رادیو تلویزیون نیز با بیان تمام اخبار عملیات تهاجمات و زانه عراق این انگیزه را تشدید می‌کرد و افکار عمومی مردم برای قضاوت پذیرش بیشتری کسب می‌کرد.

از محافل و شخصیت‌های خط امامی و سایر نیروها شنیده شده است که امام به سه دلیل مخالف ورود به خاک عراق بودند.

- ۱ - جنگ عرب با عجم می‌شود
- ۲ - برای سربازان و افسران عراقی ناسیونالیسم از اسلام مهمتر است.
- ۳ - افسران ما انگیزه ورود به خاک عراق را ندارند.

کارشناسان نظامی نیز تز "تکمیل دفاع" را مطرح کرده و به امام ارائه دادند که ما برای حفظ امنیت شهرهایمان باید قسمتی از خاک عراق را حداقل برای دور ساختن مقر توپخانه و پلگاه موشکی دشمن تصرف کنیم و

آمریکا این جنگ را بر ما تحمیل کرد و امام خمینی این توطئه را همان ابتدای جنگ چنین بیان داشتند که دست آمریکا از آستین صدام بیرون آمده است. در اسناد لانه جاسوسی هم چنین آمده است که اگر خط خمینی در انقلاب حاکم شود در میان کشورهای مثل پاکستان، ترکیه، عراق که می‌توانند به ایران حمله کنند عراق مناسب تر است. در تمام طول جنگ هم کمکهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا به عراق مستمر است. اما ما داشتیم حتی از طریق صدام آمریکا بطور روزمره و آشکارا به عراق راه‌های لازم داده می‌شد. مثلاً "را دیو" آمریکا در همان روزهای اول جنگ گزارش داد که نیروی هوایی عراق بطور پراکنده تهران، اصفهان، تبریز و... را بمباران می‌کند. در حالیکه بهتر است نیروی هوایش را در جبهه‌ها متمرکز کند. ترس آمریکا این بود که طبقات مرفه شهری نیز با این بمبارانها را دیکار شده وزیر چتر رهبری امام قرار بگیرند. ما مشاهده کردیم که عراق از فردای آن روز توصیه آمریکا را پذیرفته و بمباران شهرها را قطع کرد.

در مقطع پیروزی خرمشهر حرف آمریکا این بود که ایران باید سیاستش را با آمریکا هماهنگ نماید. اصولاً هدف آمریکا از جنگ تحمیلی همین بود که ایران دست از اصول انقلاب برداشته و تعدیل گردد. توطئه جدید در آن مقطع این بود که با ادامه جنگ، بحران یعنی حالت "نه جنگ - نه صلح" نیروهای مولدومبارز ما را در هیئت نیروهای مسلح و ارتش قوی در مرزها نگاهدارند تا نتایج

امکان دارد که ما از زاویه خاصی به جنگ نگاه کرده باشیم و نظراتمان قطعی نباشد ولی بنظر میرسد که اگر پیوند با مردم را اصل قرار می‌دادیم در گریز از رهبری آمریکا موفق تر بودیم. اگر روی قصاص زمان بندی می‌کردیم، زمانیکه در عراق حرا فرینی می‌شد جنگ دفاعیمان شکل دیگری به خود می‌گرفت در این فرصت می‌توانستیم چهار استان مرزی درگیر در جنگ را بصورت مولدومبا رز در آوریم و همزمان مراقب اوضاع داخلی عراق باشیم.

اسرائیل جنگیدیم؟ بر اساس این سوالها یک حرا فرینی در درون ملت عراق ایجاد می‌شد و وقتی ملت عراق قیام می‌کردند ما بعنوان عامل یا شرط بر مبنای جوشی که در درون عراق بوجود آمده بود "جنگ رهایی بخش" را آغاز می‌کردیم. در این صورت جنگ، نه جنگ بین دو دولت، نه جنگ بین دولت و دولت، نه جنگ بین ملت فریب خورده عراق بود با دولت صهیونیستی صدام و شیروهای حق طلب منطقه هم به آنها کمک می‌کردند.

خلاصه مطلب این بود که اگر برنا مریزی در قاصص می‌شد، استانهای مولدومبا رز بوجود می‌آمدند، تضاد زندگی و جنگ را به شیوه پیاپی مبرحل می‌کردیم، حرا فرینی هم از درون عراق بوجود می‌آمد، ملت ما و عراق و فلسطین دست به دست هم داده و آن سه تکبیر تا قدس را تحقق می‌دادند. (منظور آزادی خونین - شهر، کربلا و قدس است. رجوع شود به کتاب سه تکبیر تا قدس)

امیدواریم که برای دران رزمنده مادر این رابطه جمع بندی‌هایی عینی ترا را به دهند تا تحلیل و ریشه‌یابی ادامه جنگ بدست نیروهای عا فیت طلب صورت نپذیرد.

چنانکه پیروزی فاشی از پیوند با توده‌های عراق نبود بلکه ما به لحاظ نظامی پیروز شدیم و حتی ۱۵ هزار نفر از سربازان عراقی در حمله‌ها کشته شدند. و چون ملت عراق نقشی در پیروزی و حفظ فاشی و نداشت سقوط آن هم از طریق نیروی نظامی قوی ترمی سر شد. "نه ایستا" صدام با کاکا ربرد وسیع سلاح شیمیایی آنچنان که در حلقه عمل کردنشان دکه مردمی نخواهد گذاشت تا با آنها پیوند بخوریم و عملاً "سیر جنگ مغایر با جنگ رهایی بخش شده بود.

امکان دارد که ما از زاویه خاصی به جنگ دفاعی نگاه کرده باشیم و نظراتمان قطعی نباشد ولی بنظر میرسد که اگر پیوند با مردم را اصل قرار می‌دادیم در گریز از رهبری آمریکا موفق تر بودیم. اگر روی قصاص زمان بندی می‌کردیم، زمانیکه در عراق حرا فرینی می‌شد، جنگ دفاعیمان شکل دیگری به خود می‌گرفت و به تمام هدفهایمان می‌رسیدیم. در این فرصت می‌توانستیم چهار استان مرزی درگیر در جنگ را بصورت "مولدومبارز" در آوریم و همزمان مراقب اوضاع داخلی عراق باشیم.

#### ● وضعیت عراق در مقطع پیروزی خرمشهر

در آن مقطع عراق دچار یک بحران داخلی بود. چرا که صدام بدون دلیل اسلامی، عربی و مردمی جنگ را آغاز کرده و با تحمل خسارات جانی و نظامی نه تنها امتیازی به نفع ملتش کسب نکرده بود. بلکه او را در دراهم که ادعای مالکیت آن را داشت بدست نی آورد. لذا در این حالت صدام از جانب مردم، سربازان و افسران خود زیر سؤال قرار می‌گرفت که ما با تحمل این همه مصائب چه امتیازی کسب کردیم؟ چرا ما عامل آمریکا شدیم؟ چرا ما با

ما نتوانیم وقت و امکانات مملکت را صرف تقویت اصول انقلاب کنیم.

آمریکا برای این توطئه افزایش بحران اصرار داشته و در تاجایی که ما اصل را بر پذیرش رهبری و هماهنگی با سیاست آمریکا قرار دهیم. مسئولین نیز بدلیل روحیه و سوابق انقلابی و تعهدشان به امام نمی‌توانستند که رهبری آمریکا را بپذیرند. با توجه به مقدماتی که گفته شد زمینه‌ها بی‌فراهم گردید که بنظر میرسد ما به این فکر افتادند که برای فرار از رهبری آمریکا با یک عملیات چشمگیر جایی مثل بصره را تصرف کنیم و سپس از موضع با لاذا کره کرده و امتیاز بگیریم که تکرار الگوی پیروزی انقلاب و شیوه امام در پاریس بود در آنجا ما از یک طرف به بسیج توده‌ها تکیه داشتند و از طرف دیگر از مذاکره غافل نبودند. این نکته قابل ذکر است، توطئه‌های آمریکا از ابتدای انقلاب به حدی متواتر و وسیع بوده است که برای رهبران انقلاب چشمگیر می‌نمود. آنها برای فرار از این توطئه به عملیات چشمگیر نظیر رمضان و خیبر و بدر متوسل شدند.

چنین‌به‌نظر میرسد که خالت و روحیه ما مگر از پذیرش رهبری آمریکا بوده و قبول عملیات نظامی و ورود به خاک عراق از همین موضع بوده است. البته انگیزه‌های دیگری نظیر قصاص، تزکیه و دفاع، مقابله با توطئه "نه جنگ - نه صلح" و یکسره کردن جنگ نیز وجود داشته است. لازم به یادآوری است که طبیعت و ماهیت عملیاتهای کلاسیک و چشمگیر و تک‌گسترده این است که به توده‌ها کمتر توجه می‌شود. (رجوع شود به مقاله سه خط مشی در جنگ راه مجاهد شماره ۵) در این راستا بود که پیوند با توده‌های ایران و عراق کم رنگ شد.

از جمله مسائلی که حیات سیاسی و اجتماعی جامعه را حفظ می‌کند، قانون اساسی و نحوه اجرای آن می‌باشد. انقلاب اسلامی با حیات و هویت جدیدی که به جامعه بخشید بدنبال خود قانون نوینی را برای حفظ و اجرای آرمانهای خود به ارمغان آورد که به قانون اساسی ثمره انقلاب و خون شهدا معروف شد. تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و آراء مثبت بیش از ۹۹٪ از مردم به آن در حفظ و ثبات جمهوری اسلامی تأثیر بسیار داشت. پس از گذشت ۱۰ سال از پیروزی انقلاب مسئولین اجرایی به این جمع بندی رسیده اند که قانون اساسی در اجرای آن نقایصی برخوردار است که موجب سستی و اشکالاتی در اداره نظام می‌گردد. بدستور امام خمینی (رحمت الله علیه) شورای بازنگری قانون اساسی تشکیل گردید تا به بررسی و بازنگری مجدد قانون پرداخته و اشکالات و نقایص آن را رفع نماید. مصوبات این شورا هم به رأی مردم گذاشته شد و بر اساس آن در نظام جمهوری اسلامی تغییراتی بوجود آمد.

## چند نکته پیرامون بازنگری قانون اساسی

در رابطه با هر قانون اساسی به چهار محور یا دید توجه داشت که در این مقاله سعی ما بر این است که حول این چهار محور صرفاً "به بحث آکا دمیک و آموزشی بپردازیم". از دلسوزان انقلاب خواهان آنیم که دانش قانونی مردم را با لایحه و بحث حول قانون اساسی را به یکی دو ماه محدود نکنند.

۱ - انگیزه تغییر قانون و ضرورت آن  
۲ - شرایطی که قانون تصویب و یا تغییر می‌کند  
۳ - بررسی محتوی قانون و تبعات رتی بررسی حقوقی آن.

۴ - بررسی توانائی حاملین و اجرا کنندگان قانون

از جانب مسئولین چند نظریه راجع به تغییر قانون اساسی مطرح گردیده است برخی اینچنین گفته اند: در ابتدای انقلاب جو انقلابی و الهیاتی بوده است و قانون اساسی سال ۵۸ در آن جو تدوین گشته و نقایص و کمبودها ناشی از آن است.

عده ای دیگر معتقدند ابتدای انقلاب جو شوراها بسیار رشید بود و بهمین دلیل سیستمی که برای نحوه اجرای قانون ارائه گردید سیستم شورایی بوده است. مثل شورای عالی قضایی و اساساً "قانون اساسی ثمره انقلاب" از جو آن موقع بسیار تأثیر پذیرفته

برخی می‌گویند منظور از الهیاتی شرایط آن موقع مملکت یعنی مسائل گنبد و کردستان و آذربایجان بوده است. اگر آن موقع جنگ گنبد و کردستان را الهیاتی بگیریم، آیا نمیتوان این استدلال را تعمیم داد و گفت قانون اساسی جدید در شرایطی تدوین میشود که قطعاً ۵۹۸ (زهرنا مه) تحمیل شده و جو "نه جنگ - نه صلح" بدتر از جنگ حاکم گردیده است؟

اگر آن موقع شرایط عمومی مردم را شوق ایجا دشورها بدانیم، آیا نفع ناشی از سیر جنگ، مسائل زندانها، استعفا آیت الله منتظری و... شرایط بهتری است؟ برای تجدید نظر در قانون اساسی ثمره انقلاب، اگر استدلالمان برای ضرورت تغییر، بر مبنای شرایط باشد و چنین بیان شود که آن موقع جو طور دیگری بوده است، حالاً یک جو دیگری است. زمینه و راه قانونی برای تجدید نظر توسط افراد فرصت طلب فراهم می‌گردد و همین امر ثبات قانونی مملکت را می‌گیرد.

مطلب مهم دیگری که باید به آن توجه داشت این است که در گذشته یعنی در جوانی انقلاب چنین گفته می‌شد که قانون اساسی تحقق قرآن و سنت در مقطع کنونی تاریخ ایران است، و به منظور قابل اجرا بودن و حاصل داشتن به رأی عمومی گذاشته میشود مثل حضرت علی (ع) که به دو وجه حجت و حضور مردم در صحنه تکیه می‌کردند. بهمین دلیل بود که امام خمینی (ره) برای رأی دادن به آن، حکم شرعی دادند و عملاً "قانون مشروعیت یافت و راهی برای تجدید نظر در آن مشخص نشده بود. ولی حالاً با گنجاندن این امر در قانون جدید که این قانون یک تجربه "مسلمین" است و در صورت خطا بودن تصحیح میشود تکیه به همان شیوه علمی تجربه - خطا - تصحیح است. در این صورت قانون ثبات و هویت اسلامی خود را از دست می‌دهد.

در مورد تصویب "بندج" یعنی تقسیم زمین به نفع مستضعفین دهقان ما شاهد بودیم که چندین بار با لایحه‌های رفت و در نهایت گفته شد لایحه‌ای که مجلس بر ضرورت این لایحه آورده کافی نمی‌باشد. در مورد تغییر قانون با یستی دلایل بسیار محکم باشد که ثبات مملکت را مخدوش ننماید. متأسفانه دلائل ضرورت تغییر قانون در مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مطبوعات و صاحب نظران به بحث

از جانب مسئولین  
چند نظریه راجع به  
تغییر قانون اساسی  
مطرح گردیده است

برخی

اینچنین گفته اند:

در ابتدای انقلاب

جو انقلابی و الهیاتی

بوده است

و قانون اساسی سال ۵۸ در آن جو

تدوین گشته و نقایص

و کمبودها

ناشی از آن است.

گذاشته نشود چنین تلقی شد که بعلمت کس ثابتی و خلع ایدئولوژیک ناشی از شدت بیماری امام (ره) و استعفاءی آیت الله منتظری، نظام جمهوری به یک ثبات قانونی - تشکیلاتی احتیاج دارد و لذا بایستی تغییراتی در قانون اساسی ۵۸ بوجود آید.

نکته دیگر اینست که در تصویب قانون اساسی ثمره انقلاب ۴۵ مجتهد، مفسر قرآن و شخصیت‌های صاحب نظر شرکت داشتند. امام هم گفتند که قانون ایراد اصولی ندارد. حال اگر آن قانون را انعکاسی وجوه زده بدانیم دیگر هیچ امیدی به مکتب و حاکمین مکتب در این مقطع اعم از روحانیت و سایر صاحب نظران اسلامی نمی‌رود. این مسئله مهمی است که از صاحب نظران می‌خواهیم به حل آنها مت‌جوانان در این رابطه بپردازند. اگر به روح نامه‌ها ما خمینی معروف به منشور برادری و نامه‌های متبادله ایشان با آیت الله صافی و شورای نگهبان و همچنین پیام خطاب به مجمع تشخیص مصلحت توجیه کنیم، خواهیم دید که منظور ما از ولایت مطلقه یا ولایت عامه محل تضاد ایجاد شده بین "شرع" و "مستضعف" بوده است. از پیاپی‌های حج و دیگر پیاپی‌های امام نیز چنین استفاد می‌شود که نیت امام توجه دادن به حاکمیت مستضعفین بوده و مصلحت قرآنی را همین می‌دانند (شوره قصص - آیه ۳) چرا که اراده خدا (شرع) بر آن قرا ر گرفته که مردم مستضعف وارث و حاکم بر زمین گردند.

امام (ره) مجلس شورای اسلامی را که مجمعی از نمایندگان منتخب مردم اند با رها در رأس امور اعلام کرده اند و در وصیت نامه شان نیز توجه‌هایانی به مجلس و مردم نموده اند. اصولاً خط امام، در واقع خط امام و امت بوده و امت یکی از ارکان این خط را تشکیل می‌دهد. چنانکه در هشت سال حماسه مقاومت و دفاع مقدس، حماسه روز قدس ۶۴، قیام برای مشایعت امام و... نقش مردم بعنوان یکی از ارکان مشخص خط امام مشهود بود. هدف امام از ولایت عامه و حرکتی که منجر به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت شد این بود که از یک طرف لواحق مترقی مجلس تصویب گردد و حاکمیت مستضعفین و پیا پره‌ها تقویت شود و از طرف دیگر نارسائی‌های آموزشی در حوزه‌های علمیه از بین رفته و تحولاتی در سیستم اجتهاد در جهت حاکمیت و مصلحت قرآنی ایجاد گردد. ولی دیدیم که ولایت مطلقه‌ای که در با زنگری مطرح شد از دو مشخصه

## نکته دیگر اینست که

### در تصویب

## قانون اساسی ثمره انقلاب

۴۵ مجتهد،

### مفسر قرآن و

### شخصیت‌های صاحب نظر

وجود داشتند.

## امام هم گفتند که

## قانون ایراد اصولی ندارد.

### حال اگر

## آن قانون را

## انعکاسی و جوزه‌بدا نیم‌دیگر

### هیچ امیدی به

## مکتب و حاکمین مکتب

### در این مقطع

## اعمال

### روحانیت و

## سایر صاحب نظران اسلامی

نمی‌رود.

## این مسئله مهمی است که

## از صاحب نظران

### می‌خواهیم

## به حل آنها مت

### جوانان

در

### این رابطه

## بپردازند.

فوق برخوردار نبود. بعنوان مثال انتخاب رهبر از طریق یک بسیج اصولی مردمی به همان شیوه‌ای که امام خمینی به رهبری رسیدند از قانون اساسی ۵۸ حذف گردید و فقط به تشخیص خبرگان رهبری واگذار شد. ملاک خبرگان رهبری در درجه اول ضوابط فقهی و در درجه دوم رای اکثریت است. حال با دیدن آیا این ضوابط فقهی همان تئوری‌های مدارس است که به قول امام به نقض ظاهری قانون اساسی می‌انجامد یا یک مجموعه فقه حکومتی که در آن مصلحت قرآنی و حاکمیت مستضعفین محور اصلی قرا ر گرفته است؟

ما از یک طرف شاهدیم که کلیه اعضا شورای با زنگری خود را وفادار به امام و خط امام می‌دانند ولی از طرف دیگر در پان با زنگری شاهدیم که جریانی با تصویب ولایت مطلقه سعی می‌کردن نقش مردم و مجلس را کم رنگ نماید. همزمان با این پیشنهادهای طرح انحلال مجلس در شورای با زنگری مطرح شد و نمایندگان مجلس هم به آن اعتراض نمودند. بدنبال آن در پیش خطبه نماز جمعه تهران یک عضو شورای نگهبان اعتراض نمایندگان را ناپخته و خام دانستند. از آنجا که این امر موجب اختلاف شده بود آیت الله صافی از این اختیار را مقام رهبری استفا ده کرده و آنرا مسکوت گذاشتند. پیشنهادهای دیگری نیز مطرح شده بود که شورای نگهبان را مجمع مصلحت را انجام دهد که به تصویب شورای با زنگری نرسید.

در حالیکه اختیارات و قدرت لازم حکومت می‌باید دولتی توجه به این نکته لازم است که به اعتراف آیت الله صافی پس از فوت امام (ره) شخصیت و توان رهبری کم شده ولی در با زنگری قانون اساسی، اختیار را قانونی مقام رهبری بیشتر گردیده است.

امیدواریم آیت الله صافی در تداوم خط امام، نظرات فقهی امام خمینی را به یک سیستم کادر سازی تبدیل نمایند تا ثبات ایدئولوژیک - مردمی جامعه با لارفته و به بهترین وجهی ثبات قانونی - تشکیلاتی نظام نیز تا مین گردد. امید است در این راستا شرایطی فراهم شود تا شخصیت‌های جهانی اسلام و صاحب نظران نیز فعال شوند. در رابطه با کادر سازی بایستی به توطئه تروریسم آمریکا بی توجه شود که به اعتراف خودشان با ترور مغزهای برنامهریز سعی داشته و دارند نظام را دچار کم کیفیتی نمایند.

# سیر تحولات چین



ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ  
 ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ ما نگوئیم تنگ



تنگ شیائوپینگ

## از مائو تا تنگ شیائوپینگ

۳- ریشه یابی گذشته :

اخیرا " دربین طرفداران انقلاب اسلامی  
 فکرمجمع بندی سیرا انقلاب وریشه یابی  
 نارسا ثیها مطرح شده است . با توجه به  
 اینکه این وادی بسیار ظریف ودقیق  
 است وامکان افتادن به چپ وراست بسیار  
 دارد .

شناخت انقلابات دیگر بمانوسعت نظر  
 داده وموجب می شود کمتر بدام تنگ  
 نظری وقضاوت عجولانه بیافتم .  
 البته قیاس کردن انقلابات با یکدیگر  
 کاردرستی نیست و هرا انقلابی ویژگیهای  
 خاص خودش را دارد . که بایستی به آن توجه  
 کرد . اما شناخت سایر انقلابات کمک  
 می کند . تا قانوبندیهای مکتبی تاریخ  
 را بطور عینی وتحقیقی ببینیم . کما اینکه

در نهج البلاغه حضرت امیر (ع) بمان  
 فرزندشان وصیت می کنند که در میان  
 سایر اقوام وملل سیرکن ، تاریخ  
 گذشتگان را بشناس ، آنچهان که گویی  
 در میان نشان بوده ای .

برخورد نظا می با جوانان دانشگاهی پرداخته  
 و چندین تن کشته می شوند .  
 حکومت ، اعتراض کنندگان را کتله  
 خواهان دموکراسی هستند به طرفداری از  
 غرب وتحریک شدن بوسیله آنها متهم  
 می کند و دانشجویان تظاهر کننده دولت  
 را عامل اختناق ودیکتاتوری می دانند .  
 این مسئله خودعاملی بود که یک با زنگری  
 به انقلاب چین داشته باشیم که چگونه  
 حکومتی که با مردم رابطه تنگاتنگ و  
 دموکراتیک داشته ، به برخورد  
 نظا می می رسد ؟

۲- عبرت آموزی برای آینده :

اکنون کشور ما در صدد انتخاب راه برای  
 آینده است . در این مقطع جمع بندی سایر  
 انقلابات وتجاری که آنها در این زمینه  
 بجا گذاشته اند ، ما را در انتخاب راه کمک  
 می کند تا با چشمی بصیر وبینا آینه در راه  
 انتخاب کنیم .

### ● انگیزه نگارش

شاید به ذهن خوانندگان چنین خطور  
 کند که چرا از میان این همه مسائل سخن  
 از انقلاب چین می رود ؟ لذا در ابتدا  
 انگیزه ها را از نگرستن به آن سوی  
 قاره آسیا بیان می کنیم تا شاید با هدف  
 مشترکی وارد مطلب شویم :

۱- رسیدن به تحلیل واقعی از تحولات  
 اخیر چین :

در ماههای اخیر شاهد صحنه های تکان  
 دهنده وغیرمنتظره ای در کشور چین بودیم  
 در همان میدانی که پیروزی انقلاب چین  
 در آنجا اعلام شد واغلب تحولات وجهش های  
 انقلاب را در آنجا شاهد بوده ایم ، اکنون  
 شاهد جنگ داخلی در آنجا هستیم .  
 در میدان تین آن من دولت انقلاب به



● سیر مردم چین در دو قرن اخیر

برای آشنایی با موقعیت فعلی مردم چین و درک قانونیتهای انقلاب چین لازم است سیر گذشته ۲ نراتا حدی بشناسیم .

بلحاظ حکومتی مردم چین در دو قرن اخیر سه نوع رژیم سیاسی را تجربه کرده اند  
۱- رژیم سلطنت موروثی یعنی امپراطوری منچوها و سیرا ضحلال آن از ۱۶۵۹ تا ۱۹۱۲ .  
۲- رژیم جمهوری ملی و سیر انحطاط آن ۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹ .

۳- رژیم سوسیالیستی و سیر تحولات یا انحراف آن از ۱۹۴۹ تا کنون .

مبارزات مردم چین بر اهم میتوان به همین ترتیب زمانبندی کرد :

- ۱- مبارزات علیه سلطنت و وابستگی (خواستار حاکمیت قانون و دموکراسی)
- ۲- مبارزات علیه دیکتاتوری فردی و نظام فاسد جمهوری (خواستار حاکمیت سوسیالیسم و برابری)
- ۳- مبارزات ایدئولوژیک درون نیروهای انقلاب (در زمان ماو و پس از او)

در خط مشی ما ثورا بطنه بین این سه رکن اصلی یعنی "توسعه اقتصادی" ، "مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک" و "وحدت ملی" مشخص نیست . تا خود ما نژونده بود بنا به تشخیص خود که مقبولیت عمومی هم داشت و فسوق جناحها عمل می کرد ، یکی از این محورها را در هر مرحله اصلی گرفته و روی آن همه نیروها و امکانات را بسیج می کرد .

● امپراطوری منچوها و مبارزات

ضد سلطنتی

این سلسله پادشاهی حدود دو قرن بر چین مسلط بود . ۲۰ نهاکه از اهالی شمال چین و سرزمین منچوری فعلی بودند و از بقایای تاتارها بشمار میرفتند . در زمان تسلط اینها چین تا حدی قدرت نظامی و اقتصادی چین بالا رفت . اما بجهت روابط ظالمانه ای که داشتند فشار روی مردم

روز بروز بیشتر میشد و نارضایتی ها اوج میگرفت . پادشاه فرمانروای مطلق بود و هرکاری را که میخواست میکرد . حرمسراها عیاشی ها و حریف و میل اموال عمومی از یک طرف و از سوی دیگر آزادی عملی کسه کشورهای استعماری زمان مثل انگلیس در چین پیدا کرده و آنجا را با زار فروش کالاهای خود قرارداد داده بودند ، برای مردم چین غیر قابل تحمل بود . کار بجایی رسید که تجاران انگلیسی برای بدست آوردن سودهای کلان در اوائل قرن نو زدهم به تجارت تریاک در بنا در چین پرداختند و مصرف تریاک را در بین مردم چین گسترش میدادند .

حکومت چین معامله تریاک را ممنوع اعلام کرد ولی خارجها بطور قاچاق آنرا وارد کردند . یکبار که در بندر کانتون دست به مصادره کالای بازرگانان خارجی زدند ، بیش از ۲۰۰۰۰۰ صندوق تریاک بدست آوردند دولت چین با این مسئله هم بمقابله برخاست اما دولت های خارجی به بنادر چین تهاجم کردند و دولت نتوانست مقاومت کرده و سرانجام امتیازات بیشتری به آنها داد . دولت استعماری از ضعف حکومت چین استفاده کرده و هر دخل و تصرفی در امور داخلی چین میخواستند کردند . مردم را مورد تحقیر و توهین قرار می دادند .

منهب و فرهنگ و سنن جینی را با زیچه منافع خود کرده بودند . دولت هم کاری انجام نمیداد . وضع اقتصادی مردم هم روز بروز بدتر میشد .

تدریجا " بین مردم زرمه تغییرا وضاع و حکومت امپراطوری بالا گرفت . سازمانها و انجمن های مخفی برای این امر تشکیل شدند . چندین شورش بپا شد ، بعنوان نمونه در منطقه "تایپینگ" شورش بوجود آمد که ۱۲ سال طول کشید و حدود ۲۰ میلیون کشته داد تا در ۱۸۶۲ توسط رژیم سرکوب شد . یا در شمال غربی چین ( منطقه ترکستان ) - عده ای از مسلمانان بر رهبری شخصی بنام " یعقوب بیگ" دست به شورش زدند . چند

سال طول کشید تا نتوانستند این حرکت را سرکوب کنند یا قیام باکسرها (مشت زن ها ) علیه خار حیهای مقیم چین . در مجموع یک نهضت اصلاح طلبی رشد کرد . تنها حدی که سران حکومت هم نمیتوانستند در مقابل این موج بایستند . یکی از امپراطوران بنام " کونگسیو" در سال ۱۸۹۵ به سلطنت رسید . وی به تبع نهضت دست به اصلاحاتی اجتماعی سیاسی زد . ولی با مقاومت طبقات اشراف و خاندان سلطنتی مواجه شد و سرانجام زندانی و مستعفی گردید . پس از وی ملکه ای بنام " تسو هزی" بر تخت نشست که وی نیز در اواخر عمر خود با شدت گرفتن موج اصلاح طلبی موضع موافق با اصلاحات اتخاذ کرد . وی دستور تهیه قانون اساسی و تشکیل مجلس ملی را صادر کرد ولی اجل مهلتش نداد و در بین خاندان سلطنتی بر سر این مسئله تضاد عمیقتری پیدا شد .

● پیروزی مبارزات جمهوریخواهان  
به رهبری دکتر "سون یات سن"

در میان مخالفان حکومت حزبی بود بنام "کومین تانگ" که رهبری آنرا دکتر سون یات سن بود . وی دلوسوز مردم بود و علاقه زیادی به وطن خود داشت و صرفا " باتکیه به مردم مبارزه میکرد . وی شهرت و فراگیری بیشتری نسبت به سایرین پیدا کرد . بخصوص در استانهای جنوبی چین طرفدار داشت . سرانجام در سال ۱۹۱۱ با کمک گرفتن از نارضایتی درون ارتش ، شورش تدارک دیده و در ایالت های جنوبی حکومت ملی تشکیل داد . باین ترتیب حکومت مرکزی را وادار کردند تا خواسته های انقلابیون را بپذیرد و حکومت مشروطه را اعلام کرده و انتخابات آزاد برای مجلس برگزار کند . گرچه نماینده تام الاختیار دولت مرکزی بکن این شرایط جمهوریخواهان را پذیرفت ولی جناحهای مرتجع دربار منجو زیر بار نرفتند و کار شکنی کردند .

سرانجام همین تضادهای درون دربار مانع از پیاده کردن نظام جمهوری شد و بار دیگر به نظام سلطنتی بازگشت . لذا انقلابیون خود دست بکار شده و با شورشهای متداوم و گسترده شهرهای جنوب را به تصرف درآوردند و در نهایت طی نبردهای مداوم با ارتش یکن پایتخت را در سال ۱۹۲۸ تصرف نموده و حکومت منچوها را منقرض و رژیم جمهوری را تاسیس کردند .

اما قبل از پیروزی نهایی دکتر سون یات سن که رهبر اصلی و موسس حزب کمونین تانک بود درگذشت (۱۹۲۵).  
 در حزب کمونین تانک دو جناح تحت رهبری او وجود داشت. یکی جناح چپ که کمونیستها بودند و خود روابط مخفی درون حزب داشتند و دیگری جناح راست یا محافظه کار.  
 کمونیستها جناح راست را متهم به سازش با رژیم منچو میکردند و توافقات نافرجام با دربار منچو را نتیجه خط محافظه کارانه آنها میدانستند. بلحاظ طبقاتی هم آنها را نماینده بورژوازی میدانستند. ما ثوتسه تونگ یکی از افراد شاخص این جناح چپ بود. در جناح مقابل که ایده های ضد کمونیستی نیز داشتند افسری بنام چیان کای چک که از سالها قبل با دکتر سون یات سن همراهی میکرد شهرت داشت وی علیرغم تمایلات ضد کمونیستی اش از طرف دکتر سون یات سن نماینده مذاکرات با دولت شوروی شده بود و لذا شهرت بیشتری یافت. پس از مرگ دکتر فرماندهی نظامی کلا با چیان کای چک بود و در بین افسران حزب نیز محبوبیت داشت. وی طی نبردهایی با ارتش امپراطوری سرانجام در سال ۱۹۲۸ حکومت منچو سقوط کرد و چیان کای چک

حکمران آن ایالت فرار کرده و به چیان کای چک پناهنده شد و او نیرویی بکمک وی فرستاد. کمونیستها برهبری ما تو که در مجاورت منطقه اشغالی ساکن شده بودند، جنگ با تجاوز ژاپن را اصلی ترین کار دانسته و شعار اتحاد با ارتش چیاننگا - یکجک علیه ژاپن را دادند. این شعار در بین نیروهای نظامی چین پایگاه زیادی بدست آورد ولی خود چیاننگا یکجک زیر بار نرفته و علیه کمونیستها میجنگید جریان راهپیمایی بزرگ ما تو مربوط به این زمان است که بیش از صد هزار نفر از نیروهای آنها در محاصره دودشمن مسرور گرفتند: از یک طرف ژاپن و از طرف دیگر سرکوب توسط نیروهای چیاننگا یکجک. ما تو بایک نقشه نظامی با همکاری طرفداران خود در ارتش چیاننگا یکجک حلقه محاصره را شکسته و دست به یک مهاجرت طولانی زد که ۱۵ ماه بدرازا کشید. تا به منطقه ای در شمال غربی چین رسیدند. او بیش از ۵۰ هزار نفر را در اثر سرما و بی غذایی در طول راه از دست داد. ولی نهضت خود را از محاصره و ناپودی کامل نجات داد.

ایستادگی کرده و با از جانب او تهدید میشوند نزدیک شده و آنها را کمک میکند با این شرایط امریکا نمیخواهد چین دچار جنگ داخلی شود. لذا با دو طرف درگیر وارد مذاکره شده و سعی میکند اختلاف کمونیستها و چیان کایچک را در جهت حفظ وحدت ملی چین حل کند. به چیان کایچک فشار می آورد تا امتیازاتی به کمونیستها بدهد. قرا ردادی هم بین آنها امضاء میشود بدست آوردن امنیت و آزادی برای کمونیستها در مقابل نظام تو خالی چیاننگا یکجک موجب رشد و تقویت آنها میشود. چرا که آنها برنامه و طرح عملی برای بهبود زندگی مردم چین داشتند. خود نیز روابط عادلانه تر و سالمتری را بوجود آورده بودند و مردم بسمت آنها گرایش پیدا میکردند بخصوص که جنگ با ژاپن عملیات پارتیزانی و رشادتهای آنها محبوبیت زیادی برای آنها بوجود آورد و کادرهای بیشتری نیز ساخته شده بودند.  
 این دوره مبارزات ما تو را میتوان دوره وحدت نیروهای ملی علیه ابر قدرت خارجی دانست. که در بستر مبارزه با توسعه طلبی ژاپن مبارزه طبقاتی صورت گرفته و طبقات بالانده صلاحیت و برتری خود را به اثبات می رسانند.

## رهبر حزب یا حکومتی که عدم انسجام در مواضع ایدئولوژیک و استراتژیک آن باشد

نمی توانسد با تصفیه های تشکیلاتی و حذف افراد

به وحدت و تمرکز برسد.

دو باره همان جریان حذف شده

از درون تشکیلات جدید زایش می کند.

بعنوان رئیس جمهور چین حکومت را در یکن آغاز کرد. ولی پس از حکومت گرچه کمونیستها در راه انقلاب و پیروزی حزب کمونین تانک زحمت زیادی کشیده بودند ولی او شروع به تصفیه آنها از حزب و مقامات اداری کرده و محدودیتهایی برای آنها بوجود آورد. بطوریکه کمونیستها اخبار را "بسمت ایالت های شمالی و شمال غربی چین که حزب جک نفوذ کمتری در آنجا داشت مهاجرت کردند. در همین زمان ژاپن که همیشه در صدد گسترش امپراطوری خود بود بهانه ای پیدا کرد و به منطقه منچوری (شمال چین) حمله کرد و قسمتی از آن سرزمین را تصرف نمود.

### ● خط آمریکا در چین قبل از جنگ

جهانی دوم (۱۹۴۵)

### ● شدت گرفتن تضادهای داخلی

چین پس از شکست ژاپن

در چنین وضعی چین از یک طرف مورد تهاجم ژاپن قرار دارد و از طرفی به جنگ داخلی و تحزبه تهدید میشود. که طبعاً زمینه خوبی برای توسعه طلبی ژاپن است. دولت های اروپایی و امریکا از قدرت گرفتن ژاپن شدت نگران هستند. بهمین دلیل به شورایی که در مقابل ژاپن

ژاپن در جنگ جهانی شکست خورده و منطقه منچوری چین را تخلیه می کند. کمونیستها بلافاصله نیروهای پارتیزانی خود را گسیل کرده و منطقه را تحت تصرف می گیرند. از جانب دیگر چیان کایچک به ارتش خود دستور قلع و قمع این کمونیستها و بیرون

کردن آنهارا میدهد. همین مسئله منشاء درگیری مجدد بین دو جریان می شود. از سوی دیگر شوروی برخلاف قرارداد با دولت چین پس از شکست ژاپن نیروهای خود را از خاک منچوری بیرون میبرد و این مسئله باعث می گردد آمریکا با ردیگر در صد حل اختلاف کمونیستها و چیان کایچک برآید تا شوروی از آن بهره نگیرد. اما میانجیگری سودی نداشته و هر روز درگیری تدریجی شهرها و مناطق، حکومت مرکزی را متزلزل کرده و چیان کایچک راه جزایر فرمز ( تایوان ) فراری میدهند و در سال ۱۹۴۹ رسماً جمهوری خلق چین را تأسیس می کنند.

● حزب کمونیست چین پس از پیروزی انقلاب

حزب کمونیست برهبری ماو پس از پیروزی ۱۹۴۹ تا حال فرازونشیبهای زیادی را گذرانده و با خطوط و طرز فکرهای متفاوتی روبرو شده است که شناخت ویژگیها و سیر هر کدام برای انقلابیون جهان سوم بسیار آموزنده است.

ماو خود را

مجدید و منحصر به فرمول کلاسیک ماو رکیستی نمی کرد.

بعضی شیوه های ماو

با این

دیدگاه کلاسیک ماو رکیستی قابل تبیین و تائید نیست.

برای دنبال کردن سیر تضادهای حزب ابتدال لازم است تا حدی به افکار ماو و وضع حزب در این دوران آشنایی داشته باشیم:

ایدئولوژی اعلام شده حزب مارکسیسم لنینیسم بود که در تحولات اجتماعی عامی اصلی و تعیین کننده وزیربناایی را تکامل ایزارتولید می داند. بنا بر این تفکر تکامل طبیعی و جبری ایزارتولید، تغییر در سایر زمینه های اقتصادی و اجتماعی سیاسی و اخلاقی را دنبال دارد. برای رسیدن به جامعه سوسیالیستی و عادلانه باید به حای برسم که این عامل اصلی

محرك تاریخ یعنی تکامل ایزارتولید در انحصار شخص یا گروهی خاص نبوده بلکه اکثریت محروم جامعه مالک این ابزار باشند.

اگرچه در ایدئولوژی رسمی و اعلام شده حزب یعنی مارکسیسم لنینیسم تکامل ایزارتولید بعنوان اصلی ترین عامل محرك جامعه و تاریخ پذیرفته شده بود وزیربنا و موتور محرك تحولات اجتماعی و سیاسی همین رشد و تغییر ایزارتولید در یک جامعه شمرده میشده، اما ماو خود را مقید و منحصر به فرمول کلاسیک مارکسیستی نمی کرد.

بعضی شیوه های ماو با این دیدگاه کلاسیک مارکسیستی قابل تبیین و تائید نیست. ماو برای انسان اهمیت و ارزش فوق العاده قائل بود و به نقش انسان در تحولات اجتماعی توجه وافر داشت. بهمین جهت در دوره قبل از پیروزی روی اراده و مقاومت ملی تکیه میکرد و رزمی سبب ایزارتولیدهای وی نیز همین بود. مثلاً "راهیمائی بزرگ که یک مهاجرت انقلابی و رهائی بخش بود بیانگر این روحه ملی و تکیه به تمامی افشار ملت بود که آنهارا در مسیر عمل انقلابی متحول میکرد. حال آنکه بلحاظ طبقاتی صرفاً "بایستی به طبقه کارگر تکیه میکرد" و باروند تکامل ایزارتولید آنها را متشکل مینموده، که این طبقه در چین

تشکل و گسترش چندانی نداشتند. ۱۵ ماه در کوه و جنگل و دشت با ۱۰۰ هزار جمعیت با ستین مختلف از اینجابه آنجا رفتن در حرف ساده است. بخصوص که دشمن در صد شناسایی و تعقیب آنها باشد. کما اینکه در این مهاجرت بزرگ ۵۰۰۰۰ نفر بر اثر سختی ها و مشکلات هلاک شدند. ولی کادرهایی که این تجربه بزرگ را دیدند آبدیده و ساخته شدند. مثال دیگر:

ماو در جنگهایی که با ژاپن و با حکومت چیان کایچک داشتند به شیوه جنگهایی پارتیزانی تکیه میکرد که در واقع به ابتکار و خلاقیت انسانها در مقابل تکنولوژی

و ابزار پیشرفته اصالت میداد. بعدها ماو کوشید همین دیدگاه را در حل مشکلات اقتصادی بکار گیرد. مثال دیگر:

ماو در دوره ای از مبارزات خود به وحدت ملی چین اصالت میداد و حاضر بود با چیان کایچک و حزب کومین تانگ که از دیدگاه طبقاتی کلاسیک نماینده بورژوازی محسوب میشدند علیه ژاپن متحد شوند در حالیکه با معیار مبارزه طبقاتی و در قالب تضاد کاپیتالیسم و سرمایه، تضاد اصلی در راه سوسیالیسم تضاد طبقه کارگر با بورژوازی و با کمپرادور است. لذا این اتحاد ملی اصولی نبوده و موضوعیتی نداشت.

یا تکیه ماو بر اقتصاد روستایی و کشاورزی بجای اولویت دادن به صنعتی کردن چین با دیدگاه اصالت ایزارتولید بنظر میرسید. بر طبق آن بایستی بر پیشرفته ترین ابزار و تکنیک تولید تکیه کرد.

این اختلاف بین مواضع سیاسی و عملی ماو با متر یا لیسم تاریخی از ابتدای امروزه داشت و در این چهار چوب هم قابل حل نبود.

اساس تفکر ماو بر پایه لیسم دیالکتیک بر تقدم ماده "برایده" در طبیعت است که در متر یا لیسم تاریخی به تقدم ایزارتولید یا زیر بنا بر روینا تبدیل میشود، و روینا شامل روابط انسانی و مناسبات اقتصادی و اخلاق و فرهنگ و ایدئولوژی و می باشد. برای تحول در فرهنگ

و اخلاق جامعه طبق این فرمول بایستی در شیوه تولید تحول بوجود بیاید. لذا انقلاب فرهنگی ماو که میخواست با تحول دریافت سیاسی فرهنگی جامعه اوضاع اقتصادی را هم سروسامان دهد و مناسبات اقتصادی را تصحیح کند، امری ایجابیستی و ارتجاعی قلمداد میشود. حال ماو بایستی یا در آن فرمول تقدم ماده بر پایه و تقدم زیر بنا بر روینا شک و تجدید نظر میکرد

و به تبیین فلسفی دیگری میرسید با در این شیوه ها و استراتژی تجدید نظر مینمود. البته ماو در جریان عمل و تجربه خاص مردم چین به این نظریات و دستاوردها رسیده بود و از آنجا که مارکسیسم به پراتیک اصالت میدهد و معتقد است بایستی تئوری ها را در تجربه محک زد، کار ماو میتوانست مقبول مارکسیستها واقع شود و طبق معیارهای مارکسیستی هم نمیشد به آن ایراد گرفت. اما تناقض فوق نیز

و این مسئله هم برای آمریکا ناراحت کننده بود .

سه چهار سال اول انقلاب به همین درگیریهای کره و تایوان که در واقع درگیری با آمریکا بود گذشت . لبه تیز حمله حزب کمونیست به امپریالیسم آمریکا بعنوان برکاغذی بود . رابطه دوستی با شوروی را حفظ میکرد .

از طرفی ما ثوابروشهای شوروی موافق نبود و خودیک الگوی خاص چینی از مارکسیسم را بنیاد نهاده بود . ولی سعی میکرد که تضادش با شوروی را علنی نکند . تا وقتی استالین زنده بود ما ثواب احترام شوروی را بعنوان رهبر اردوگاه سوسیالیست حفظ میکرد گرچه تضادهایی نیز بگاه بروزمی نمود .

مثلا " الگوی اقتصادی شوروی را که در چین تکیه بر صنایع و مدرنیزه کردن آن بود ما نورد می کرد . یا ما ثواب معتقد بود در جامعه سوسیالیستی هم میتواند روابط سرمایه داری شکل بگیرد در حالیکه مارکسیسم شوروی که به اصلت ابزار معتقد بود و روابط جامعه را تابع محض تکامل ابزار میدانست ، این عقیده را خرافی و خلاف ماتریالیسم تاریخی می پنداشت .

## اینجاست که تکنسین ها و متخصصین و انقلابیون

### و آنها که

قبل از انقلاب زجر کشیده و در راه پیمایی بسزرگ و نبردهای پارتیزانی

فداکاری کرده اند

ارزش و برتری پیدا می کنند ،

کرد . از طرفی آمریکا که از توسعه کمونیسم وحشت داشت به جیانکاچک کمک میکرد حکومت ویرادرتا یوان بعنوان نماینده قانونی چین برسمیت شناخت و خارجیها از چین مهاجرت کردند . از طرفی آمریکا در کره با شوروی رقابت داشت . کره شمالی منطقه نفوذ شوروی بود و آمریکا هم در جنوب نفوذ داشت . این رقابت هم به درگیری کشیده شد و از آنجا که کره هم مرز چین است ، پای چین هم به جنگ کره باز شد .

ما ثواب بعد از پیروزی شعار حمایت از نهضت های آزادی بخش جهان را میداد . و واقعا به انقلابیون ویتنام باکره و . . کمک میکرد

مسئله کمی نبود که در روند تحولات بعدی چین نقش بسزایی داشت . ( یعنی تضاد بین ایدئولوژی و فلسفه ما ثواب استراتژی و شیوه های عملی )

درون حزب کمونیست کسانی هم بودند که طبق فرمول کلاسیک مارکسیستی یعنی اصلت و تقدم ماده برآیده و تقدم تکامل ابزار تولید بر ربنای فرهنگی فکر میکردند و از آن دیدگاه برای حل مسائل شیوه و راهنمادرمی آوردند . که در واقع کارشان با اصول اعلام شده حزب انسجام داشت . اینها طبعاً به روشهای متفاوت با ما ثواب می رسیدند . قبل از پیروزی اصطکاک این دو جریان کمتر بود و بعد از آن آشکارتر شد .

### ● سیر تحولات بعد از پیروزی

پس از پیروزی سال ۱۹۴۹ جیانکاچک به فرم و جزایر تایوان فرار کرد و آنجا را بعنوان پایگاه ضد انقلاب درآورد . ما ثواب نیز بعنوان دفاع از تمامیت ارضی خط پس گرفتن تایوان و تعقیب جیانکاچک را دنبال



دکتر هسونیات - سن

طلبی خروشچف در شوروی ، چین ، شوروی و آمریکا را هم عرض گرفت . نهایتاً " شوروی را بعنوان اصلی ترین خطر برای جنبش کمونیستی جهان قلمداد کرد . اکنون برای اینکه سیر تحولات چین پس از انقلاب را بشناسیم لازم است قدری جناحها و نظرات مختلف درون حزب کمونیست را بشناسیم و سپس تحولات و تغییرات آنرا دنبال کنیم .

### ● مرزبندی دو جریان فکری در حزب

کمونیست به رهبری ما ثواب

گرچه همه جناحهای حزب " ماتریالیسم دیالکتیک را پذیرفته بودند و مارکسیسم لنینیسم را راهنمای عمل میدانستند اما خط مشی و شیوه های عملی ما ثواب مارکسیستهای دیگر منجمله طرفداران شوروی تفاوت داشت . ما ثواب آنها را به دکماتیسیم متهم مینمودند و آنها افکار ما ثوابیستها را ایده آلیستی و خرده بورژوازی میدانستند .

در ذیل شیوه ها و نظریات این دو جریان فکری را مرزبندی میکنیم . البته این روشها خاص مارکسیستها نیست و در اکثر انقلابات جهان سوم چنین نظریات و روشهایی وجود داشته و دارد . مرزبندی نظریات کمک میکند که برخورد فکری سالم در بین نیروها بوجود آمده و به نظر صحیح دست یابیم .

## نظرات مائو

## نظرات لیوشا شوچی و تنگ شیاو پینگ

### ۱- هدف اساسی در سیستم اقتصادی

\* اصل خودکفایی است. تا خودمان تولید نمیکنیم مصرف نکنیم. مثلاً در چین سوخت نفتی رایج نیست و اغلب از ذغال سنگ استفاده می کنند. یا دوچرخه وسیله نقلیه عمومی است. (توضیح: مائو برای رشد اجتماعی به عزم و اراده انسان اصالت میدهد. لذا به تکنیک متناسب با رشد انسان معتقد است. تکنیکی که انسان چینی مولد و مبتکر آن باشد.)

\* اصل مدرنیزه کردن صنایع و مجهز شدن به تکنولوژی پیشرفته است. تکنولوژی پیشرفته را باید در هر جا ی دیگر هست تهیه کرد. (توضیح: تنگ برای رشد اجتماعی به تکامل ابزار تولید اصالت میدهد لذا معتقد است اگر تکنیک برتری در چین ایجاد کنیم، در سایر زمینه ها رشد و توسعه بوجود می آید.)

### ۲- شیوه تحقق سیستم اقتصادی مطلوب

\* تکیه بر خلاقیت و ابتکارات مردمی برای یافتن شیوه های جدید و حل مشکلات اقتصادی. (اصالت انسان خلاق و انگیزه مند)

\* تکیه بر تکنوکرات ها و متخصصین برای تحقق مد رنیسم - جلب حمایت کشورهای صنعتی بزرگ و صاحب تکنولوژی بخصوص شوروی لازم است. (اصالت تکنیک و تکنیسین)

### ۳- اولویت هادر روند توسعه اقتصادی

\* اولویت با کشا و ورزی است بعد صنایع سبک، بعد صنایع سنگین. (کشا و ورزی به اکثریت توده های چینی تکیه دارد و نیروی انسانی در این فرمول اصل گرفته شده است)

\* اولویت با صنایع است بعد کشا و ورزی. صنایع سنگین و ما در اولویت دارند. (به صنایع سنگین بخاطر اینکه تولیدکننده ابزار و ماشین است تکیه شده است.)

### ۴- شیوه کشا و ورزی

\* در کشا و ورزی اصل بر جمعی کردن تولید و مکانیزه کردن تولید کشا و ورزی با استفاده از ابتکارات خود کشا و ورزان است.

\* اصل از دیاد تولید کشا و ورزی است بدین منظور باید کشا و ورزی را مدرنیزه کرد. برای اینکار ریاستی از طریق مدیریت و ازبالاتر تکنولوژی برتر تهیه شده و در اختیار کارگران کشا و ورز قرار گیرد.

### ۵- سیستم مدیریت

\* وظیفه مدیریت آموزش دادن و افزایش اطلاعات کارگران است و نیز سازماندهی اطلاعات کارگران و توسعه ابتکارات آنها (به رشد عامل انسانی و ابتکارات آنها اصالت می دهد).

\* وظیفه مدیریت از دیاد تولید و بهبود کیفیت جنس تولید شده است. بدین منظور اجرای مقررات و انضباط بدون انعطاف و اطاعت کارگران از مدیریت باید عملی شود. (به رشد تولید و کار لایدون توجه به انسان تولید کننده اصالت میدهد.)

### ۶- مالکیت و سوسیالیسم

\* سوسیالیسم بمعنی تغییر مالکیت خصوصی به دولتی نیست بلکه تغییر روابط بین کارگر و کارفرما اعم از دولتی یا خصوصی است. (یعنی مائو به ماهیت روابط انسانی توجه دارد نه شکل مالکیت.)

\* سوسیالیسم یعنی مالکیت دولتی و عمومی بر واحدهای تولیدی.

## نظرات مائو

نظرات لیوشا ثوجی -  
تنگ شیا ثوپینگ

## ۷- مبارزه و تولید

- \* اصلی ترین کار در یک واحد تولیدی اقتصادی سوسیالیستی تداوم مبارزه طبقاتی است . ( نفی استثمار و عدالتخواهی را اصل می گیرد ) .
- \* مبارزه برای تولید بجای مبارزه طبقاتی - افزایش تولید و سرعت دادن به توسعه اقتصادی اصلی ترین کار در یک واحد تولیدی است . (رفاه و توسعه امکانات را اصل می گیرد)

## ۸- مصرف

- \* مصرف بمقدار احتیاج هرکس باید باشد . اصل بر تساوی و برابری است . همگی از یک سبو بنوشیم " یک ضرب المثل چینی است " ( این خط مشی در تحلیل نسبی با بیدار کردن انگیزه عدالت طلبی و برابری فرد را به تولید بیشتر برای دیگران ترغیب می کند ) .
- \* توزیع درآمد بر اساس کار باید باشد ، تا انگیزه شخصی برای نیروهای مولد وجود داشته باشد . ( این خط مشی در تحلیل نهایی انگیزه انسان را سود و منافع فردی دانسته و با تکیه به آن فرد را به تولید بیشتر ترغیب می کند ) .

## ۹- سیاست خارجی - نهضتها

- \* حمایت و کمک به انقلابیون جهان سوم بویژه سوسیالیستها یک وظیفه است .
- \* ( چیز مشخصی ندیدیم )

## ۱۰- سیاست خارجی - دولتها

- \* مائو میگفت : انزوای مادر بین دولتها ناشی از رشد انقلاب در بین ملتها است .
- \* تنگ میگفت : انزواگرایی ملی نمیتواند به مدرنیزاسیون منتهی شود . سیاست درهای باز برای جذب تکنولوژی خارجی .

## ۱۱- کادرسازی

- \* لازم تداوم انقلاب تربیت انسان " همه فن سر حریف " است . مائو میگفت : سرخ کارشناس لازم داریم . یعنی فردا انقلابی که تخصصی را هم فرا گرفته باشد .
- \* نوسازی اقتصاد چین نیاز به تربیت کادرساز تکنیسین یا حرفه ای دارد . تنگ میگفت : کارشناس سرخ لازم داریم . یعنی متخصصی که انقلاب را هم قبول داشته باشد مزیت دارد .

## ۱۲- رابطه فرد و حزب - حزب و مردم

- \* تنها امر مطلق در حزب " مبارزه " است . اطاعت امری است مشروط و بستگی به صحت خطوط سیاسی در حزب دارد . ( تقدم اصول بر روابط )
- \* همه کس حتی مائو به عنوان رهبر حزب باید بدون چون و چرا از حزب تبعیت کنند . اطاعت مطلق . ( تقدم مطاحت حزب بر اصول )

## ۱۳- رابطه زیربنا و روبنا

- \* مائو معتقد به انقلابهای فرهنگی مستمر در جامعه سوسیالیستی بود که این نشان دهنده تقدم روبنا بر زیربنا برای یک دوره طولانی ( حدود دو قرن ) می باشد . ( با تحول فرهنگی انسانها می خواهد سایر مسائل را متحول کند )
- \* اعتقاد به تکامل ابزار تولید داشتند . البته در مقطع زمانی خاصی به تقدم روبنا بر زیربنا بطور تاکتیکی نه استراتژیک معتقد بودند و ترا انقلاب فرهنگی مائو وارد میکردند . ( نفی نقش انسان در تحولات اجتماعی )

حرکت کنند. این جریان معتقد است که خطوط کار در چندین هزار صفحه از "صحیفه نسور" مشخص شده و رهبران جمهوری اسلامی همگی باید در آن راستا حرکت کنند و برای اساس و مبنا انتقاداتی را مطرح میکنند که به وجهی به رهبری فعلی انقلاب نیز مربوط میشود و به همین خاطر از جانب جریان اول متهم به خروج از خط ولایت میگردند. جریان اول خطاب به جریان دوم میگوید مگر شما نمی گفتید که امام خمینی (ره) بالاترین درک را از اسلام دارند و کسی حق مخالفت ندارد با همین استدلال هم اکنون بالاترین درک از خط امام متعلق به رهبری منتخب خبرگان است و ایشان مفسر صحیفه نور نیز میباشند.

با کمی دقت در مباحث فوق درمی یابیم که جوهر این مباحث در جگونگی رابطه امام و امت است.

در رابطه با این نیاز و ضرورت بود که در سالهای ۶۱ تا ۶۳ مقالاتی در "راه مجاهد" عنوان گردید. از آنجا که بنظر میسر شد مقالات مذکور در شرایط فعلی نیز تا حدی پاسخگوی نیازها و سئوالات است. بسرا آن شدم تا در این شماره نیز آن مطالب را عیناً نقل کنیم.

● انگیزه و هدف :

پس از استعفاء آیت الله منتظری و فوت امام خمینی (رحمة الله علیه) و انتخاب آیت الله خامنه ای توسط خبرگان رهبری، شاهد تغییراتی در موضع گیری جریانات مختلف و مطرح شدن سئوالاتی بیرونی "امر" امامت و رابطه آن با امت بوده هستیم. این موضوع به انحسار مختلف در اظهارنظرها بروز میکند. عده ای که تا دیروز و در زمان حیات امام (ره) بخشی از نظرات ایشان را قبول نداشته و از این جهت نظرات امام را به دو دسته "ارشادی" و "مولوی" تقسیم میکردند امروز از هواداران دو تشه ولایت فقیه آنهم از نوع مطلقه آن شده اند.

در مقابل جمعی دیگر که تا دیروز حتی اظهارنظرهای مخالف نظرات رهبری را انحراف از انقلاب و اسلام میدانستند امروز به اما و اگر پرداخته و مطرح میکنند که رهبران جمهوری اسلامی بعد از امام خمینی (ره) همگی باید در کار نظرات آن مرحوم

# امامت وامت

## تبیین مکتبی اصل امامت و ولایت فقیه "نفس منظوی"

راه مجاهد شماره ۶ - اردیبهشت ۶۱

میدانند، دسته ای دیگر آنرا دیکتاتوری مستضعفین می شمارند (۱) دسته ای نیز امامت را استثناً دانسته و ولایت فقیه را اجزای اصول نمی دانند و آن را اجزای احکام به حساب می آورند. عده ای هم واژه تعمیم امامت را که شکل سی اسلامی از مکرسی غربی است مطرح می کنند که این همان لیبرالیزم است که در نهایت همه این تفکرات به انجامی انجامد که ولایت فقیه را شکلی از استبداد یاد دیکتاتوری بدانند.

تفکری که ولایت فقیه را دیکتاتوری حکومت فرد بر مردم می شمارد انسانها را بدون توجه به مراتب رشد آنها با یکدیگر برابری میدهد و از همین جاست که دموکراسی غربی و شیوه رای گیری بی ملان را به عنوان شیوه حکومتی می پذیرد و معتقد میشود که رای امام هم مانند سایر افراد جامعه یک رای محسوب میشود. مسلم است که اگر امام را یک فرد در مرتبه سایر افراد به حساب آوریم از نظرگاه

تبیین مکتبی اصل امامت و ولایت فقیه "نفس منظوی"

از آنجا که ولایت فقیه یکی از اهم مسایل اسلامی بویژه در جامعه امروز ما مسئله ای بسیار مهم است در اطراف آن به بحث می پردازیم و ریشه های فکری جریانهای موافق و مخالف با آن را بررسی می کنیم. یک دسته از مخالفین، ولایت فقیه را دیکتاتوری فرد بر مردم

از جهان هستی در حالیکه جهانی  
در تو پدید آمده شد و تو منطقی  
جهان می باشی .

نظر شیخ محمود شبستری

بقول شیخ محمود شبستری  
عارف بزرگ:

جهان انسان شد و انسان جهانی

از این بایگیزه تر نبود بیان - می  
یعنی انسان کامل عصاره و چگینه  
و فشرده همه جهان است .

قلب نبی ، قلب جهان

امام خمینی در تفسیر سوره حمد  
قلب نبی اکرم (ص) را قلب  
جهان دانسته اند و معتقدند  
شناخت کامل مربوط به مشاهده  
قلب نبی است و کسانی که  
به تعلیمات پیامبر (ص) متعلم  
باشند :

"این راغیر از خود اونی تواند  
مشاهد کند . قضیه ، قضیه ادراک  
عقلی نیست ، قدم برهان نیست  
قضیه مشاهده است ، آنهم مشاهده  
غیبیه ، مشاهده با چشم نیست ،  
مشاهده بانفس نیست ، مشاهده  
باعقل نیست ، باقلب نیست ، آن  
قلبی که قلب عالم است قلب نبی  
مشاهده با اوست او در ریاضت . . .  
۴۵ صفحه ۴۵ تفسیر سوره حمد چاپ  
حزب جمهوری اسلامی ) یعنی که  
قلب نبی اکرم (ص) منطقی  
جهان عصاره همه موجودات است  
، این است که قدرت تسلط  
و ولایت بر انسانها را بقصد  
هدایت و رشد آنها دارد .

تقریب به ذهن

برای نزدیک شدن به ذهن و  
درک مساله در برگیرند کسی از  
دست آورد هایی که بشر در زمینه تکامل  
داشتند حجتی بهمیان می آورم .

در کتابهای علمی ، تکامل جهان را  
به چند مرحله تقسیم کرده اند :  
مرحله مکانیکی ، شیمیایی ،  
بیولوژیکی و اجتماعی .

در علم تکامل پذیرفته شده است که  
هر مرحله بعدی در برگیرنده  
مرحله قبلی نیز هست . مثلاً "تکامل  
بیولوژیکی در برگیرنده تکامل مکانیکی  
و شیمیایی نیز می باشد و در آخرین  
مرحله که تکامل اجتماعی باشد . .  
انسان در برگیرنده تمام مراحل  
گذشته تکاملی خود می باشد .

د موزکراسی نمی تواند حاکم بر  
جان و مال مردم باشد چرا که  
در این صورت حکومت فرد بر مردم  
تلقی میشود بخصوص اگر قصد  
کردن مالکیت های نامحسد و  
باشند .

تیبین مکتبی ولایت فقیه :

از دیدگاه اسلام همه پدیده ها  
در عین آنکه در حرکت تکاملی به  
جانب خدا می باشند ولی هر کس ، ام  
در ماری از مراتب وجود در حرکتند  
درین پدیده ها انسان خلیفه الله  
از بالاترین مرتبه وجودی برخوردار  
است و بالاترین سعوه پر از هستی  
دارد و خود منطقی و در برگیرنده  
پدیده های دیگر نیز هست و به  
دلیل انطواء و در برگیرندگی ، بر  
پدیده های دیگر تسلط و قدرت  
تغییر دارد .

تیبین امام خمینی از انسان :

امام خمینی در تفسیر سوره علق  
می گویند که "عصر" یعنی انسان  
کامل یعنی عصاره همه موجودات .  
عصاره انسان کامل است ، امام زمان  
سلام الله علیه است . یعنی عصاره همه  
موجودات ، قسم بقصد همه  
موجودات یعنی قسم به انسان کامل  
۱۰۰۰۰ ( صفحه ۱۰۴ تفسیر  
سوره حمد و علق از انتشارات حزب  
جمهوری اسلامی )  
و قرآن قسم به این انسان می خورد  
قسم به انسان کامل یعنی امام زمان  
( عج ) .

حضرت آدم خلیفه الله

در استان حضرت آدم  
می بینیم که به نقل قرآن کریم ملائکه به  
خدا اوند میگویند که این موجودی را که  
فساد و تباهی و خونریزی دارد چرا  
خلق می کسی ؟ و خدا اوند  
میفرماید که شما نمی دانید و سپس  
خدا اوند کریم اسماء را به انسان  
می آموزد و به این ترتیب انسان  
بالاترین مرتبه از مراتب وجودی  
پیدا می کند و نفس منطقی  
و در برگیرنده همه عالم گشته و  
" آدم " ( ۲ ) میشود .

تیبین علی علیه السلام از انسان  
علی (ع) می فرمایند :

اتَّزَمَ أَنْكَ جَزْمٌ صَغِيرٌ  
وَفِيكَ أَنْطَوِي الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ  
گمان میداری که تو جزم کوچک

## ولایت بشرط آنکه از

نفس منطقی در آید

یعنی ولی فقیه بر استی منطقی

و در برگیرنده

توده ها باشد

هیچگاه

زور و دیکتاتوری

نیست

بلکه

حاکمیتی رشد دهنده و

تعالی بخش است .



به عنوان مثال انبیا علاوه بر اینکه ویژگی اجتماعی دارد سوخت و ساز هم دارد و در رون و اعمال شیمیائی هم انجام میشود و حرکت مکانیکی هم دارد و... خلاصه اینکه همه اشکال حرکت تکاملی را در بر دارد البته مقصد مان این نیست که حرکت جوهری و یا "نفس منظوی" را بدین گونه اثبات کنیم بلکه کمک فراوانی به درک آن می‌کند.

### ولایت برمال و جان

ولایت در جامعه بالاترین مرتبه و در ارتکامل است. امامت واقعی زمان در برگیرنده جامعه و حاوی و منظوی تودها و نیازهای اصیل مردم است. امام انسانی است متعالی تر و مرتبه بالاتر که به بهره بیشتری از هستی برده است و در نتیجه منظوی و در برگیرنده افسردگی جامعه است و به همین دلیل قدرت هدایت و تعالی و تغییر جامعه را دارد.

در قرآن کریم آمده است که "النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ" (سوره احزاب آیه ۷) یعنی کسی که رسول خدا (ص) سزاوارتر و اولی تر است از مومنین به نفسهای آنها یعنی رسول اکرم (ص) بنفس منظوی و در برگیرنده مومنین است و به همین دلیل قدرت هدایت و رشد مومنین و تغییر و تحول در مومنین را دارد.

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه می‌گویند: "... ما می‌توانیم از آیه شریفه "النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ" استفاده کنیم که منصب ولایت برای علماء هم ثابت است. باین بیان که مراد از اولویت، ولایت و امامت است چنانکه در مجمع البحرین در ذیل این آیه شریفه روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: "این آیه درباره امامت (حکومت و ولایت) نازل شده است بنابراین نبی ولایت و امامت بر مومنین دارد و همان امامت و ولایتی که برای نبی اکرم (ص) است برای علماء نیز ثابت می‌باشد..."

### در حکومت اسلامی

کسی به ولی فقیه رای نمیدهد

بلکه

با او بیعت میکند.

یعنی نفس خود را

جان و

مال و خون خود را

در اختیار

امام صادق وقت میگذارد

امروزی بینیم که امام خمینی میلیونها انسان را در عمل صالح زمان برای دفع تجاوز و مقابله با کمپ دیوید بیسیج نمودند و انسانهایی را بینیم که در این مدت انقلاب بطور انقلابی تغییر کرده اند. آیا این قدرت بسیج خود بهترین دلیل ولایت برجان و مال نیست؟ آیا میلیونها رزمنده که جان را در راه اسلام و خط امام میدهند حاضر نیستند مال خود را بدهند و بدهای مشغول این بحث اند که آیا... ولی فقیه می‌تواند برمال و جان حاکم باشد؟ در حالیکه عملاً "ولایت امام میلیونها انسان را تغییر داده و می‌گویند: "تاخون در رگ ماست خمینی رهبر ماست..."

بسیار اتفاق افتاد که رهبر یک سازمان و بایک فرد مکتبی تحلیلی از انسان ارائه میدهند که بهترین تحلیل خود اوست.

### نفس منظوی

بعضی جریانات فکری که ولایت فقیه را دیکتاتوری فردی محسوب میدارند به دلیل بینش خود منظوی بودن ولی فقیه را نمی‌فهمند و نیز نمی‌دانند که حاکمیت صادق، منظوی تودهاست و ولی فقیه دست و حاکم مردم است.

تنها باینش اسلام و پذیرش "نفس منظوی" است که شعارهای "روح منی خمینی، بت شکنی خمینی" و "خمینی، تونوری از خدا ایسی، فریادی از دل لهایی، رهبر مایی" قابل درک و تبیین است، چرا که تودها ی فطری و صادق، امام را حاوی و منظوی نیازهای عدل طلبانه و ضد ظلمی خود میدانند.

انسان نه جز است و نه کل نه فرد است و نه جامعه بدون درک "نفس منظوی" امامت و ولایت فقیه قابل تبیین نیست و بدون آن همچنین حکومت امام زمان سلام الله علیه با دیکتاتوری اشتباه میشود.

بدون تکیه به این ملاک اسلامی، امام و ولی فقیه یا جز جامعه محسوب میشود یا کل آن و در هر دو صورت ولایت فقیه درک نمیشود. تفکری که امام را کل جامعه میدانند در مقابل این مسئله که امام در ظاهر یک فرد است عاجز میماند و رابطه بقیه در صفحه

# بررسی مسئله اعتیاد

بحث پیرامون پدیده اعتیاد در شماره

پیشین با تلاشی برای تبیین علل گرایش فرد به اعتیاد و ذکر تشویش‌ها و اضطراب‌های فطری بشری آغاز کردیم، در آنجا "روانشناسی اعتیاد" در حدوس مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مطالبی نیز در مورد گذشته و مطلوب معتاد و خط و بهره‌ای که از استعمال مواد مخدر می‌طلبند نظیر "پا گذاردن به دنیایی مملو از عدل و انصاف و برابری" و یا "به فراموشی سپردن درد ورنج و ظلم" مطرح گردید.

در ادامه بحث اعتیاد دبر آنیم تا در این شماره "ماهیت سیاسی" این پدیده شوم و رنج آفرین را مورد مطالعه قرار دهیم و طی آن اولاً توطئه تاریخی - سیاسی سرمایه - داری فرامیلتی را در اوضاع اعتیاد و تجارت غیرقانونی مواد مخدر بررسی نمائیم و ثانیاً "زمینه‌ها و علل سیاسی رشد و گسترش اعتیاد در درون جامعه ایران را از نظر خواهم گذرانم.

نوشتار حاضر در قالب دو بخش زیر تنظیم گردیده است:

الف: وجه بیرونی پدیده اعتیاد

ب: وجه درونی آن

که این دو بخش مشتمل بر محورهای ذیل خواهند بود:

- مقدمه

- انقلاب و پدیده اعتیاد

- الف: وجه بیرونی:

۱ - سرمایه‌داری فرامیلتی، مواد مخدر، اعتیاد

۲ - خاورمیانه اسلامی در دهه گذشته

- ب: وجه درونی

۱ - ماهیت سیاسی اعتیاد

۲ - شعوری جامعه غیرسیاسی

۳ - جوانفعال و زمینه اعتیاد

مقدمه:

گسترش وسیع و سریع اعتیاد و واقعیتی است پراهمیت و دردناک که فراروی انسان امروز قرار گرفته است. نا توانی مبارزین گذشته و نارسایی شیوه‌های بکار گرفته شده در خاتمه بخشیدن به حیات مرگبار رگزاران شبکه‌های پیچیده تجارت غیرقانونی مواد مخدر و اوضاع اعتیاد و حتی ایجاد دخل در روند پیشرفت آن دلیل نگران‌نازی است که پدیده اعتیاد را به مثابه تهدیدی فراگیر برای جامعه جهانی بشمار می‌آید. شاید بتوان رمز بقای قاچاقچیان و همچنین لاینحل ماندن معضل اعتیاد را وجود هماهنگی و انسجام تشکیلاتی میان عوامل زمینه‌ساز و پیشبرنده توطئه اعتیاد تحت استراتژی و کامیست سیاسی و احدها بی‌شمار کرد.

تلاش جهانی سرمایه‌داری فرامیلتی در اوضاع هدفدار اعتیاد به مواد مخدر در میان جوامع انسانی، توطئه تاریخی - سیاسی است که شواهد مسجل و مدلل تاریخی و براهین متقن عقلی از آن خبر می‌دهند.

به این لحاظ بررسی عمیق و جوه سیاسی -

اقتصادی معضل اعتیاد به منظور فهم و درک صحیح هدف سرمایه‌داری جهانی از اوضاع و گسترش آن، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پرواضح است که گام نخست مبارزه‌ی اصولی و بنیادین را شناخت کامل وجوه توطئه استکبارت تشکیل می‌دهد و تلاش و همتی درخور و شایسته را نیز طلب می‌نماید.

"در مطالب بخش نخست مقاله حاضر که در شماره گذشته تا به این وجه پرداخته شود، علاوه بر این در بحث پیرامون ماهیت سیاسی پدیده اعتیاد، توجه به سنجشها، زمینه‌ها و اصولاً ریشه‌یابی درونی مسئله بسیار اهمیت دارد. در پژوهش و تحقیقی که شناخت کامل حقیقت را در نظر دارد و زودن قطعی هر آنچه

که ما به ازاء درونی و زمینه دشمن خارجی شمرده می‌شود بعنوان هدف اصیل و عمل صالح مورد نظر است و تمام مح و تجاهل نسبت به واقعیت‌های جاری در زوایای جامعه‌جایی نخواهد داشت بلکه برعکس نقد آگاهانه و دلسوزانه ضعفها و کاستیها به منظور ترمیم سلامت ما ناوبر دوام جامعه بسیار مورد توجه می‌باشد.

"در بخش دوم این نوشتار مفصلاً اهداف فوق مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که بذل توجه به پدیده اعتیاد بعنوان یک آسیب اجتماعی در جامعه انقلابی ایران مطرح می‌باشد و هدف این سلسله مقالات، برداشتن گامی در جهت حل آن و انجام وظیفه و تعهدی انقلابی است لذا در ادامه مقدمه و قبل از پرداختن به وجوه سیاسی اعتیاد نظری اجمالی به وضعیت اعتیاد پس از پیروزی انقلاب می‌فکنیم.

## ● انقلاب و پدیده اعتیاد

در دهه‌ای که گذشت در عین حالیکه شمیم عطر آگین انقلاب اسلامی دماغ فطرتهای خداجوی فراوانی را نوازش داد و وطنین پر صلابت مرگ بر شاه، مرگ بر آمریکا و استقلال و آزادی، مرگ همه‌سیا هیها و سیا هکارها را نوید می‌داد. متأسفانه و برخلاف تصور عموم سابه شوم اعتیاد در جامعه ما من گسترش و انقلاب موردتهاجم و ترغیب استعمار اشاعه اعتیاد قرار گرفت. با کمال ناباوری می بینیم که نه تنها اعتیاد گسترش شدیدتری نسبت به گذشته یافته است بلکه اعتیاد به تریاک جای خود را عمدتاً "به اعتیاد به بلای جهنمی" هروئین "سپرده است. باید گفت در ده سال گذشته فطری نوگشوده شده است چرا که اینبار برخلاف گذشته نه صرفاً پیران و زکا را فتنه دگان زخم خورده زتا زباند ظلم ستم شاه‌ها، بلکه جوانان و نوجوانانی که در دام انقلاب پرورش یافته اند بیداد اعتیاد گرفتار آمده‌اند.

به بیانی تلخ اما واضح تر: "نسل انقلاب" نسل دختران و پسران دانش آموز و دانشجو - ثی که سرمایه‌های گرانبها و رزمندها انقلاب بشمار می‌روند. همانها که هویتشان ماهیت انقلاب است و تمامیت انقلاب رهین منتشان" به این دلیل شاید بتوان اعتیاد در بعد از انقلاب را "پدیده‌ای بدیع" نیز به شمار آورد چرا که انگیزه پنا بردن قشرا انقلاب کرده به دام آلوده و مسموم اعتیاد، تفا و تیماهی

با انگیزه استعمال مواد مخدر از جانب سالخوردهگان بیمار دارد. (درستور آتسی مفصلتر بحث خواهد کرد.)

بهر تقدیر در مواجه با این پدیده تأسف با روتعجب زان، سخنان، تحقیقها و تمهیدات بعضاً "عجولانه و انفعالی بیشمار" عرضه شده است که به سبب پیدایش فضای غلیظ استکبار ستیزی در دهه گذشته کثرت نزدیک به تمام مباحثها، سخنرانیها، تحلیلها، و اظهار نظرهای تنها و تنه‌ا وجه بیرونی مسئله یعنی "نقش استکبار" در اشاعه اعتیاد میان قشر جوان و فعال را مورد توجه قرار داده‌اند. و کمتر کسی به سراغ زمینه‌های مستعد و سنخیت‌های بینشی و روشی موجود در فضای سیاسی جامعه با ماهیت ارتجاعی توطئه‌ها اعتیاد درفته است.

شاید دلیل این امر عدم شناخت کافی نسبت به وجوه درونی معضل ذکر شود لیکن با تأملی شایسته، "ضعف بینشی در تکرار جرم‌ها پدیده" و "عدم انسجام در ارائه راه حل سیاسی مناسب"، از دلایل عمده و اساسی به شما رخواهند آمد.

حقیقت تأسف با ر عدم رفع معضل به ارت رسیده اعتیاد در سالهای پس از پیروزی انقلاب و مهم‌تر و تلخ‌تر آن رشد و گسترش سریع آن میان قشری جدید که قاعده مستحکم "هرم" انقلابی بی‌نظیر" را تشکیل می‌دهند بی‌هیچ گفتگوی با نگرسیاری راه رفتنها و غلط کاریهای گذشته است. نظر به اهمیت موضوع بایسته است که با عبرت از آنچه بر انقلاب گذشته تمهیداتی شایسته و موثر اندیشید و روح پیروان انقلاب را بر کالبد مبارزه‌ای پوی گیر و صولی دمید.

برای مینا کنکاش در زوایای پیدایش و نهادن موضوع به جهت دستیابی به تحلیل صحیح نسبت به اصل و اساس ماهیت پدید آمده اعتیاد آنگونه که راه به مقصود پیش گفته بریم، اساس دغدغه ما در این سری مکتوبات میباشد.

● الف: وجه بیرونی پدیده اعتیاد

- اعتیاد و سرمایه‌داری فراملبتی

زمانیکه در چهارمین دهه قرن گذشته (۱۸۳۹-۴۲) استعمار انگلیس جنگ تریاک را بر مردم چین تحمیل کرد و به پشتیبانی سرمایه و سلاح استعمارگران غربی پیروزی برد دولت چین را رقم زد سه کشور سرمایه‌داری انگلیس، آمریکا و فرانسه با چین قراردادها برای تجارت مواد مخدر منعقد کردند

در ایران پس از پیروزی انقلاب،

نقش نظریه‌ها و مذهب‌های غیرسیاسی و

همچنین برخورد های حذفی و خصلتی در دل سرد ساختن

نسل جوان امری مهم و

قابل اهمیت می‌باشد و با یستی شیوع اعتیاد و

گسترش دیگر رفتارهای انفعالی و ناسازگاری اجتماعی را فرآیند

چند ساله سیاست زدا ئی

در جامعه و بخصوص غیرسیاسی شدن قشر جوان بشمار آورد.

و بدین ترتیب سیاست و محدود فراملبتی استعمارگران سرمایه‌دار غرب در هدا یست و سازماندهی تجارت مواد مخدر و استعمال آن را به نمایش گزارند.

یک و نیم قرن که بر آن آغاز شوم گذشته، فرصت طولانی و مغنمی بوده است که پیشرفت‌ها و پیچیدگیهای بسیار در امر تجارت و مصرف مواد مخدر در سرا سر کیتی برای سرمایه‌داری استعمارگر پدید آورده است.

امروز منافع سرمایه‌داری ایجاب می‌کند که با سودجستن از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی مدرن، مواد مخدر ترکیبی و استحصالی بسیار پیشرفته و موثری که بر ا حتی قابل مصرف بوده و ظاهر آن "رزان هم قابل تهیه باشد" را در مقیاسهای کلان و گسترده به بازارهای جهانی عرضه نماید و از این طریق هم سود سرشاری به کف آرد و هم غبار رخوت و مرگ بر چهره مردان و زنان استثماری شده جهان بپاشد.

این نکته اساسی که سیاست جهانی سرمایه‌داری در اشاعه اعتیاد و مواد مخدر تنها به کسب سود مستقیم از تجارت غیر قانونی این مواد محدود نمی‌شود، عطف توجه لازم را طلب می‌نماید. توضیح آنکه اصولاً مواد مخدر علاوه بر آنکه به لحاظ علمی در سیستم مغز و روان انسان ایجاد اختلال کرده و شادابی و نشاط طبیعی را از او می‌گیرد، اصولاً "نگیزه" های عصیانی انسان را منحرف می‌سازد و هر گونه بینش صحیح و روش اصولی برای مبارزه با بیعدالتی و استثماری از زمین می‌برد به این لحاظ ریشه‌های سیاسی حمایت امپریالیسم جهانی از گسترش اعتیاد به مواد انیونی در

درجه نخست تضمین روال کنونی و مستمر چپا و ملل فقیر و اقشار فریب خورده جوان مع می‌توانند با شدت انهم از طریق القاء و هام و ذهنیتها در مغزهای متاثر از اثرات جهالت آفرین مواد مخدر پیدایش مذهب "الاس دی" در غرب که معتقد است خداوند به بشر ماده انیونی "الاس دی" را مرحمت نموده است تا بیعدالتی و ظلم از جهان رخت بریند و لذا هر فرد با ید روزانه با مصرف "الاس دی" شکر خدای را بجای آورد. بهترین گواه بر مدعای پیش گفته می‌باشد.

به علاوه هنگامی که بنا بر اظهار مسئولین ماده هلاکت با رهروئین در ایران ارتزاز مراکز تولید آن قابل تهیه می‌باشد دیگر جای هیچگونه شک و شبهه باقی نمی‌ماند که مبارزه با اقدامات موثر و انقلابی علیه نظام سلطه سرمایه‌داری جهانی در صدد اهدا فاش شوم سرمایه‌داران جهان خواهد کرد.

در تکمیل بحث نگاه می‌هر چند گذرا و اجمالی به واقعیت‌های وضعی اعتیاد و تجارت غیر قانونی مواد مخدر طی ده سال گذشته می‌افکنیم

● خاورمیانه اسلامی در دهه گذشته

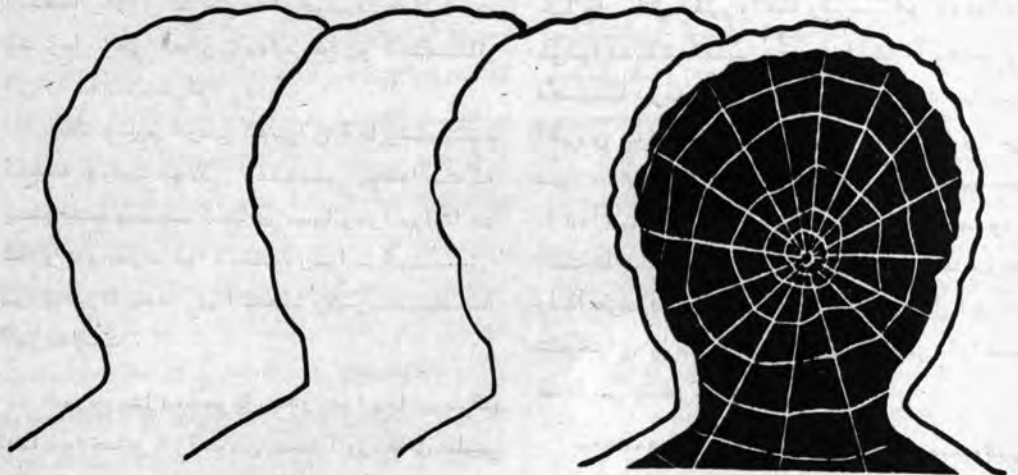
با تولد انقلاب اسلامی در ایران تحولی عظیم خاورمیانه و جهان اسلام را فرا گرفت و ارکان حاکمیت امپریالیسم جهانی در یکی از استراتژیک ترین نقاط جهان به شدت به لرزه در آمد. بگونه‌ای که احتمال سقوط قریب الوقوع بسیاری از نظامهای ظالمانه بدیهی و قابل قبول می‌نمود.

به این سبب دهه‌ای که بر خاورمیانه و جهان اسلام گذشته است را می‌توان دهه نبرد تنگاتنگ میان انقلاب و ارتجاع انسانهای

بیدار شده و حق پیوبا حکام و سلاطین دست نشانده و وابسته به استعمار دانست. از باب نمونه باید گفت تا شیرپذیری مسلمانان افغانستان و پدید آمدن حماسه مقاموت در خورتوجه، تحولات بنیادین در نحوه مبارزات ملت مسلمان لبنان و فلسطین در رویارویی با جبهه صهیونیستها و حامیان امپریالیستی آنها، تعمیق و تقویت انقلاب اسلامی در مصر و اقدام انقلابی سادات عامل کمپ دیوید براثر رشد جهاد مسلحانه مسلمین مصر، از زمره مهمترین تحولاتی است که تحت تاثیر انقلاب اسلامی پدید آمده است. لیکن این همه تحولات مبارک و فرخنده، تنها یک بخش (هرچند اصلی) از رویدادهای دهه گذشته منطقه را شامل می شود. روی دیگر سکه علامت دزدان صفا و انسانیست نقش بسته و حکایت از تلاشی اهریمنی علیه دست آوردهای انقلاب و بطور

معرفی کردند و خواستار کنترل هر چه بیشتر مرزهای این کشور با فلسطین اشغالی شدند. - لبنان به یکی از تولیدکنندگان بزرگ جهانی حشیش، طی ده سال گذشته تبدیل شده است قاچاق موادمخدر در لبنان به واسطه تقسیم کنترل مناطق میان شبهه نظامیان یا ارتش کشورهای بیگانه (اسرائیل) تشدید شده است و بویژه از طریق ۱۰ بندر غیر قانونی که در کنترل فائزها قرار دارد از راه قبرس یا مصر به سوی اروپا و آمریکا ارسال می شود.

- اعضای خاندان سعودی با استفاده از امکانات وسیع به ایجا دیکی از مجهزترین تشکیلات قاچاق موادمخدر مبتدیانند شرکت هواپیمایی سعودی بعنوان اصلی ترین وسیله حمل موادمخدر از بانکوک به ریاض و سپس به نقاط مختلف اروپا و آمریکا، در خدمت



جدیدتر علیه هویت تاریخی - مبارزاتی مسلمین دارد عاری از لطف نخواهد بود اگر به چند گزارش که سیر تحولات پدیده اعتیاد و قاچاق موادمخدر در منطقه را مدنظر دارنند توجه کنیم:

- وزیر مشاور در امور مبارزه با موادمخدر پاکستان در کمیسیون مبارزه با موادمخدر سا رک (انجمن همکاری منطقه ای جنوب آسیا) گفت: بیش از دو میلیون تن از افراد این کشور (پاکستان) به موادمخدر معتاد هستند البته قبل از دهه گذشته اعتیاد در میان مردم پاکستان به این شدت رواج نداشته است و اما رفعلی معتادین از نتایج حکومت ده ساله گذشته است.

- گروهی از اعضای پارلمان مصرحجم معاملات قاچاق موادمخدر در بازارهای مصر را ۶۰ میلیون دلیره مصری در سال اعلام کردند این عده رژیم اشغالگر قدس را مسئول مستقیم ترویج و پخش موادمخدر (پس از انعقاد کمپ دیوید در ده سال قبل) در مصر

شبکه قاچاق شاهزادگان سعودی می باشد. در گزارش فوق به نام کشورهای پاکستان لبنان، مصر و عربستان برمی خوریم که اگر نام افغانستان را نیز به سبب انتقال هدایت شده مرکز ثقل تولید، و تجارت موادمخدر از "مثلث طلائی" به "هلال طلائی" در ده سال قبل اضافه کنیم و نام کشور انقلابی ایران را هم به سبب افزایش بی سابقه اعتیاد به هروئین در میان نسل جوان در کناره این کشورهای موردتهاجم قرار گرفته قرار دهیم ترکیبی بسیار پر معنا بوجود می آید. ۶ کشور اسلامی ایران، لبنان، مصر، افغانستان، پاکستان، و عربستان سعودی که هر کدام به دلایل مختلف دارای اهمیت انقلابی، اعتقادی و جمعیتی بسیار قابل توجه در میان کشورهای اسلامی و منطقه استراتژیک خاورمیانه می باشند، اگر نام رژیمهای وابسته به آمریکا در منطقه و صهیونیستها و فائزها و شاهزادگان سعودی را نیز مدنظر قرار دهیم بخوبی جنگ انقلاب و ارتجاع، منادیان شرف و عدالت با

سکانداران چپا و ول و ظلم چهره می نماید. و کاملاً ثابت می گردد که هدف سیاسی نابود ساختن روحیه ظلم ستیزی و انقلابیگری و ترویج انفعال و سرخوردگی میان اقشار فعال جوامع اصلی ترین هدف سرمایه داری از اشاعه و ترویج موادمخدر می باشد.

● ب: وجه درونی:

الف - ماهیت سیاسی اعتیاد:

اعتیاد پناه بردن به موادمخدر نوعی واکنش انفعالی است که تحت شرایط سیاسی - اجتماعی نامطلوب توسط اقشاری از آحاد جامعه در ناسازگاری با وضع موجود، مورد توجه قرار می گیرد. انفعال در جامعه، به معنی ناامیدی از به نتیجه رسیدن راههای اصولی و متعارف مبارزه ای اصلاح گرانه می باشد. بهر تقدیر انفعال یا احساس درماندگی در اصلاح شرایط به نحو مطلوب، حالتی است که واکنشهای غیر سیاسی را تجویز می کند. توضیح لازم آنکه: هماگونه که تصور "فرد در جامعه" بدون نظر و موضع راجع به شرایط موجود امری ذهنی و محال است مترادف پنداشتن انفعال با بی واکنشی نیز خطایی آشکار شمرده می شود. لذا با عنایت به مضامین فوق، انفعال را واکنش غیر سیاسی تعریف می کنیم و فرد منفعلی را نیز، فرد غیر سیاسی، اما دارای موضع و نظر می دانیم. پدیده اعتیاد و کلیه ناهنجاریهای اجتماعی به لحاظ سیاسی دارای ماهیت انفعالی هستند. ماهیتی که انگیزه منحرف شده نیازی اصیل یعنی ارشاد و اصلاح می باشد.

برای شناخت کامل ماهیت سیاسی اعتیاد لازم می آید پس از آنکه اعتیاد دزائیده و معلول جوانفعال در جامعه شناخته شده بررسی علت پدید آمدن جوانفعال در جامعه نیز توجه بنمائیم و بایست است که موشکافانه در پی پاسخ به این سؤال بپردازیم که اگر جوانفعال خود علت نیست و معلول است پس علت پدید آمدن آن چیست؟

شخص جامعه سالم و صالح عبارت از فعالیت سیاسی، انقلابی گری، موضع داشتن راجع به شرایط و مسائل واقداً اصلاح گرانه متبیین و موثر از جانب افراد جامعه می باشد. این ویژگیها هم محتاج به شرایط و فضای سالم سیاسی هستند اما مجال بروز و ظهور پیدا کنند و هم خود عامل به وجود آمدن جامعه ای سالمتر و صالحتر می باشند. با این ملاک مشخص می گردد که "انفعال" و احتراز از آن بر لزوم وضع سیاسی بقیه در صفحه ۳۷



## امام خمینی

### از زبان آیت الله منتظری

از آنجا نیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شدیم مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از شریه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیل های سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم. ضمناً " راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند.



خودشان را در معرض آقا شی و مرجعیت قرار نمی دادند. حتی در مورد گرفتن جلسه فاتحه برای مرحوم آیت الله بروجردی که هر کسی سعی می کرد زودتر از دیگری بگیرد ایشان اصلاً حاضر نمی شدند و کنار ایستاده بودند. چون معنایش این بود که ایشان خودشان را می خواهند مطرح کنند تا با اواخر روزهای ۱۵ - ۱۶ فوت آقای بروجردی شاگردان ایشان با اصرار یک جلسه خودشان بنام ایشان گرفتند و حتی آن روزها که روزنامه نگاران از تهران می آمدند و با مراجع صاحبه می کردند ایشان حاضر نبودند و خودشان را کنار می کشیدند تنها بعضی شاگردان علاقمند به ایشان برای روزنامه ها چیزهایی می گفتند.

● مبارزات امام با انجمنهای ایالتی و ولایتی  
ولی هنگامی که جریان انجمنهای ایالتی و ولایتی پیش آمد و همه علماء و مراجع اعلامیه دادند. اعلامیه های ایشان خیلی کوبنده و تند بود علیه رژیم شاه و همین معنی باعث شد که مردم ایشان را بشناسند، البته ماها و خواص که می شناسند دولتی مثل سایر مراجع در بین مردم ایشان عنوان نداشتند و مبارزات و موضع گیریهای ایشان در مقابل لویج ششگانه شاه و جریان انجمنهای ایالتی و ولایتی ایشان را بین مردم مطرح ساخت و با زارت تهران و سایر شهرها به ایشان متوجه شدند. خود ایشان هم در تماس با علماء شهرها فعال بودند اما مکاتبات. بقیه در صفحه ۲۲

آیت الله... منتظری پس از رحلت امام (ره) در خرداد ۶۸ طی مصاحبه ای چاپ نشده خاطرات خود را از سابق دوستی چهار ساله خود با امام به زبان آورده اند. آیت الله... منتظری صالحترین شخصی هستند که قادرند بعد از اسلامی علمی و انقلابی امام را شکافته و معرفی کنند. بدلیل اهمیت تاریخی این مصاحبه و مطالب مهمی که در آن وجود دارد بر آن شدیم تا به چاپ نکات مهم این مصاحبه در دو بخش اقدام در منزل ایشان در قم و در منزل ایشان در قم در دو بخش اقدام در منزل ایشان در قم و در منزل ایشان در قم در دو بخش اقدام در منزل ایشان در قم...

● فوت آیت الله بروجردی و مرجعیت امام خمینی  
بعد از فوت آیت الله بروجردی که بیوت مراجع فعال شده بود، از نظر علمی ما و شهید مطهری به ایشان نظر داشتیم ولی ایشان مطالعه کرده ام و امام هیچ



# پیام آیت الله خامنه‌ای بمناسبت هفته دفاع مقدس

اگر (قطعنا مه) اجرا نشود داده عیب همیشه جمهوری اسلامی مبنی بلزوم قطع ریشه تجاوز، و رابطه میان تجاوز عراق و حاکمیت سلطه در جهان و اینکه رژیم عراق در ادعای صلح طلبی صداقت نداشته است به اثبات میرسد و بی اعتمادی به قرارهای ساخته قدرتها که جمهوری اسلامی همواره مدعی آن بوده است در میان ملت‌ها رائج خواهد شد و جوانان را بر تکیه فقط به نیروی خویش تشویق خواهد کرد.

... این قطعنا مه که زیر فشار برای این بود که با قبول قطعنا مه سهمگین رزمندگان اسلام بر بیکر حقانیت جمهوری اسلامی بیش از دشمن صادر شدند که شعاع دفاع پیش در جهان آشکار شود و ملت مقدس ما در آن تا مین گردیده ایران به هدفهای اساسی خود در بود و اجرای کامل آن دشمن را به سطح بین المللی نزدیکتر کرد. شکست قطعی میرساند و لذا هرگز با این ابتکار جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی آن را رد نکرد دشمن در دوراهی شکست قرار آنچه برای ایران اسلامی مطرح گرفت، اگر اجرا شود ایران اسلامی و موجب عدم شتاب در قبول آن می- به خواسته‌های خود رسیده است و باشد، اصرار بر تنبیه متجاوزین قدر اگر اجرا نشود داده عیب همیشه کافای در میدانهای نبرد و نیویز جمهوری اسلامی مبنی بر لزوم قطع بی اعتمادی در اجرای میثاقهای ریشه تجاوز و رابطه میان تجاوز عراق و حاکمیت سلطه در جهان و اینکه رژیم عراق در ادعای صلح طلبی صداقت نداشته است به اثبات

قبول قطعنا مه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی و رهبر عظیم‌الشان فقید آن توطئه وسیع دشمن را بار دیگر با هدایت الهی به خود او برگرداند و دشمن را که تحت شعار صلح طلبی به هر جناحی دست می- زد خلع شعا رکردشاید مشیت الهی خواهد کرد ...

ادامه " امام خمینی از ... " زیاد دی با آنان داشتند. یک روز صبح یا دم هست خدمت ایشان رسیدم فرمودند من دیشب اصلاً نخوابیدم و صدمه برای علما و روحانیون شهرستانها نوشتم بخط خودم راجع به وظیفه آنها در مقابل رژیم شاه و اینکه چرا آنها ساکت نشسته اند.

● ملاقات آیت ا... منتظری

با آقای حکیم در مورد

مرجعیت امام

یادم است در سفر اول که

قاچاقی به اعتبار مشرف شدم

امام

در حین اشتغال به

مبارزات و کارهای سیاسی

هیچگاه از کارهای

درسی و علمی خود کم نمی گذاشتند

ایشان آن موقع در ترکیه تبعید بودند و سیاست رژیم شاه این بود که میخواست از ناحیه قم

راحت باشد. مرجع را در نجف معرفی

می نمود و بیشتر مرحوم آقای حکیم

را بعنوان مرجع معرفی کرده بود

تا از تهران دور باشد و از وضع

ایران حتی المقدور بی خبر باشد و

در ذهن آقای حکیم کرده بودند که

اطرافیان آقای خمینی از نهضت

آزادبها و حزبها و بچه‌های تند

می‌باشند و می‌خواهند مرجع تراشی

نمایند و ایشان را مرجع کنند و خود

ایشان نیز در صدد مرجع شدن میباشد.

و من می‌دانستم ذهن مرحوم آقای

حکیم را نسبت به امام پر کرده اند

لذا من در اولین سفرم که به نجف

رفتم توسط آقای عمیدزجانی

وقت ملاقات با آقای حکیم خواستم

و با اینکه می‌گفتند ایشان معمولاً

وقت خصوصی به کسی نمی‌دادند.

ولی من حدود سه ربع ساعت در مورد

آقای خمینی با ایشان صحبت کردم

و به ایشان عرض کردم من خدا را

توابع می‌گیرم که از آن روزی که

من با ایشان آشنا شدم یک قدم

برای مرجعیت خودشان برنداشتند

و حتی بعد از فوت مرحوم آقای بروجردی هر چه به ایشان اصرار کردند رساله چاپ کنند حاضر نشدند تا اینکه مسئله لوایح ضدا سلام رژیم که پیش آمد و ایشان احساس وظیفه نمودند و اعلامیه‌های کوبنده و تند را علیه آنها منتشر نمودند مردم آن موقع به ایشان زور آوردند و ایشان را بعنوان مرجع قبول نمودند، حال مردم از ایشان استقبال کردند و گناه ایشان و ... در مورد چنین افرادی حزبی و نهضت آزادی در اطراف ایشان که آقای حکیم ذکر می‌کردند که

آقایان نهضت آزادی توسط من از آقای خمینی ملاقات خصوصی می‌خواستند و ایشان قبول نکرد

● انجام کارهای درسی و علمی

در کنار کارهای سیاسی و انقلابی

امام در حین اشتغال به

مبارزات و کارهای سیاسی

هیچگاه از کارهای درسی و علمی

خود کم نمی‌گذاشتند. یک روز یاد

است در اوایل مبارزه با لویح

شکا نه شاه روزی خدمت ایشان

رسیدم و در حالیکه منزل ایشان

در قم از مردم تهران و شهرستانها

پرسیده بود و منتظر دیدار با ایشان

بودند، من دیدم امام به نوشتن

درس خود که از تدریس آمده بودند

مشغولند. من با تعجب گفتم آقا

الان مردم شهرستانها در بیت شما

منتظر صحبت و دیدار شما می‌باشند،

وقت نوشتن درس‌ها لایست که

ایشان فرمودند: نه، ما نباید از

کارهای علمی و درسی خود کم بکنیم

ما باید کار خود را بخوانیم

انجام دهیم و این همان بحثهای

فقه‌ای ایشان بود که به قلم ایشان

می‌باشند و چنانچه است و بنظر من

...

این نکته را باید آقایان اهل علم و فضلا از امام یا دیگریندو هیچگاه کارهای سیاسی و انقلابی آنها مانع کارهای درسی و علمی ایشان نشود.

رأس عوامل پیروزی امام،

مقام علمی ایشان بود

● اهمیت کار آقای خمینی که توانستند پیروزشوند این بود که ایشان از نظر جفا افتاده و غنیو شاخص بودند یعنی از نظر علمی ایشان مرجع تقلید و مورد توجه فضلا و علما بودند و همین معنی

یکسانی هم که ما نشان بود اکثرا "به آقای حکیم وعده ای هم به آقای خوئی مراجعه کردند.

ما احساس کردیم که باید برای مرجعیت حضرت امام فعالیت کرد و رژیم میخواست اسم ایشان بگلی از بین مردم محو شود و تبعید هم که ایشان بودند نمیخواست عنوان آیه اللهی و مرجعیت پیدا کنند و من یادم هست در اوایل با زداشت من در قم در با زجوئیها من از آقای خمینی بعنوان آیت الله نام میبردیم که با زجوکه شخصی بنام بکائی بود عصبانی شد و گفت آیت

در حال تبعید بودند که مرحوم آقای مصطفی را دستگیر کرده بودند و شهریه ایشان در شرف تعطیلی بود، من خیلی تلاش کردم و به با زاریها و امثال آقای عسکرا ولادی و این طرف و آن طرف سفارش می کردم که به هر جوری شده نگذا رند به شهریه ایشان ضربه ای وارد شود و از جوه شرعیه مردم تا مین گردد و با لایحه کاری شده هم مرجعیت ایشان تثبیت شد و هم شهریه ... ایشان داده می شد و آسیبی ندید.

● تلاش برای گرفتن امضاء از

ما احساس کردیم که باید برای مرجعیت حضرت امام فعالیت کرد و رژیم میخواست اسم ایشان بگلی از بین مردم محو شود و تبعید هم که ایشان بودند نمیخواست عنوان آیت اللهی و مرجعیت پیدا کند.

من یادم هست در اوایل با زداشت من در قم در با زجوئیها من از آقای خمینی بعنوان آیت الله نام می بردم که با زجوکه شخصی بنام بکائی بود عصبانی می شد

پشتوانه شد برای کارهای سیاسی و مبارزاتی ایشان که مردم به ایشان رو آوردند در موز و پیروزی ایشان علاوه بر قاطعیت و پشتکار و استقامت، عامل مهمی که در رأس همه عوامل می باشد همین بود که از نظر علمی ایشان قوی و غنی و مورد توجه همه بودند چنانچه از نظر معنوی و قداست و عرفان و معرفت نیز مردم به ایشان ایمان داشتند و باید ادامه جمع و جماعات، فضلا و طلاب در این نکته توجه نمایند و درس بگیرند و در ضمن کارهای اجتماعی، سیاسی و انقلاب درس و بحث را ترک نکنند و در همان حوزه خودشان مطالعه و درس و بحث داشته باشند. اقلان آنچه را خوانده اند باید ایشان نروند. ما باید در هر پستی هستیم حوری باشیم که بتوانیم رفع نیاز علمی جامعه و طلاب و مردم را بکنیم.

بعد از فوت مرحوم آقای سرور جردی گرچه رساله ایشان کم کم چاپ شده بود، ولی هنوز در بین مردم جا با زنگرده بود، چون بعد از فوت ایشان مفتی مرحوم آقای سید عبدالهای مرجع بودند و بعد از

الله ننویس و من اصرار در نوشتن داشتم، گفت برای ت بد می شود، گفتم هر چه می خواهی بشود، یک دکتر را مثلاً اگر بعنوان دکتر ننویسی توهین است گفت پس در او راق با زجوئی ننویس که من خودم به اسم آیت الله نوشته ام، و من نوشتم، لذا من و مرحوم آیت الله ربانی شیرازی، رجعه! الله تعالی تصمیم گرفتیم به روشی شده یک چیزی تنظیم نمائیم که عده ای از فضلا و علما به مرجعیت ایشان شهادت دادند و البته نظر ما علمیت ایشان بوده ولی حد اقل آنان به حوا ز تقلید و بلا شگال بودن آن شهادت دادند و با لایحه نوشته ای درست کردیم که ظاهرا ۱۱-۱۲ نفر از اساتید مرجعیت ایشان را امضاء کردند و آن را در ... منتشر کردیم که دستگامه ساواک از این کار خیلی ناراحت و عصبانی شد و شهرت ایشان را تلاش می کرد از بین برود و توزیع نشود

● تلاش برای قطع شدن شهریه امام

یادم هست آن روزها که ایشان

نوشتیم و فردا در جلسه به علماء گفتیم آقایان اینجا تشریف آورده اند حد اقل خوب است یک اعلامیه برای اربعین شهداء ۱۵ خرداد بدهید که ناگهان مرجع آقای حاج آقا مرتضی حائری گفتند ما با اینجا نمی آیم اعلامیه بدهیم، بلکه آمده ایم کاری بکنیم برای آقایان که با زداشت می باشند. گفتم کاری از دست من و شما جز همین اعلامیه ها و دلگرم نمودن مردم و تشویق آنان بر نمی آید و هر کسی چیزی گفت و پیشنهاد ما را قبول نکردند ما

گفتم این حد اقل یک تلگراف احوالپرسی به آقای خمینی و دو نفر دیگر مخابره کنید گفتند به دستشان نمی رسد، گفتم می رسد، هدف ما تجلیل و حمایت از آنها و شخص آقای خمینی می باشد و چون دولت منعکس نمی کند که آقایان علما از شهرستانها به تهران برای چه هدفی آمده اند و حتی وانمود می شد که بعضا "برای معالجه چشم خود یا رفتن به مشهد مقدس به تهران آمده اند. چنانچه در دیدار پاکروان با بعضی چنین اظهار شده بود، بهرحال پس از اصرار زیاد ما اول مرحوم بنی صدر از علما همدان که آدم عالم و حوری بود، به من گفت شما یک متنی آماده کنید تا شاید امضا بشود، من گفتم متن آماده است و همان متن آماده شده از قبل را با عنوان مرجع تقلید شیعه ارائه دادم که موجب استنکار و تعجب آنان شد و هر کس چیزی گفت مبنی بر اینکه ایشان مرجع تقلید نیستند، گفتم مرجع کسی است که از او تقلید کنند، گفتند

چه کسی از ایشان تقلید می‌کند؟  
گفتم من و لازم نیست که همه مردم از کسی تقلید کنند به علاوه شما بروید بین مردم ببینید ایشان مقلدین زیادی دارند. بهر حال چند نفری با ما همصدا شدند و عده‌ای را جمع به بعضی کلمات دیگر اعتراض داشتند که اصلاح شد. در این هنگام یکی از بزرگان حاضر با عصای خود بلند شد که از جلسه بیرون و من در باطوق را بر او بستم و گفتم نمی‌گذارم خارج شوید تا نکوئید اشکال این متن کجایش است

کردند و دربار جوثی درس‌ها واک شهرری سراغ آن متن را از من گرفتند و خیال می‌کردند ..... و مرا در یک حمام که فوق العاده گرم نموده بودند برای شکنجه بردند که پس از نیم ساعت تمام لباسهایم کاملاً تر شد و با لایحه پس از تهدید به زدن و کشتن بعداً "دربار جوثی من بکلی منکر شدم و آنها سراغ آقای امینی را نه به اسم خاص از من گرفتند و فحاشی می‌کردند با لایحه پس از چیزی مرا با تعهد که فردا مجدداً "برگردم آزاد کردند و گفتند چه کسی تو را می-

شیخ محمد تقی آملی هم عنوان مرجعیت امام ذکر شده بود که خطر را دفع نماید.

● توصیه به طلاب در نقل فتاوا از امام در منابر

به هر حال رژیم در آن شرائط می‌خواست مرجعیت ایشان و شهریه جا نیفتد و ما تلاش می‌کردیم که بهر نحو شده مرجعیت ایشان و شهریه تثبیت شود تا هم خطرا زمین برود و هم برای تاثیر در نهضت و روی

● اعلام مرجعیت امام در جلسه ختم آقای حکیم

بعد از فوت آقای حکیم با مرحوم آقای ربانی شیخ را از تصمیم گرفتیم جلسه‌ای فاتحه در مسجد اعظم قم بعنوان آقای حکیم از طرف حوزه علمیه که آن روزها معلوم بود برای چیست و یکی از آقایان را برای سخنرانی دعوت کردیم و شرط کردیم که روی منبر مرجعیت امام را جدی اعلام نماید در این هنگام ما مانع نبودیم و ما می‌خواستیم در قم و در این موقعیت

امام هیچ خودشان را در معرض آقایی و مرجعیت قرار نمی‌دادند.

حتی در مورد گرفتن جلسه فاتحه برای مرحوم آیت الله بروجردی که هر کس سعی می‌کرد زودتر از دیگری بگیرد ایشان اصلاً

حاضر نمی‌شدند و کنسارایستاده بودند.

و با لایحه آن بزرگوار با غنچه گفت فلانی تو خیلی زرنگ و ناحق هستی و برگشت نشست و ما از همگی امضاء گرفتیم و اول هم همان شخص بزرگوار که می‌خواست فرار کند امضاء نمود و چون میدانستیم چند نفری از علمای مهاجر هم پیش آقای شریعتمداری در باغ ملک هستند، رفتیم به سراغ آنها و با آقای خسرو شاهی که آنجا بودند قضیه را درگوشی و محرمانه مطرح کردیم و ایشان با بلند صحبت کردن مسئله را افشاء نمودند و حاضرین در جلسه که چند نفر ساواکی هم در آنجا بود از قضیه مطلع شدند و ما از لورفتن مسئله ناراحت شدیم، ولی امضاء را گرفتیم و به آقای امینی گفتم خلاصه قضیه لورفتن و ساواکیها مطلع شدند و من چون شناختم متن تلگراف را به شما می‌دهم و شما جدا می‌شوم که اگر دستگیر شدم تلگراف ما زمین نرود چون میدانم با چه زحمت و خون دلی این امضاها گرفته شد و ایشان قبول کردند و من جدا شدم و اتفاقاً "در حرمت حضرت عید العظیم مرا تعقیب و سپس با زداشت

شناسد گفتم آقای شریعتمداری که با وفحش دادند گفتم آقای خوانساری به او هم فحش دادند گفتم خدا مرا می‌شناسد و فردا با زبا اینکه رفقا مخالف بودند، آمدم و با جوثی از من شد و تمام شد و آقای امینی که صحنه با زداشت مرا دیده بود فوراً "تلگرام را در باغچه مدرسه لاله زاری پنهان نموده بود و بعداً از زادی من گفتم خوب چه کسی حالا تلگرام را مخا بره کند قرار شد مرحوم آقای حاج شیخ عبدالجواد سده‌ای که چند تن از همشهریه‌های قومی ایشان را همراهی و حمایت می‌کردند بپروند برای مخا بره که بردند و ما خوشحال شدیم که مرجعیت آقای خمینی را ۳۳ نفر از علماء معروف شهرستانها امضاء کردند. البته مراجع مانند آقایان میلانی، نجفی مرعشی و شریعتمداری را ما دیدیم صحیح نیست که با ما امضاء کنند آنها خودشان قرار شد چیزی با امضاء چهار نفر بنویسند که کردند و چون خطرا عدم امام در بین بود در متن مراجع چهارگانه آقایان میلانی، مرعشی، شریعتمداری و حاج مردم، و من یا دم است به طلاب مبارز می‌گفتم شما به جای اینکه شاعر بدهید یا یک اعلامیه پخش کنید و دستگیر شوید که ربهتر و عمیق تر این است که از ایشان در منا بروم و نقل فتوا نقل کنید اگر هم از دیگران تقلید می‌کنید یک فتوا هم از ایشان نقل کنید اثر این کار برای مبارزه از پخش یک اعلامیه مثلاً "شاید بیشتر باشد. روی این جهت ما و آقای ربانی شیرازی خیلی صراحتاً داشتیم و می‌دانستیم وقتی دستگاه دید در هر شهر و روستا رساله‌ها ما و فتاوی ایشان مطرح است، دیگر هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. یا دم است تیمسار مقدم در یکی از با زداشتها به من گفت هفده نفر مرجع داریم چرا از یک نفر این قدر ترویج می‌کنید و خمینی خمینی می‌کنید؟ پرسید ایشان چندمین مرجع است بنظرت. گفتم اول یا دوم وظاها اول آقای حکیم را معرفی کردم سپس گفت مراجع را بشمار من چهار نفر را شمردم گفت چرا آقای خوانساری را نشمردی؟ گفتم خوب ایشان هم باشد.

که آقای حکیم فوت شده اند مرجعیت امام اعلام گردد. ولی آن شخص مدعونی مدو چون برای جلسه اعلامیه پخش شده بود جلسه خیلی شلوغ شد و آقای شریعتمداری هم آمده بود. وقتی دیدیم برای منبری کسی نبود آقای شریعتمداری به آقای سید صالح ظاهری گفت پس شما بروید منبر و جلسه را ختم کنید و ایشان قبول نمود.

● تشکیل جلسه به قصد احیاء امام

آن موقع که ما مدر ترکیه بودند ما دیدیم اسم ایشان رویه فرا موشی است. اصراً کردیم به فضلا که جلسه با شکوهی در مدرسه فیضیه گرفته شود و با زشخص مدعو نیا مدیرای منبر که آقای مشکینی و آقای انوری اول صحبت کردند و آقای مشکینی را جمع به اختلاف ترک و فارسی به عربی چند جمله‌ای گفتند و من بعداً "صحت کردم که برای اولین بار بود و گفتم حوزه علمیه قم بدون روح ندارد و ایشان باید هر چه زودتر به ایران و حوزه علمیه



با زگردندوا از این قبیل حرفها و صحبت را با خطبه حضرت امام حسین در باره مرید معروف و نهی از منکر که کتاب تحف العقول می باشد شروع و با تفصیل مطالب را مطرح کردم و ساواکیها برای تهدید پلیس را به پشت بام مدرسه فرستادند و مجلس را زیر نظر داشتند و رفقا از اینکه من برای اولین بار صحبت کردم تعجب کرده بودند و هدف اصلی ما از این حماسه احیاء نام امام بود که مدتها فراموش شده بود و ما می خواستیم نام ایشان در ایران و حوزه علمیه همیشه مطرح باشد و آن روزها معروف بود که کتکرا قبال گفته بود اما آقای خمینی را بردیم نجف تا گرفتار (گروهها) نشود و نام او در گرد خیال می کردند ایشان در نجف مطرود میشود در صورتی که در نجف هم درس ایشان خوب

گرفته بود و برخلاف نظرشان بود و علت بردن ایشان به نجف این بود که مجلس ترکیه ظاهرا "بیش از یک سال را به دولت آن کشور اجازه تبعید آقای خمینی در آنجا را نمی داد و گفتند ایشان در نجف کم می شود و ما هم اصرار داشتیم که نام ایشان در کشور و روی منابر و در محافل باشد و بعنوان مسئله گفتن و فتوا نام ایشان را احیاء می کردیم و رژیم سعی می کرد با زداشت افرا دنگذارد به هیچ وجه از ایشان نامی برده شود و در قم هر کجا چیزی به نام ایشان مطرح می شد سکه به نام من و آقای ربانی شیرازی خورده و بود آقای مطهری آن موقع تهران بودند و بعد از هرحا دتهای به سراغ ما می آمدند و ما را دستگیر می کردند مثلاً "بعد از شهادت آقای سعیدی فوراً آمدند و ما را با زداشت

نمودند چون ترسیدند برای تشیع جنازه و ما کاری انجام دهیم.

● نقش شهید محمد منتظری در تشبیت مرجعیت امام

دربین بچه ها فرزندان شهید محمد منتظری خیلی فعال بود. او مرا با زداشت کردند. وحدود مثلاً گاهی تصمیم می گرفتیم از طلاب شهرستانها برای تشبیت مرجعیت آقای خمینی جداگانه اعلامیه و مضاء بگیریم و برای این کار لازم بود یک نفر با شده هماهنگ کند کارها را و مرحوم محمد برای این کار خیلی فعال بود و سراج هم بود و اگر طرف قبول نمی کرد با اصرار و سماجت از او مضاء می گرفت و با استدلال با اینکه مگر توبه اسلام و انقلاب عقیده نداری طرف را راضی به مضاء می کرد و او را قبل از من با زداشت کردند البته چندین

با ربا زداشت شد و همه اش هم برای اعلامیه ها می بود که از شخصی مضاء می گرفت و آن دفعه هم که محکوم به چند سال شد برای پخش اعلامیه در صحن مطهر بود در ایام عید نوروز که با عده ای اعلامیه پخش می نمودند که بلافاصله بعد از او مرا با زداشت کردند. وحدود دو ماه من به اتفاق آقای ربانی طلاب شهرستانها برای تشبیت مرجعیت آقای خمینی جداگانه اعلامیه و مضاء بگیریم و برای این کار لازم بود یک نفر با شده هماهنگ کند کارها را و مرحوم محمد برای این کار خیلی فعال بود و سراج هم بود و اگر طرف قبول نمی کرد با اصرار و سماجت از او مضاء می گرفت و با استدلال با اینکه مگر توبه اسلام و انقلاب عقیده نداری طرف را راضی به مضاء می کرد و او را قبل از من با زداشت کردند البته چندین

## پیرامون شخصیت

### امام خمینی رضوان الله علیه

#### ● امام و آیت الله بروجردی

در سال ۱۳۳۴ که مرحوم بروجردی آمدند قم، یکی از دعوت کنندگان ایشان حضرت امام بود و الحق برای زعامت ایشان کار کردند. بعد از فوت مرحوم آقا سید حسن تنها کسی را که امام با نوشتن نامه به بلا معرفت کرد ایشان بود بعد از آن موضعش عوض شد گویا نظرشان این بود که حالا که مرحوم آیت الله بروجردی مسئولیت دارند، ایشان باید به این امور بپردازند (ا مورسیاسی) البته در عین حال، النصیحه لائمة المسلمین را داشتند.

#### ● امام خمینی علیه بها ثبیت

در سال ۱۳۳۴ آقای فلسفی مسئله بها ثبیت را عنوان کردند و

کیهان فرهنگی با استاد جعفر سبحانی در خرداد ماه ۶۸ مصاحبه ای پیرامون شخصیت امام خمینی به عمل آورده که بخشهای سیاسی این گفتگورا نقل می کنیم.

#### آقای بروجردی هم نامه نوشتند

به آقای فلسفی و ایشان نامه را از راه دیو خواندند و بعد به ناگزیر مسئله را رها کردند، امام می - فرمودند: "من هر روز میروم آقا را آما ده می کنم برای تعقیب مسئله و بیرون راندن بها ثیان از دستگاه دولت و ادارات اما فردا که میروم می بینم که آقا دوباره سرد شده اند." این بود که چون ایشان زعامت را حق آقای بروجردی می دانستند دیگر کار سیاسی بها این معنی انجام نمی دادند.

#### ● امام و شهید نواب صفوی

- در سال ۱۳۳۴ که مرحوم نواب و دوستانش دستگیر شدند و در آستانه اعدام قرار گرفتند، ایشان سه نامه نوشتند: یکی به آقای بها ثنی، یکی به مرحوم صدر الاشراف و یکی هم به حاج آقا رضا رفیع، و من بعدها که از ایشان راجع به جواب نامه ها سؤال کردم فرمودند: "من خط آقای بها ثنی را نمی شناسم و خطوط سیاسی ایشان را نمی دانم، اما جواب نامه ها را ظاهراً به یک بچه دوازده ساله ای گفته بودند و نوشته بود."

#### ● جمع بندی امام خمینی از

نهضت جنگل مشروطه و نفت

"... دوستان مدرس ما آن فرمودند: "من هر روز میروم آقا را آما ده می کنم برای تعقیب مسئله و بیرون راندن بها ثیان از دستگاه دولت و ادارات اما فردا که میروم می بینم که آقا دوباره سرد شده اند." این بود که چون ایشان زعامت را حق آقای بروجردی می دانستند دیگر کار سیاسی بها این معنی انجام نمی دادند.

● امام و شهید نواب صفوی

- در سال ۱۳۳۴ که مرحوم نواب و دوستانش دستگیر شدند و در آستانه اعدام قرار گرفتند، ایشان سه نامه نوشتند: یکی به آقای بها ثنی، یکی به مرحوم صدر الاشراف و یکی هم به حاج آقا رضا رفیع، و من بعدها که از ایشان راجع به جواب نامه ها سؤال کردم فرمودند: "من خط آقای بها ثنی را نمی شناسم و خطوط سیاسی ایشان را نمی دانم، اما جواب نامه ها را ظاهراً به یک بچه دوازده ساله ای گفته بودند و نوشته بود."

# اخبار جنگ و صلح

## ● برنامه ریزی و جنگ

برادر مسعود و غنی زنجانی طی مصاحبه ای که در تاریخ ۶/۶/۶۸ از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی تحت عنوان "به کجا خواهیم رفت" مطالب مهمی را در اختیار بینندگان گذاشتند این مطلب به لحاظ ریشه یابی پذیرش قطعنامه مهم به نظر رسید که قسمتی از آن را ذیلاً می آوریم

س: اقتصاد کشور در سالهای ۶۰ و ۶۱ در شرایط ویژه ای قرار داشت. وجود جنگ و آثار ناشی از آن، کاهش تولید و صادرات نفت، اختلال در روابط اقتصادی با خارج، مجموعاً "برهمنزنده تعادل عمومی اقتصاد کشور بودند. حال با توجه به این شرایط اساساً طراحی برنامه توسعه با روح و مضمون عادی تلقی کردن وضعیت و فرض ثبات عمومی صحیح بود یا خیر؟

ج: البته این جمع بندی که جناب عالی کردید از بی ثباتی، ناشی از عوامل بیرونی و عوامل درونی این چیزی است که بعد از چهار پنج سال از آن شرایط گذشته و برآ حتی می شود از این نقطه از زمان نسبت به نحوه برخورد برای طراحی برنامه پنج ساله آن موقع این جمع بندی را صریحاً "علام کرد. در حالی که در آن شرایط اطلاعات، نگاه ها، دیدگاه ها به یک نحوه دیگری بود، که بعد از پنج سال هم اطلاعات ما و تحولاتی که اتفاق افتاده عملاً نشان داده که آن دیدگاه ها با واقعیت چه مقدار تطبیق داشته است خواستم این نکته را بگویم

مصاحبه با دکتر لاریجانی، مشاور وزیر امور خارجه ویژه نامه هفته دفاع مقدس رسالت ۶۸/۷/۴

## ● خودکفایی در طول جنگ

### ورسک استقراض

"... (علم استراتژی) از اینجا بوجود آمد که چگونه امکانات یک ملت را بسیج بکنند برای آن هدف خاص... مثال میزنم: شاید ما در تهیه مقدمات و لوازم جنگ اصرار داشتیم که با بودجه ای که داریم بجنگیم. البته این اصل بسیار خوبی بود که ما خودمان را کشور مدیونی نکردیم. این یکی از زیبائیها و افتخارات نظام ما و این یکی از دستاوردهای نبردماست. در عین حال من معتقدم اگر در مراحل نقش امکانات و لوازم حساس بود (نه همیشه) چندان اشکالی نداشت که ما حتی از جایی بتوانیم قرض بگیریم یا نفتمان را پیش فروش کنیم و آن معذات بزرگی بدست بیاوریم... بنظر من در موارد معینی که ما احتمال توفیق را نسبتاً با لامب دیدیم و در صورت تمهید مقدمات سازو ریسکی را بکنیم.

## ● بندهای ۶ و ۷ قطعنامه محصول کار خود را نیست

"... امروز بعضی از اصولی که در قطعنامه هست اینهاست: حقیقت محصول کار خود را بران است مانند بندهای ۶ و ۷ و حتی در آن منتهی که پیشنهاد شده بود آن بخشهایی که تمجید از عراق و علیه ایران بود همه حذف گردید و در مقدمه قطعنامه هم عراق بخاطر حمله به مناطق مسکونی محکوم شد.

که آن موقع این جمع بندی که جناب عالی کردید بطور نسبی نبود عامل جنگ را اگر چه دیدگاه ما این بود که بر اساس رهنمودهای حضرت امام بیست سال هم این جنگ طول بکشد ما این جنگ را ادامه خواهیم داد ولی نظر مسئولین این نبود که اگر بتوانند جنگ را بسرعت تمام بکنند، آنرا تمام نکنند و دیدگاه در آن زمان این بود که ما می توانیم جنگ را بسرعت بنفع نیروهای اسلام تمام بکنیم. این یک نکته، لذا وقتی مسئولین برنامه ریزی کشور طراحی می کردند برنامه ها و سئوالاتی در مورد جنگ از مسئولین ذی ربط انحام می گرفت. آنها طوائفی بودن جنگ را زیاد واقعی نمیدانستند و معتقد بودند که بسرعت می توان جنگ را تمام کرد. لذا بعد از این برنامه ریزی که در سالهای ۶۱ - ۶۰ انجام گرفت، کمتر به آسیب پذیری جنگ روی تنظیم و تهیه برنامه نگاه شده بود. حتی ضمنی اعتقاد اینطور داشتیم که در اجرای برنامه پنج ساله ما مشکل جنگ نخواهیم داشت... پیش بینی هم که روی قیمت های نفت در آن موقع می شد روی ۲۴ میلیارد دلار در آمد نفت بود که نشان دهنده نوع نگاه به ادا مه وضع کشور بود. مطمئناً اگر ما تداوم جنگ و آسیب پذیری ناشی از جنگ را خیلی جدی میدانستیم با توضیح مقدماتی که گفتیم این برآورد یک مقدار خوش بینانه جلوه می کرد..."

● سا زمان ملل محل هزارویک توطئه بین المللی است اما نباید این جور باشد... فعالیت سیاسی معنایش قبول نظام سلطه عالم نیست یعنی اگر ما می رویم در سا زمان ملل یا شخصیتی مانند حضرت آیت الله خامنه ای می رود در مجمع عمومی سخنرانی می کند معنایش این نیست که ما نظام حاکم بردنیا را قبول داریم معنایش این است که سا زمان ملل باید باشد اما در خدمت عدالت و ضعف... بعضی از برادران سیاسی مادر کشور بودند و الان هم هستند که معتقدند اصولاً باید حضور و فعالیت در صحنه بین المللی را رها کرد و برای اثبات این نظر می گویند رکود این سا زمانها راه می گویند تعداد جاهای مثبت بسیار کم و غالباً میدان بازی قدرتهاست من می گویم آن مقدمه ایمن نتیجه رانمی دهد. مقدمه اش درست است یعنی سا زمان ملل محل هزارویک توطئه قدرتهای بین المللی است اما سا زمان ملل نباید این جور باشد ما برای تغییر دنیا آمدیم... خلاصه کلام اینکه منشور سا زمان ملل بدون نقص نیست. اما همین که هست اگر خوب کار شود باز بنفع کشورهای جهان سوم است. اصلاً ما نمیتوانیم جهان را نادیده بگیریم. تسلیم در مقابل ظلم یک مطلب است و جهان را نادیده گرفتن یک مطلب دیگر... حیات ما در ارتباط با حیات سایر ملتها و دولتهاست ما نمی توانیم دور کشورمان یک دیوار بلندی درست کنیم و بگوییم اصلاً کاری به خارج نداریم. پس ما از یک سو باید "اصول گرا" باشیم یعنی سیاست ما بدون تکیه بر اصول حتماً فاسد می شود. و از طرف دیگر باید این اصول گرایی را در شبکه واقعی موجود در دنیا پیش ببریم.

● ضعف وزارت خارجه

نقطه ضعف دیگری که مسأله هدایت سیاست خارجی داشتیم ضعف وزارت خارجه بود از لحاظ تمرکز کارها. وزارت خارجه همه بازوان هدایت روابط خارجی را در اختیار نداشت، مثلاً ما اگر یک سیاستی را در افغانستان یا جایی دیگر دنبال می کردیم یک گروه دیگر که هیچ مسئولیت دولتی نداشتند مانند بانسند منحرف مهدی هاشمی یا گروههای دیگر براحتمی رفتند و کار دیگری می کردند که سیاست مصوب نظام را بهم بزنند.

● مکا نیزم تقسیم و تجزیه جبهه دشمن

ما نتوانستیم یک مکا نیزمی را طراحی کنیم و پیش ببریم که جبهه دشمن را تقسیم و تجزیه کنیم. البته لازمه این سیاست داشتن قدرت ما نوری است که گاهی با یک کشوری نرمتر صحبت کنیم و با دیگری با شدت... حتی به محض اینکه راجع به یک دولت صحبت نرمی می شد یک دفعه هجوم تبلیغاتی آغاز می شد که این یکنوع مداخله و سازشکاری است.

می گفتند شما با رژیم فلان کشور مذاکره می کنید و این رژیم یک چنین کارنامه سیاهی دارد. بنا بر این شما با یک چنین کشوری هرگز نباید صحبت کنید.

سیاست یعنی اینکه ما اصلاحت نظام را با برهان تشخیص بدهیم. ۲- برای نیل به آن صلحت بتوانیم راهنی را طراحی کنیم. ۳- همه امکانات را برای رسیدن به اهداف نظام بسیج کنیم... نظام که می گویم مقصودم محدوده کشور خودمان نیست. این مسئله را در سال ۶۳ من در مقاله ای چاپ کردم به اسم

"تئوری ام القری" و در آنجا بیان کردم که یکی از اهداف استراتژیک ما این است که ایران باید "ام القری" جهان اسلام باشد، و اینکه می گوئیم ام القری نه بخاطر این است که ایران حال منطقه سوق الجیشی مهمی و یا منابع سرشار و یا مردم زیادی دارد نه اتفاقاً! هیچکدام از اینها ملاک ام القری نیست. ایران ام القری جهان اسلام است... ام القری یعنی جایی که رهبری جهان اسلام در آن مستتر است.

برای ما پس از جنگ واقعا سه اصل مهم هدایت کننده برنامه ها و تلاشهای ما است:

- ۱- حفظ ایران به عنوان ام القری جهان اسلام
- ۲- تحکیم امنیت ایران.
- ۳- توسعه و آبادی ایران.

سیاست دفاعیمان مبتنی بر دو اصل است: بازدارندگی و مشارکت عمومی مردم. بازدارندگی بر دو رکن استوار است: یکی قدرت انهدام و دیگری قدرت انتقام. انهدام یعنی اینکه دشمن اگر بیايد در خاک ایران این را باید مسلم بدانند که اینجا منهدم میشود حال ممکن است یک مدتی هم بتواند بماند اما باید به نحوی عمل کنیم و آماده باشیم که دشمن در محاسباتش مانند دردا غل ایران را کار مشکلی ببیند. وقتی دشمن این را دید می رود دنبال عملیات ضربتی یعنی می گوید من باید به طور ضربتی به ایران ضربه بزنم و فرار کنم اینجا است که رکن دوم "سیاست دفاعی" ما که قدرت انتقام هست می آید ممکن است یک کشتی ما را آمریکا بیايد و بزند. لازم نیست ما کشتی او را بزنیم. اما ما یک جایی او را می زنیم که خود او هم نمی تواند در امان باشد. یعنی ما دنبال این نباشیم که ما العین بالعین بزنیم و یا در همان صحنه تلافی کنیم. ممکن است شکست بخوریم

چون دشمن برای یک ضربت محدود برنامه ریزی می کند او آماده است ما آماده نیستیم. ما هم باید در قدرت دفاعیمان نقطه ای که میتوانیم به آمریکا در هر جای دنیا ضربه بزنیم - برای اینکه طراحی کنیم... برای اینکه در این دوزمین موفقی باشیم لازم نیست پیشرفته ترین سلاحها را پیدا کنیم. پیشرفته ترین سلاح معمولاً برای مقابله با پیشرفته ترین سلاحی است که دشمن بکار می گیرد.

مواضع جدید آمریکا در قبال

مسئله افغانستان

● مواضع جدید آمریکا در قبال مسئله افغانستان

خبرگزار ریها مهرا ۶۸ - "اقبال آخوند" مشاور بی نظیر بوتو: پاکستان و شوروی به حصول توافق بر سر مسئله افغانستان نزدیک شده اند. در نیویورک مشغول مذاکره بر سر متن پیش نویس یک توافقنامه هستیم. در مورد این توافقنامه اختلاف اساسی وجود ندارد. زمانیکه آن تکمیل شد در جلسه جاری مجمع عمومی سازمان ملل مطرح خواهد شد.

خبرگزار ریها مهرا ۶۸ - یک مقام وزارت خارجه آمریکا با "محمد ظاهرشاه" در تبعیدگاهش ملاقات کرد.

یک مقام آمریکایی گفت: ظاهرشاه مورد احترام مردم افغانستان است و سمبلی از یک دوران طلایی است که طی آن مردم از ثبات و صلح نسبی برخوردار بوده اند.

مسئول سیادر افغانستان تغییر یافت.

از این پس کاخ سفید کمکهای خود به پوزیسیون افغانستان را مستقیماً "به فرماندهان مجاهدین در داخل افغانستان خواهد داد. تا قبل از این مساعدت های تسلیحاتی واشنگتن از طریق دولت پاکستان در اختیار رهبران گروههای هفتگانه مجاهدین در پیشاور گذاشته میشد و مکا نیزم تقسیم سلاحها به گونه ای بود که بیشترین کمکها در اختیار حزب اسلامی گلبدین حکمتیار گذاشته میشد.



طرفداران (امام) خمینی همچنانکه سابق براین طرفداران ناصرو در رویای سرنگونی رژیم ریاض اند.

● با جذب واقعی مسلمانان اروپا با پیدا ز اسلام گرائی آنها جلوگیری کرد

چگونه می توان مسلمانان اروپا بویژه مسلمانان فرانسه را، از تن در دادن به اسلام گرائی بر حذر داشت؟

مدرسان ندن به جذب واقعی و پرهیز کردن از هرگونه اختلاط از هر مسلمان اروپائی یک اسلام گرا ساختن وهم سوشدن با خواست رهبری ایران است. با انگشت نمان کردن آنها همبستگی های اجتماعی، که بدون این امر، شاید الزاما "وجود نداشته باشد، دوبا ره به هم جوش می خورد... تصور نمی کنم که در فرانسه یک جامعه مسلمان سا زمان یافته وجود داشته باشد. در عوض جمعیت های مسلمان تباری وجود دارد. اعضای آنها، می توانند، اگر مایل باشند، اعمال مذهبی خود را در چوب حکومت غیر دینی جمهوری انجام دهند. هیچ چیز هم آنها را از اینکه از ایمان خود دست بشویند یا تغییر مذهب بدهند مانع نمی شود. جمهوری فرانسه ارتداد را نمی شناسد، بلکه آزادی وجدان را می شناسد... به علاوه با پیدا مکان جذب آنها را فراهم کرده الحاق اجتماعی آنها را همچنانکه در انگلستان مورد ارد در آنجا جامعه های اسلامی سازمان یافته است با رهبرانی که به نام دیگران سخن می گویند و منزلتی مخالف با حقوق مشترک را متوقع اند... باری جذب واقعی ایجاب می کند که ساختارهای اجتماعی واسطه میان فرد و دولت یا ملت وجود نداشته باشد...

هیچ کجا، همچون پاکستان یا هند، تظاهرات خشونت آمیز دیده نشد.

● مجازات ارتداد در اسلام

معدلک، کشورهای کنفرانس اسلامی که در ریاض گرد آمده بودند تشخیص دادند که رشدی یک مرتد است. آیا جزای ارتداد در اسلام، مرگ است؟

ج- در قرآن، مرتد، فقط به عذاب آخرت بیم داده شده است مجازات مرگ در عمل، خود را بر جوامع مسلمان تحمیل می کند مخصوصا "از لحظه ای که ارتداد یا کفر گوئی فزیحتی عمومی به با ربیا و رند، یعنی وحدت جامعه را تهدید کنند و در نتیجه آب به آسیاب دشمنان اسلام بریزند.

● عربستان با اجتناب از هر گونه بی ثباتی سیاسی در صدد اشاعه و گسترش اسلام است

س- موضع عربستان سعودی در قبال جریانات اسلام گرایانه چیست؟

ج- موضعی بسیار مهم، اتحادیه جهان اسلامی (رابطه العالم اسلامی)، در سال ۱۹۲۶ به تحریک سعودیها - که کنترل آن را در دست دارند - بوجود آمد. هدف اتحادیه اروپایی مبارزه با مارکسیسم، یا سوسیالیسم و در آن دوره با ناصریسم بود.

در فرانسه، دفتر اتحادیه در ۱۹۷۷ گشایش یافت. امام (عبدالله الاهول مدیر مرکز اسلامی بلژیک) که اخیرا "در بروکسل به قتل رسید، به عضویت این اتحادیه که بلژیک مرکز اروپائی آن است، در آمده است عربستان سعودی، از طریق خاص خود، پول زیادی را به ساختمان مساجد و سرمایه گذاری انجمن ها اختصاص می دهد. عربستان در صدد است تا با اجتناب از هر گونه بی ثباتی سیاسی، اسلام را در جهان اشاعه و گسترش بدهد. خطر برای سعودیها از رقابت ایران ناشی میشود، زیرا

ضرورتی به جنگ نیست ولی تجربه به ما ثابت کرده است که اگر ما تفوق نظامی خود را ثابت نکنیم در راه حل پیشنهادی توفیقی نخواهیم داشت در این شکی نیست که بیین فرماندهان اختلاف وجود دارد اما از حل این اختلاف آمدن ظاهر شاه نیست. فرماندهان در افغانستان دارای تدبیر و درایت هستند و همه روز در تلاش برای رفع اختلافات خود میباشند ولی مداخلات منفی از سوی پیشاوراین تلاشها را متاثر می سازد.

بهترین راه حل مسئله افغانستان می تواند از طریق حکومتی عملی شود که ظرفیت جذب مسلمانان مبارزه مجاهدین افغانی مقیم ایران، فرماندهان برجسته و شخصیت های افغانی ساکن در دیگر کشورهای داشته باشد. - مهندس ضیاء از افغانستان: آمریکا از طریق فرماندهانی که از ژنرال سیاسی خوبی برخوردار نیستند، در صفوف مجاهدین نفوذ میکند. - محمد یونس قانونی (نماینده احمد شاه مسعود): اگر راه حل سیاسی، قدرت سیاسی به مردم بدهد

اخبار  
دنیای اسلام

واسطه جنگ با عراق، شدت گرفته بود کم رنگ کرد. این جنگ، در واقع به آنچه (امام) خمینی آرزو میکرد منجر شد. به جای آنکه ویژگی شیعی ایران را ملایم کند و از آن دژ اسلام مبارز علیه "کفر" بسازد، کشور فارس شیعی غیر عرب رانان گهان دوباره در برابر اعراب سنی قرار داد. همبستگی ها به این ترتیب دوباره سازمان یافت. غرض از فتوا علیه سلمان رشدی، در هم شکستن این روند نامساعد نسبت به ایران بود.

کیهان فرهنگی خرداد ۶۸ "پدیده اسلام گرای" عنوان گفتگوئی با ژیل کوپل پژوهشگر مرکز ملی پژوهش های علمی و استاد موسسه مطالعات سیاسی در پاریس یکی از جوانترین کارشناسان فرانسوی در زمینه اسلام و جنبش های اسلامی است.

● فتوای امام در مورد سلمان رشدی مخاصمه شیعه - سنی را کم رنگ کرد

س- آیا برنامه اسلام گرایانه مقاومت ناپذیر است؟ ج- در حال حاضر، همه چیز به ایران، به قدرت جذب ویی به ناکامی اش در قبال مسلمانان بقیه جهان که او را نظاره میکنند بستگی دارد. در تهران هم به این امر خوب واقفند. به علاوه در این بستر است که باید ماجرای سلمان رشدی را فهمید. ایران - با قدرتی که دارد بعنوان مدافع اسلام اهلانت شده، ظاهر شده است. این عامل، بطور جزئی مخاصمه شیعه - سنی را که به

از قتل برآوردن هندی پاکستان آغاز گردید. سپس، ایران به نوبه خود دست به کار شد. هیجان را از جهان هندو پاکستانی، خارج کرد. و در صدد آمدن آن را در مجموعه جهان اسلامی گسترش دهد در واقع ماجرای رشدی، در مغرب و در جهان عرب، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار نبود. در

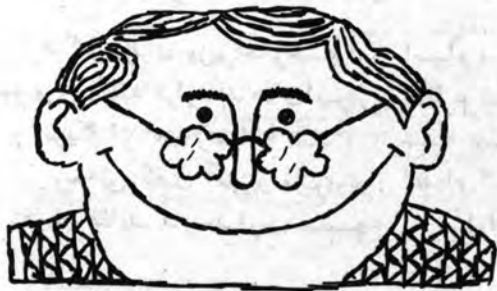
# دو کلمه حرف حساب

با گل آقا شنه ۲۲ م. بخشهای از مصاحبه اطلاعات

- جو هستم. اما در این تخریب هم قصد حمایت و تایید خوبیها را دارم، یعنی با این همدنف مینویسم. اینکه تاجه حد در بیان صادق هستم فقط خدا میداند. طنز سیلی محکمی است که بصورت یک مسموم میزنند تا خوابش نبرد هدف کمک به ادامه حیات است مثل فشاری است که به سینه یک مغفوق وارد میشود. چه بسا که رنده هایش را هم بشکند اما

در همین اواخر (گویا در ماه شهریور) مصاحبه‌ای با صدای آمریکا کرده و گفته که رژیم حتی قلم گل آقا را که از خود ششان است تحمل نکرده و تعطیلش کرده. خوب این کمال بسی انصافی است. آقای دعائی بخاطر این که این ستون را تعطیل کرده‌ام عمیقاً ناراحت است. ولی آقای پهلوان در رادیو آمریکا میگوید که حرف حساب گل آقا را تعطیل کرده‌اند. این

گل آقا هم کریم شیره ای ناصرالدین شاه که نیستم. وقتی مقاله یک نویسنده مخالف در روزنامه چاپ میشود فردا در مطبوعات و مجلس سیل ناسزا به سوی او سرازیر میشود. انگار دنیا به آخر رسیده کار به جایی رسیده بود که خوانندگان از من میپرسیدند: چطور است که تو هر چه میخواهی می نویسی، ولی دیگران نه. من داشتم کم کم تبدیل میشدم به تنها صدای معترض و مخالف.



طنز یک سیلی محکمی است که بصورت یک مسموم میزنند تا خوابش نبرد. هدف کمک به ادامه حیات است. مثل فشاری است که به سینه یک مغفوق وارد میشود. چه بسا که رنده هایش را هم بشکند اما ریه هایش را فعال و حیاتش را تضمین می کند.

ریه هایش را فعال و حیاتش را تضمین میکند.

..... این مسؤلان هستند که نگهبان حقوق مردمند. در بینش من مسؤلان "زمامداران مردم" نیستند، خود متکزار مردمند من سعی کردم که به آنها کمک کنم که در خدمت مردم قصور و تقصیر نورزند.

..... اصلاً بیینم اگر کسی در حال سقوط به داخل جاهلی است و من او را خبر کنم آیا او حق دارد که بپزد او را بگیرد و بگوید حال که مرا از وجود جاه آگاه کردی پس موظفم راه را هم نشانم بدهی. یعنی واقعا اگر من راه رانص شناسم و جاه را بیینم باید بگویم که

..... مگر هر کس مخالف بود باید بوی انصاف هم باشد بعضی از اینها از دور چیزهای درباره قلم من میگویند که برخلاف حقیقت و واقعیت است. مثلاً من شنیده‌ام آقای عباس پهلوان

- من در اشعار پراکنده و مطالب جدی هم همان هدفی را دنبال میکنم که در طنز دارم. در اولی یعنی در اشعار و مطالب جدی - از اصولی حمایت میکنم که گمان من قابل حمایت و شایسته موافقتند. در آنها سعی میکنم چیزی را بسازم و یا چیز ساخته شده ای را تأیید کنم. این جنبه مثبت کار است. ....

..... این وظیفه هر انسانی است که در تایید و حمایت آنچه درست میدانند کاری بکند اما تایید خوبیها بدون نفی بدیها بوی معنی است. یعنی کاریک انسان زنده نیست که فقط خوبیها را ببیند. در بخش دوم یعنی همان چیزی که شما اسمش را طنز گذاشتید سعی من اینست که بدیها و کاستیها را ببینم این جنبه منفی کار است. من در مقام یک طنز نویس به اصطلاح بچه های جنبه تخریب

بی انصافی است. من هر چه در این پنج سال در اطلاعات نوشتم چاپ شد بی آنکه یک کلمه اش حذف شود و همکاران شما میدانند که من اجازه نمیدهم حتی یک کلمه از نوشته های من پس و پیش شود من واقعا شرمندم تحمل و سعه صدر آقای دعائی هستم. در طول حیات اطلاعات کمترین نویسنده ای به آزادی من در این روزنامه قلم زده است. من بعنوان یک نویسنده مستقل که چند سالی طنز سیاسی اجتماعی مینویسم احساس کردم که دیگر باید در این سبک و سیاق مینویسم. این مسؤلین هستند که باید بپرسند که چرا انتقاد را که شرط اصلاح کار آنهاست از آنها دریغ کرده‌ام. آخر این میشود که من هر روز انتقاد بکنم ولی آنها هر روز همان راهی را بروند که در روز میرفتند. س- یعنی شما اینقدر با نوشته هایتان جدی برخورد میکنید - پس چه خیال کردید - من

واقعا گاهی با خودم میگویم آنها ای که در امت کار من و استقلال قلم من شک میکنند چه گناهی دارند. س- پس لازم شد خودتان به مسئله ای که طرح کردید پاسخ بدهید. واقعا چطور بود که شما آنقدر محکم مینوشتید؟ - من به اصل نظام معتقدم و انتقاد جدی از مسائل را تکلیف خود میدانم. .... آنوقت شرایط دیگری حاکم بود و من مطمئن بودم که انتقاد من چیزی را نخواهد شکست اما امروز این اطمینان را ندارم. س- آیا انتقاد شما در آن زمان موجب آزردگی خاطر امام (ره) نمی شد؟ - نه ابداً س- اطمینان دارید؟ - اطمینان دارم س- حضرت آیتالله خامنه ای چه آور؟ - ایشان همیشه مشغول من بودند

نقشه نظرهای حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی پیرامون مسائل مختلف مملکتی

# علیه جهانخواران با خیرا کشور را شور باید اداره کند

## ناید زیر بار غم و غم

**آیت الله منتظری در خطبه نماز جمعه گفت:**

**امام، دستور تشکیل شوراها را در پاریس داد**

مجلس خبرگان: هرگونه شکنجه به هر نحو ممنوع است. سرویس خارجه کیهان: سلطان عمان سخنگوی آمریکا در خلیج فارس. سلطان قابوس که زیر سایه شاه مخلوع قادر به ادامه حیات بود اکنون برای نجات خود میکوشد تا پای آمریکا را به خلیج باز کند.

۴ مهرماه

منتظری به کلیه مراجع قضائی کشور داده شد.

۱۵ مهرماه

دکتر یزدی وزیر خارجه در نیویورک: کلیه قرارداد های ایران و آمریکا از اعتبار ساقط شد. رجائی کفیل آموزش و پرورش: اعدام کنیم. تفتیش عقاید در مدارس ممنوع است. - های فاسد محترم ترند.

۲۱ مهرماه

۱۷ مهرماه

۲۳ مهرماه

۵ مهرماه

۷ مهرماه

۱۸ مهرماه

۱۹ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

۲۴ مهرماه

آنچه از این پس می آید گزیده ای از تیتراها و عنوان های روزنامه کیهان در ده سال پیش می باشد.

تیتراها الزاما " نشان دهنده محتوای مطلب نیست و برای تحقیق بیشتر می توان به روزنامه های آن تاریخ مراجعه کرد.

سعی بر آن شده است که عنوان های برگزیده شده جنبه استراتژیک داشته باشد.

آیت الله منتظری در مراسم گشایش دانشگاه تهران کمبود نیروی انسانی، متخصص را یکی از علل عقب ماندگی جهان سوم دانسته و خواستار ایجاد نیروی انسانی خود کفا در ایران شد.

مهندس لطیف الله میثقی: در حالیکه فقود الهی و تقابلیای رژیم سابق مسلح هستند خلع سلاح جوانان انقلابی، کار اشتباهی است.

علمکرد ضعیف دولت ناشی از روحیه رفرمیستی حاکم بر اعضای آن میباشد.

بین موضع طبقاتی و تفکر رابطه ای وجود دارد ولی در مکتب اسلام به منشا طبقاتی اصالت داده نمیشود.

دکتر یزدی در آستانه سفر به نیویورک: سازمان ملل آلوده به دسته بندی هاست.

مسئله حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس خشت بر آب زدن است.

مجلس خبرگان: هرگونه شکنجه به هر نحو ممنوع است.

سرویس خارجه کیهان: سلطان عمان سخنگوی آمریکا در خلیج فارس.

سلطان قابوس که زیر سایه شاه مخلوع قادر به ادامه حیات بود اکنون برای نجات خود میکوشد تا پای آمریکا را به خلیج باز کند.

امام خمینی در ری، مصاحبه با اوریانا فالاجی که در رم چاپ شد: این غیر انسانی و غیر منصفانه است که مرا یک دیکتاتور بخوانند. اسلام عین عدالت است، دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است.

محمد منتظری در سخنرانی علمکرد ضعیف دولت ناشی از روحیه رفرمیستی حاکم بر اعضای آن میباشد.

بین موضع طبقاتی و تفکر رابطه ای وجود دارد ولی در مکتب اسلام به منشا طبقاتی اصالت داده نمیشود.

دکتر یزدی در آستانه سفر به نیویورک: سازمان ملل آلوده به دسته بندی هاست.

مسئله حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس خشت بر آب زدن است.

در حمله نافلگیرانه دموکرها ۵۲ پاسدار در سردشت شهید شدند.

زیر بار رئیس جمهور یا نخست وزیر برویم.

ولا یت فقیه روی. موضوعاتی است که مردم عادی و متخصص قطع و یقین نداشته باشند. بستن قراردادها و شناختن روز و کلانها - هایش با خبرگان است و به فقیه مربوط نیست. اگر کسی در مسائل اقتصادی و اجتماعی خبره باشد فقیه نمیتواند شخص دیگری را انتخاب کند ولو اینکه صالح هم باشد.

در گفتمان اندیشه اسلامی الحزائر پیروزی انقلاب اسلامی ایران معجزه قرن نامیده شد.

قطب زاده: فراماسون ها و حنا یتکاران انگلیسی در بحران های مملکتی دست دارند.

انگلیسی ها حتی بدتر از آمریکا عمل میکنند. آمریکا آنها را دشمنان خود می داند.

انگلیسی ها حتی بدتر از آمریکا عمل میکنند. آمریکا آنها را دشمنان خود می داند.

# وزیربهداری دلایل استعفا خود را طریقی نابعه ای نه امام خمینی و عهدش بازگان فاش ساخت

## دکتر سامی: سرعت لازم برای تحقق اهداف انقلاب بوجود نیامده

کابردی و جراحیهای بازرگانی بود. در ماه اول حکومت با مسکوت کردن و تشریح اهداف و مقاصد انقلابی و تشریح اهداف و مقاصد انقلابی و تشریح اهداف و مقاصد انقلابی...

**سامی: تنها راه نجات، نگاهداشتن امام در میان مردم است**

خبرنامه ۷ آبان ۱۳۵۸  
شماره ۲  
محل توزیع: تهران - شماره ۲  
قیمت: ۱۰۰ ریال  
پخش حرلی خود به دلگشتری: شیخ محمد منتظری بازداشت شد  
بازرگانان: به میان مردم برگشته ام  
خط اصلی انقلاب  
بلاخره اسپولتو عنوان نخستوزیری روی سابقه مسئولیت، نمی خواهم

فرهنگی و انقلابی .  
۳ - عدم تحانس در هیئت وزیران و تمایلات گروهی و فرقه ای و دسته بندی برای کسب قدرت بیشتر .  
دکتر سامی: تنها راه نجات نگاه داشتن امام در میان مردم است .  
دعوت عام وزیر آموزش و پرورش (رجاء) برای تعیین جگنوگه فعالیت های سیاسی در مدارس سیاست را چگونه به مدارس ببریم

اظهارات وزیر بازرگانی و آذری قی در باره نفوذ عوامل ساواک در وزارت بازرگانی و رشوه گیری در دادرسی انقلاب آیت الله منتظری: آقای قاضی شرع و رئیس کمیته به مردم بی اعتنا مباش .

هستند که خیال میکنند مرا در جعبه ای گذاشته اند و یکی دو تا معمم در آن را باز میکنند و مرا می بینند و مردم دیگر مرا نمی بینند .  
۲ آبان  
شاه مخلوع در آستانه مرگ قرار گرفت .  
افشاگریهای دادستان سابق تبریز در باره بازداشت های غیرقانونی و اعمال نفوذ افراد در دادگاه انقلاب تبریز: بطور شفاهی و کتبی توصیه میامد که فلانی را آزاد کنید چون حلو کمونیستها میایستند . گرجه فودال و سهدوره نمایند همجلس و متهم به قتل چند نفر متجاوز به ناموس مردم بود و یا دیگری چون سفر حج رفته و نماز میخواند گره منجم ساواک در آذربایجان شرتی و تبریز بوده است .  
آیت الله منتظری: دشمن میخواهد با تضعیف رهبری انقلاب را نابود کند .  
دولت در تشنه گردستان مسامحه کرد و مقصر است .

۸ آبان  
امام: مملکت مال زانگه آیت الله آذری قی: عبارت نشینان است که خدا میداند من فریبنده حاصه بی طایفه توحیدی برای آنها نمسه میخورم .  
درست نیست .  
تظاهرات علیه شاه مخلوع اوین : ادامه دارد : شاه نباید آرامش در رختخواب بمیرد .  
حمله شدید امام به قرارداد های ایران و آمریکا : تمامو گرفتاری ما مسلمین از آمریکاست . مالکیت بر ابزارهای بزرگ علل استعفای وزیربهداری تولید قدر مسلم است که باعث

۶ آبان  
مخفی گاه بزرگ گروه فرقان در کرج کشف شد .  
کیهان منتشر میکند : اسناد سرسپردگی معاون سابق وزارت بازرگانی به ساواک و تدارک وسیع عوامل ساواک برای ایجاد گرانی متجاوزان قیام کنید .  
آیت الله العظام: شریعت - مداری: هر کس انتقاد را گوش نکند ضد انقلاب است .  
آیت الله آذری قی: عبارت نشینان است که خدا میداند من فریبنده حاصه بی طایفه توحیدی برای آنها نمسه میخورم .  
درست نیست .  
تظاهرات علیه شاه مخلوع اوین : ادامه دارد : شاه نباید آرامش در رختخواب بمیرد .  
حمله شدید امام به قرارداد های ایران و آمریکا : تمامو گرفتاری ما مسلمین از آمریکاست . مالکیت بر ابزارهای بزرگ علل استعفای وزیربهداری تولید قدر مسلم است که باعث

۳ آبان  
شاه مخلوع باید زنده تحویل ایران شود .  
امام: اگر صد مرتبه انتخابات شود مردم علما را انتخاب میکنند .  
۵ آبان  
امام: فقیه اگر زور بگوید ولایت ندارد . ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خیرگان ایجاد کرده باشد ، ولایت همان ولایت رسول الله است .  
در دیدار با عده ای از روشندان : من هیچ کانال خاصی ندارم . اینها عده ای مغرض

۱۲ آبان  
عدم همکاری و وجود سانسور در سیستم ارتباط جمعی بویژه در ادبیات تلویزیون در معرفی دستاورد های انقلاب و زمینه سازی روز ۱۳ آبان : امام دانش آموزان

۱ آبان  
امام: فقیه اگر زور بگوید ولایت ندارد . ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خیرگان ایجاد کرده باشد ، ولایت همان ولایت رسول الله است .  
در دیدار با عده ای از روشندان : من هیچ کانال خاصی ندارم . اینها عده ای مغرض

۲۸ مهرماه  
حجف الاسلام هاشمی در مراسم بزرگداشت پدر طالقان در دانشگاه تهران : نباید اساس نهضت را متکی به یک شخص کرد  
۲۹ مهرماه  
دکتر پیمان : ولایت فقیه که اکنون تصویب شده است اشکالی ندارد . ولی فقیه داریم که دارای تمام خصوصیات و شرایط است ولی آیا در آینده هم کسی مثل امام خمینی خواهیم داشت ؟  
۱ آبان ۵۸  
امام: فقیه اگر زور بگوید ولایت ندارد . ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خیرگان ایجاد کرده باشد ، ولایت همان ولایت رسول الله است .  
در دیدار با عده ای از روشندان : من هیچ کانال خاصی ندارم . اینها عده ای مغرض

سید احمد خمینی: مگر فلان زن را که میبیرید میکشید از امام میپرسید؟ که آخوند ها را بعد از محکومیت میاید میپرسید ؟ تا دیروز رئیس کلا تشری شاهنشاهی میگرفت و میزد امروز رئیس کلا تشری جمهوری اسلامی میگردد و میزند ، پاسدار و کمیته هم اضافه شده اند . بابا مردم کفری شده اند باید یک تغییری بدهی .  
۲۸ مهرماه  
حجف الاسلام هاشمی در مراسم بزرگداشت پدر طالقان در دانشگاه تهران : نباید اساس نهضت را متکی به یک شخص کرد  
۲۹ مهرماه  
دکتر پیمان : ولایت فقیه که اکنون تصویب شده است اشکالی ندارد . ولی فقیه داریم که دارای تمام خصوصیات و شرایط است ولی آیا در آینده هم کسی مثل امام خمینی خواهیم داشت ؟  
۱ آبان ۵۸  
امام: فقیه اگر زور بگوید ولایت ندارد . ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خیرگان ایجاد کرده باشد ، ولایت همان ولایت رسول الله است .  
در دیدار با عده ای از روشندان : من هیچ کانال خاصی ندارم . اینها عده ای مغرض

بنی سوچ اصل ۳۰ قانون اساسی در صورت رعایت اساس جمهوری اسلامی

بنی صدر: اگر ماهه مار کیست های ایران آزادی ندیم چطور از شوروی و چین بخواهیم که به مسلمانان آزادی بدهند

# انداخت

ایران علیه امریکا به شورای امنیت شکایت می کند  
● قطع صدور نفت ایران تا هفته دیگر  
● روی امریکایی ها تانک می گذرد  
● دانشگاه آمله پذیرش دانشجویان احراری از امریکا شدند

امام: گروه هائی ممکن است در کار دانشگاهها و مدارس لال کنند

اسلاما لیکین اراضی پیش از خود  
در دیوار با نمایندگان استاذان دانشگاههای ایران

# تشکیل احزاب و عصر در آنها

دانشگاهیان و طلاب علوم دینی ۱۴ آبان را به حمله شدید علیه امریکا و اسرائیل دعوت کرد.

آخرین گزارشها از گروگانگیری جزئیات ترور آیت الله قاضی و اشغال انقلابی سفارت امریکا طباطبائی در تبریز.

حمله شدید آیت الله منتظری ایران دستیابی به یک دموکراسی به رژیم عراق: بی سابقه است.

نقش را که محمد رضا در این احرار میگرد حالا آن آقا در عراق دارد می کنند و دارد ژاندارم خاورمیانه میشود.

سفیر عراق در بیروت علیه ایران اعلامیه صادر کرده و حی پای آنها در کردستان و خوزستان پیدا شده.

انقلاب این نیست که فقط شاه را بیرون کنیم و بگوئیم کار تمام است.

خود کفائی در همه زمینه ۱۵ راه رهایی کشور است.

دکتر یزدی: عراق می خواهد پس از سقوط شاه نقش را که ایران داشت در خلیج فارس بر عهده بگیرد.

استاندار ایلام در دیدار با امام: عراق استحکامات مرزی خود را با ایران تقویت کرد.

حزب جمهوری با طرح چهار سؤال: آقای بازرگان چرا برژینسکی ملاقات کردید؟

آقای بازرگان در روزهای که رهبر انقلاب شدیدترین حملات را به امپریالیستهای جهان خسوار بسرکردگی امریکا آغاز کرده است شما با آقای برژینسکی به گفتگو نشستید.

مبارزه با امپریالیسم خط اصلی انقلاب.

مبارزه با امپریالیسم گروهانها در صورت دخالت نظامی امریکا نابود میشوند.

۱۶ آبان

## آیت الله العظمی شریعتمداری: انتقاد را گوش نکند ضد انقلاب است

دکتر یزدی: زک زبانه اشغال سفارت ما در درجه اول امریکا را مقصر میدانیم.

۱۷ آبان  
حسام الدین امامی: هیچ استعمارگری از ابتدای تاریخ تا کنون به اندازه امریکا حقوق بشریت را پایمال نکرده است.

دیشب در مقابل سفارت امریکا یک ایرانی در اعتراض به سیاست امریکا خود سوزی کرد.

دکتر فاطمی بخاطر عشق به ایران در برابر جوخه آتش قرار گرفت.

امام: امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.

بازرگان: ما بیشتر در خط امام بودیم تا کسانی که ادعا میکنند و میگردند.

استعفای دولت بازرگان تقدیم امام شد: بازرگان علت استعفای خود را دخالت، مزاحمت و مخالفت و اختلاف نظرها در ادامه مسؤلیت اعلام کرد.

ایران قرارداد همکاری با امریکا را لغو کرد.

امام: مرکزی که جوانان ما گرفته اند مرکز جاسوسی و توطئه بوده.

دکتر یزدی: شاه از لحاظ سیاسی مرده است، عهده او نترسانند.

میخواهند کشور را به اخلال بکشند ۲۱ آبان وابستگی ها را نمیشود یکباره قطع کرد.

مبارزه با امپریالیسم خط اصلی انقلاب.

۱۶ آبان

گروهانها در صورت دخالت نظامی امریکا نابود میشوند.

تقسیم بندی که دولت قبلی را نمایندند بورژوازی یا خرده بورژوازی بوده است در رسد نیست.

۲۶ آبان

سید حسین خمینی: ملت ایران از محاصره اقتصادی و احمه های ندارد.

امریکا میخواهد یک اتحاد اروپایی امریکایی ژاپن علیه انقلاب ایران تشکیل دهد.

بازرگان: به میان مردم برگشته ام. بالاخره اسم دولت و عنوان نخست وزیر روی سابقه مسؤلیت من خواهم بگویم مسؤلیت اما یک نوع محکومیت میاورد.

۲۸ آبان

گرومیکو: شعوری اجازه دخالت نظامی امریکا در ایران را نمیدهد.

۳۰ آبان

قیام مسلحانه ضد امریکایی مسلمانان در عربستان.

ولیعهد سعودی دستور بنی صدر سرپرست وزارت خارجه گلوله باران قیام کنندگان را از شاه مخلوع در دادگاه علنی با توهن صادر کرد.

پیام امام بمناسبت فرارسیدن محرم: دنیا امریکا و کارتر را محاکمه میشود.

هاشم صباغیان وزیر سابق کشور: مبارزه با امپریالیسم را از تمام جناحها ادامه خواهیم

۱۶ آبان

۱۶ آبان

۱۶ آبان



# خطبه‌ها و سخنرانی‌های

## پیش از خطبه‌های نماز جمعه

"مجمع تشخیص مصلحت بر چه مبانی فقهی استوار است"

خطبه‌نما جمعه ۶۸/۷/۱۳  
آیت‌الله امام‌کاشانی در خطبه‌نما زوفا یف شورای نگهبان و موافقت آن با مجلس را توضیح داده و سپس به ضرورت پیدایش مجلس تشخیص مصلحت پرداخته و چنین ادا مهادند:

"لذا در بعضی جاها مشکل پیش می‌آید. از این جهت حضرت امام مجمع تشخیص مصلحت را بوجود آوردند که گریک چیزها بی‌وقعا از نظر موازین فقهی نمی‌شود در شورای نگهبان حل شود، در مجمع تشخیص بیاید، من عرض کنم که دوستان ما در شورای می‌دانند، چیزهایی با موازین فقهی مغایر است. جلسه شب در مجمع تشخیص مصلحت را می‌دادند می‌گفتند اینجا مصلحت اندیشی است. در شورای نگهبان مصلحت اندیشی نیست ولی اینجا هست در شورای با زنگری قانون اساسی روی آن خیلی اصرار بود که شورای نگهبان بتواند مصلحت اندیشی کند. اینهم مطرح شد ولی رای نیامد. رای نیاورد که شورای نگهبان کارش را کند. نظر بیشتر اعضا با زنگری هم همین بود. نظر، نظر خوبی است که شورای نگهبان رویه اش کارشناسی نباشد. بناش این نباشد. چرا، برای اینکه با لایحه، یک جایی در نظام وجود داشته باشد، یک تشکیلاتی وجود داشته باشد که روی قانون اساسی تکیه کند. روی مبانی فقهی تکیه کند. کارها این مجلس نداریم، ۵۰ سال دیگر، ۱۰۰ سال دیگر، خدا می‌نماید که کسی را مردم فرستادند به مجلس که پای بند به

حلال و حرام نبودند... آنها گفتند: ما کارشناسی کردیم. بعد آمد شورای نگهبان، شورای نگهبان هم گفت ما کارشناسی کردیم. بعد آمدند در کارشناسی مبانی فقهی فدا شد، قانون اساسی فدا شد. با دیدیک جا باشد که حرف دینی و شرعی اش را بگوید حرف قانون اساسی اش را هم محکم بگوید. ولوا اینکه مصلحت برخلاف این باشد. مصلحت البته یک جا تشکیل می‌شود و آن مجمع تشخیص مصلحت این حرف را می‌زند. شورای نگهبان هم حسابش، حساب قانون اساسی و موازین فقهی است."

راه مجاهد:

در رابطه با بیانات آیت‌الله امام‌کاشانی چند سؤال مطرح شده و می‌شود:

آیا مجمع تشخیص مصلحت وظیفه اش صرفا "کارشناسی است و موازین قرآنی و فقهی را در نظر نمی‌گیرد؟" عبارت دیگر مجمع خروج از فقه و ضوابط است؟ آیا مصلحت مستضعفین جا یگانه در فقه و موازین شرعی ندارد؟ آیا در این صورت برخی که فقیه نیستند نخواهند گفت با روشهای علمی و کامپیوتر بهتر میشود ارزیابی کارشناسی کرد؟ و در نهایت به رای اکثریت متوسل شد؟ آیا اگر ضوابط فقهی مطرح نباشد و صرفا "به جنبه کارشناسی توجه شود آمریکا آنها در امر کارشناسی علمی پیشتر نیستند؟ آیا در دولت دادن زمان و مکان در احکام کار جدی انجام گرفته است و رساله‌های نوشته شده است؟ آیا اصولا "جا کردن شرع و

مستضعفین یک ناسی بنیادی نیست؟

در آن ایام چنین گفته شد: "هر مصلحتی بر مبنای یک آیه‌ای از قرآن است، بعنوان مثال خداوند در سوره قصص اراده کرده است که مستضعفین حاکم و وارث زمین گردند" یعنی اراده خدا که جوهر قوانین شرع است برایین قرار که مردم مستضعف حاکم شوند و لذا شرع و مردم در یک راستا هستند.

بنظر می‌رسد منظورا ما هم این بوده که مجمع تشخیص در راستای اراده خدا و حاکمیت مستعقین به امر کارشناسی بپردازد و زنده‌گانه این قیام را کارشناسی علمی است.

در این رابطه برخی نظرات اما اینچنین است. ایشان در نامه‌ای که مشور برادرینا گرفت می‌نویسند: "همین جا است که اجتهاد مصلحت در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد. بلکه یک فردا گرا علم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جا معسر را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد نام صالح تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام کارها بدست بگیرد."

همچنین اما خمینی در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۱ طی نامه‌ای به شورای تشخیص مصلحت خطاب به فقهای شورای نگهبان می‌نویسند: "حکومت، فلسفه عملی برخوردار باشد، شرکت و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و با این بحثهای طلبگی مدارس که در چهار چوب تشویقات نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بستهای می‌کشد و ندکه منجر به نقض ظاهر قانون اساسی می‌گردد."

پیوند با خدا ذاتی است  
آتش و عذاب عرضی است

آیت‌الله امام‌کاشانی:

حضرت علی (ع) می‌فرماید: اگر من در آتش تو هم باشم به جهنم تو صیر می‌کنم و تحمل می‌کنم جهنم تو را، ولی فراق تو را نمی‌توانم تحمل کنم. چون اگر فراق باشد ناقص می‌شوم. اگر معشوق نباشد پروبالی که من می‌زنم بی‌جهت زدم به جایی نمی‌رسم. این است آن که هدفم است. این است آتش که عرضی است. آتش که در ذات من نیست. آنچه که در ذات من است وصل با تو است. عشق با تو است به این نباید خدشه بخورد.

"هر مخالفی ضدا انقلاب نیست"

خطبه‌نما جمعه ۶۸/۶/۳۱

آیت‌الله موسوی اردبیلی:

اخیرا "من احساس می‌کنم که یک مسئله بی‌مبارک در جامعه ما دارد که کم‌کم خودش را رشد می‌دهد، نشان می‌دهد گریک وقتی مسئولی حرف زد دیگری گفت من رایم این نیست فوراً "یک برچسبی به او می‌زنند و تودا انقلابی تودو ولایت فقیهی، تودو نظا می، تودو مسئولی نخیر آنکه این حرفها را می‌زند، او خودش غیرا سلامی حرف می‌زند، ممکن است یک دلسوخته انقلاب یک عاشق انقلاب یک معلول جنگی یک دل‌باخته علاقمند به انقلاب علاقمند به قرآن و اسلام علاقمند به نظام حتی ارا دتمند به خود مسئولین، در یک جا درد و جا در سه جا نظر مخالفی داشته باشد یک نظری بدهد ما به چه موازین شرعی با اینها می‌گوئیم تودا انقلابی تودو ولایت فقیهی تودو نظا می تودو مسئولی تودو فلائی اگر اینکارا بکنیم، از آن طرف هم بیاییم بگوئیم وحدت خودتان را در جبهه داخلی حفظ کنید نمیشود. برادران! خواه‌رها، عزیزان! سروران! ما بنا م اسلام جلوی حقوق مشروع مردم را نمی‌توانیم بگیریم. ما بنام

اسلام مسائل غیرا سلامی را نباید در میان مردم ترویج بدهیم. من اگر ببینم این مسئول من که من به او رای دادم این مسئول من که من او را پذیرفتم، من حق دارم صد تا حرف را بزنم و یک دقیقه حرفش را هم بگویم. آیا اینجا نظر من برخلاف نظر شماست. من بیشتر علاقه مند می‌شوم، بیشتر من را دتمند می‌شوم. تا اینکه من صد جا گوش کنم یک جا بخوابم حرف بزنم بگویند حرف نزن ضد انقلاب ضد ولایت فقیه. من ناراحت می‌شوم من می‌پرسم. من پشیمان می‌شوم. نباید ما درجا معمان

رفع استضعاف باشد. دوجور میشود حل کرد یک جور حل می‌کنند مملکت مشکلاتش حل می‌شود اقتصادش شکوفا می‌شود ما در نتیجه به نفع یک گروه، به ضرر گروه دیگر می‌شود به نفع گروه سرما به ضرر گروه پاره پاره. ما اگر بخوابیم چطور دیگر حل کنیم، حل بکنی اما کاری بکنی. ما با سرما به دارم مخالف نیستیم با ثروتمند هم مخالف نیستیم اینها با شما ما اولویت ما آنهاست که پول دوی بیجهت. هایشان را ندانند سرپناه ندارند جهت حل مسایل در این جهت باشد. ۲۰۰۰۰ بینید ۲۰ سال پیش از این می‌شوم من می‌پرسم. من پشیمان می‌شوم. نباید ما درجا معمان

### برادران، خواهرها، عزیزان، سروران ما بنام اسلام جلوی حقوق مشروع مردم را نمی‌توانیم بگیریم

اخیراً "من احساس می‌کنم که یک مسئله بیما رگونه درجا معمان دارد خودش را رشد می‌دهد، نشان می‌دهد که اگر یک وقتی یک مسئولی حرف دیگری زد گفت من رایم ایمن نیست فوراً یک برجسی به او می‌زنند توضیحات انقلابی توضیح مسئولی، نخبه‌انکه این حرف را می‌زنند و خودش غیرا سلامی است

بعنوان خدمت به نظام و خدمت به مسئولین، خیانت به نظام و خیانت به مسئولین بکنیم، ما باید درجا معمان حق را به مردم بدهیم همانگونه که می‌توانند پای صندوق رفته رای دهد، همانگونه هم اگر یک جا نظر مخالفی دارند نظر مخالف خود را بزرگند و در این میان با شددان این اظهار نظر مخالف برای او در درجا معمان هد کرد. این را باید بدانند. این نه تنها شرعی است وقتا نونی است صلاح هم هست، صلاح نظام هم در این است. ۱۰۰۰۰ اصول را فراموش نکنیم مسئله اقتصادی را حل می‌کنیم با دیدن نیم این حل باید در مسیر

دربار زار در خانه های مسردم در دستگا هکیها بودند پرچمدان انقلاب بودند و واسطه بودند ما بین حضرت امام و مردم در آن روزهای خطر، ما آن روز سه دسته عالم داشتیم، یک دسته اش که مربوط به وابستگان طاغوت بود، یک مقدار جمع کثیر ساکت داشتیم ما یوس داشتیم بی تفاوت داشتیم، بدشان نمی‌آمد حکومت اسلامی شود، اما میدهم نداشتند اما آنها تیکه پرچم دست آنها بود کم بودند. خیلی کم بودند مرکزیشان از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کرد با شگردانشان علاقه‌مندان نشان او را دتمند نشان جمعی را تشکیل داده بودند، هانها

بودند که شکنجه دیدند، همانها بودند که زندان رفتند، همانها بودند که کتک خوردند، همانها بودند که شهید شدند، همانها بودند که انقلاب را به ثمر رساندند و همانها بودند که شورای انقلاب امام آنها را به کارهای سخت و سنگین وا داشت همانها بودند ما موقتی که عراق بودیا در پاریس بودوا سطا ما ما مردم بودند، اینها بودند. ۱۰۰۰۰۰ بعد کم مساجد، طلبه‌های دیگر، ائمه جماعت و مردم را بدنبال خود کشانند و آوردند با رستگین انقلاب بدوش اینها بود، اینها شهید شدند اینها مردند اینها فعلاً نیستند. ۱۰۰۰۰ حوزه‌های علمی یاد آنچنان تقویت شود که آن نیروها را مجدداً "به نظام اسلامی بدهد. ما دیگر شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید مفتاح، شهید ربانی و امثال اینها را کم داریم. من که می‌گویم ما باید حوزه‌ها را تقویت کنیم، درست است در روز شهادت شهید بهشتی آمدیم تو غیا با آنها گفتیم پیران پسران بهشتیه، پیران پسران بهشتیه اما ثابت شد پیران یکدا نه بهشتی هم ندارد. حالا ما برای اینکه به دیگران جاسارت نکنیم حداقل پسر نیست. حالا یکدا نه داریدا دوتا دارد یا سه تا دارد. لازم است حوزه‌های علمی برای اینکه این جریان فکری و این رفتار و این گروه از بین نروند تقویت شوند.

انتشار ۱۰۰۰ در آینه‌ها ما امثال این عزیزان را امثال ایمن سروران را آنقدر داشته باشیم که اگر دشمن یک وقتی چند نفر از آنها را شهید کردجا ایشان خالی نباشد. این جهت اینکه من تبلیغ می‌کنم، می‌گویم بدنبال این فکر که حوزه‌های علمی باید تقویت شود تا اینکه این نظام غنای فکری خود را از حوزه‌ها ارتزاق کند و بگیرد و یک وقتی خدای نکرده تو خالی نباشد.

کار برای خدا یعنی چه

نما جمعه ۶۸/۶/۲۴

حجت الاسلام توسلی در پیش

خطبه نما جمعه تهران: ۱۰۰۰ زیاد به ما تلفن می‌زنند و می‌گویند امام تمام شد. سخنان امام فراموش شد؟ یا دتان هست که امام فرمودند من شهادت میدهم که هنوز دور رکعت نماز برای خدا نخواهد آمد. امام می‌گویند من شهادت میدهم دور رکعت نماز "برای خدا" نخواهد آمد برای خدا غیرا زقریت است. ما می‌خواهیم برای ترسان زآنترش می‌خواهیم برای اینکه به بهشت برویم، اما مسئله این است که برای خدا باشد. آنوقت من می‌ایم فحش میدهم و می‌گویم برای خدا فحش میدهم. من هتک حرمت می‌کنم می‌گویم برای خدا هتک حرمت می‌کنم. آبروی مسلمان را می‌پریم می‌گویم برای خدا آبروی مسلمان را می‌پریم. در حالیکه امام می‌گویند دور رکعت نماز برای خدا نخواهد آمد. ونی که ۹۰ سال عمرش بود و در حال مراقبه بود. همه اش در فکر این بود که خودش را بسازد، شما نمی‌دانید ما در این چند روز آخچه دردی کشید اطباء می‌دانند والله. یکبار نگفت آخ.

حجت الاسلام توسلی اضافه کردند. هر وقت امام عکس خود را در روزنامه‌ها میدیدند نا راحت شده و می‌گفتند پاره‌ها سهم بیشتری دارند و باید بفرستند آنها را. راه مجاهد: برخی با روحیه عاقبت طلب و یا مغرضانه این جمله‌ها را که "دور رکعت نماز برای خدا نخواهد آمد" را دلیل بر ریشخند انحراف گرفته اند و می‌گویند "خود ما ما اعتراف کرده است که نمازها ایشان برای خدا نبوده است" امید است این دسته به توضیحات آقای توسلی توجه نمایند. همچنین امیدواریم این شیوه عمل اما مرا هتمای پیروان اما مگرد و از آنکس و برجسب و انتشار تهمت نامه‌ها بر حذر باشند. تهمت زدن به مومنین بخصوص شخصیت‌های جهان اسلام چیز ساده‌ای نیست.

مانند ما مهم پیدا شد در قانون اساسی بخوانید حتما "خبرگمان با یصدحه بگذارد .

حتی اگر ما نندا ما با شدام استثناء بود مردی بود عظیم و بزرگ در قانون اساسی که تغییر دادیم این شد هر که حتی اگر هم سنگ اما مهم باشد با یصدخبرگان انتخاب کنند خبرگان انتخاب کردند اطاعت بر مردم لازم و واجب است . آقا اطاعت یعنی می گویند اگر چشمتان بسته زبان هم در دهان یخ بسته صحبت نکنیم ، چرا مطلب دارید خود رهبرها شاخص مسئول بگوئید ممکن است نظری شما عالی باشد ما من می خواهم بگویم در اینجا نظری این است و ایستاده ام ، اصلاً .

هر که نظری داشت که نمی شود و نظری هم نباید در جا معه نشر دهند که مردم متشتت بشوند بیاید بگویند مطلبتان خوب بود می پذیرم نبود شما باید اطاعت بکنید معنای اطاعت این است ممکن است تا آخر هم قانع نشود علی (ع) حق خود را قربانی کرد که وحدت حفظ شود .

**اگر کسی ما نندا ما مهم پیدا شد ، در قانون اساسی بخوانید حتما " با یصدخبرگان صحه بگذارد . حتی اگر ما نندا ما باشد ، اما استثناء بود مردی بود عظیم و بزرگ . در قانون اساسی که تغییر دادیم این شد که هر که حتی اگر هم سنگ اما مهم باشد با یصدخبرگان انتخاب کند ، خبرگان انتخاب کردند . اطاعت بر مردم لازم و واجب است .**

کله جدا شد . علی (ع) می فرماید کسی که به شعرا مخالف فریاد زد بکشید و لوزیر عما مه علی باشد (خطبه ۱۲۷) اگر زیر عما مه من هم باشد ما برای افتراء دعوت کند بکشید نکنند وحدت از بین برود . البته جا معه حرف دارد فکر دار بسته نیست اما بروید در آن تصمیم گیری مطلب را زیر و رو کنید یک رای پخته بدهید ، اگر رای پذیرفته شد بسیار خوب اگر نه هر رای از طرف رهبر ما در شأن واجب الاتباع و رای گیری را زمزمه کردن شاذ است علی فرمود نصب شیطان است . ما فقط نظری می دهیم ولی تسلیمیم به آنچه کسانی که ز ما را به دست آنها دادیم آنچه انجا مدهند ما ، یک ذره جزا ظاهر نظر و بعد اطاعت صدر صد و هیچکس هم سوء استفا ده نکند . ما در مقام اطاعت از رهبر و رئیس جمهور صد در صدیم گاهی اگر حرفی داریم به اهلس میزنیم ما هر چه آنها گفتند آن باید عمل شود .

ببین امام و این رهبر در امر رهبری هیچ فرقی نیست و نباید فرقی بگذاریم البته راندن آمریکا ثیها و سرنگون کردن شاهنشاهی کار ما است ولی مرد دیگری ما نندا ما معلوم نیست به دستمان بیاید ما رهبر مال کسان است که حتی غیر از ما مبنای استثنای امام ، اگر کسی کرده به استقلال فکری اصالت می دهد و مشخص می نماید که نبایستی به تقلید اصالت داده و تقلید و مقلد ماندن نیز دائمی و همیشه باشد بلکه اساس بر این است که همه مجتهد بوده و تفقه کنند و تقلید یک حد و مانعی است که باید برداشته شود .

۳ - تفقه خیر خواهی و رحمت الهی فراگیر است .  
قال امام صادق (ع) **إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَكَفَّهِ الدِّينَ** .  
چون خداوند خیر بنده ای را خواهد او را در دین دانشمند می کند  
از آنجا که خدای رحمان برای تمام بندگان خود اعم از زن و مرد طالب خیر و نیکی است مسلماً برای همه تفقه را نیز طالب است . پس فقاهت یکی از نعمات عام خداوند است که به بندگان ارزانی داشته و امکان دستیابی به آن برای همگان میسر است و تفقه در دین قانون الهی است که همه باید برای رسیدن به آن تلاش نمایند .  
در نتیجه آنها که می گویند تفقه در دین واجب گفائی است در واقع ناخود آگاه خیر الهی را به اقلیتی اختصاص داده و اکثریت مردم را از آن محروم می دانند .

رهبر را ولوا ینکه مثل اما باشد خبرگان انتخاب می کنند

خطبه نماز جمعه ۶۸ / ۷ / ۷  
آیت الله خزعلی در پیش خطبه نماز جمعه : ..... توجه دارید امروز ما وظیفه داریم همه یکپارچه باشیم ، اگر نظری داریم به رهبر عرضه می داریم نظری پسندیده شده که شد ، نشد رهبری و اطاعت از او از همه بالاتر است باید گفت بلند من نظرم این است اما رهبر پسندیدند من مطلب رهبر را اجرا می کنم ، خانم من ، فرزند من ، آقای دانشجو در دانشگاه که از من می پرسد نظری خوب است اما اگر رهبر پسندید و به کار گرفت بهتر اگر نه آقای دانشجو باید اطاعت از رهبر بکنی ، بشنوی کلام را از علی (ع) است که به جمعیت بزرگ بپیوندید ، دست خدا با جماعت است ، از افتراق بپرهیزید . فردی که از جمعیت جدا شدن نصیب شیطان مثل گوسعدی که از

ادامه " امت و امامت " و مقلد ماندن خود یک وظیفه و ضرورت اولیه تلقی می گردد و نه تنها تلاشی برای آموزش و کادرسازی مقلدین و به اجتهاد رساندن آنها نمی شود بلکه می گویند اساساً تقلید یک امر فطری است و بشر فطرتاً بدنبال تقلید می رود . حتی از مجتهد و مقلد در تبدیل به مقلد و مقلد می کنند و اجتهاد را امر ثانویه قلمداد می نمایند . در صورتی که در سوره اعراف آیه ۱۷۹ خداوند می فرماید :  
ما بسیاری از آدمیان ویری را برای جهنم آفریدیم و آنها کسانی هستند که دلهایی دارند که به وسیله آن تفقه نمی کنند و چشمهایی که به وسیله آنها نمی بینند و گوشهایی که بد آنها نمی شنوند . آنها مانند حیوانات بلکه گمراه تر هستند و آنها غافلانند ."  
از این آیه چنین استنباط می شود که تفقه یک امر عام و یک وظیفه و رسالت انسانی است و همه باید تفقه کنند و گرنه از چارایان هم گمراه تر هستند .  
بنابراین تفقه واجب گفائی نبوده بلکه واجب عینی است و بدین معنی نیست که عده ای محدود و به اندازهای کم رفع نیاز بشود بدنبال آن بروند ، بلکه همه فطرتاً نیازمند تفقه در دین هستند . بعلاوه این آیه تقلید کورکورانه را نفی

۴- عبادت بدون تفقه خیری ندارد

در باب خبر دادن معنی واقعی تقیه روایت شده : **"... أَلَا خَيْرٌ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدْبِيرٌ إِلَّا لَخَيْرٍ فِي عِبَادَةِ لَاقَهُ فِيهَا ."**  
" در قرائتی که در آن تدبیر نباشد خیری وجود ندارد و در عبادتی که در آن تفقه نباشد ، خیری یافت نمی شود ."  
حضرت در این کلام خود یکی از ارکان اصلی عبادت را تفقه می دانند یعنی عبادت باید از روی فهم و فقاقت انجام شود و نسبت به عبادت و کسی که مورد عبادت قرار میگیرد شناخت وجود داشته باشد .  
بنابراین در عبادت کورکورانه خیری وجود ندارد . یعنی انسان را رشد و تعالی نمی دهد و باعث نزدیکی او به خدا نمی گردد . بلکه آن عبادتی موجب تقرب الی الله می شود که از روی فهم و تفقه انجام می شود . حال از آنها که اعتقاد دارند فقاقت در دین واجب گفائی است باید پرسید پس تکلیف عبادت بقیه مردم چه میشود ؟  
که بقول امام علی (ع) در این صورت خیری در عبادت آنها نیست !  
بقیه در صفحه ۳۹



# پرتوی از:

# قرآن

## در سالی از مرحوم طالقانی

● انتظار از رهبری مراعات حال است یا  
سدایت

در تفسیر ... یا ایها الذین آمنوا  
لاتقولوا راعنا و قولوا انظرنا واسمعوا ...  
سوره بقره آیه ۱۰۵ ص ۲۵۷  
جلد اول

"به پیامبران و تائونگدان الهی که  
خود محکوم به حق و خیر مطلق و ولی خلقند  
نباید راعنا گفت بلکه باید زمان  
درخواست از اینها انظرنا باشد تا بسا  
بصیرت نافذ و حقیقین و امداد خداوند  
توانینی آورند و دستوراتی بدهند که نخست  
سرمایه های معنوی و استعداد های آدمی  
را از آفات نگهدارد و خرد ها را از بسند  
غرائز حیوانی و کج اندیشی برهاند آنگاه حقون  
زندگی و بهره های قانونی افراد طبقات را  
تامین کند .

راه مجاهد : برخی رهبری را که  
به ضعفها و هواهای مردم توجه داشته باشد  
"واقع بین" و "روشن بین" و "مراعات کننده"  
حقوق مردم" میدانند و توجه ندارند که  
واقع بینی و روشن بینی حقیقی در توجه به  
نیازهای اصیل و جوهری مردم است که با  
ضعفها و هواها و تقاعد ها ( زمین گیری و  
عدم روحیه قیامگری ) در تضاد میباشد .

مرحوم طالقانی بیان میکنند که رهبر الهی  
کسی است که نخست سعی در حفظ سرمایه  
های معنوی و استعداد های آدمی از  
آفات بنماید و سعی در رهائی خرد ها از

در سیرت ریخ همواره جریا نهی مرموز  
ونا سالمی وجود داشته اند که سعی نموده اند  
با جوسازی و بوجود آوردن شبهات از رشد  
جریا نهی اصیل جلوگیری کنند و یا به  
عبارت دیگر از گسترش تفکرات آنها  
جلوگیری کنند . مرحوم آیت الله طالقانی  
یکی از کسانی است که در تاریخ معاصر ما از  
هجوم فکری و فرهنگی این جریا نرموزی -  
نصیب نبوده و به طریق مختلف سعی شده تا  
جوانان عاشق و نیا زمندا انقلاب را از دست  
آورده های آن مرحوم جدا کنند و جایی بسی  
تاسف میباشد که مدعیان دوستی ایشان هم  
به این مظلومیت خوگرفته اند .

تجلیل ظاهری از شخصیت آیت الله طالقانی  
دردی را دوا نمیکند چرا که تجلیل واقعی آنست که  
نقطه نظرهای عمیق و همه جانبه مرحوم طالقانی را  
در راستای پی بردن به واقعیت تعالیم قرآن و  
روشای شات گرفته از آن مورد مطالعه قرار دهیم .  
ما تلاش برای این داریم که بخشهایی از  
نقطه نظرهای آن بزرگوار را ارائه دهیم  
با این امید که این کار قرآنی موجب  
شادی بیشتر روح ایشان شود .

توجه شود که تفسیر در ذیل هر آیه  
را بطور کامل نمی آوریم و فقط به  
قسمتهایی که میخواهیم توضیح دهیم  
اکتفا میکنیم . نوشتن شماره آیه  
و صفحه متن ، برای تقریب به ذهن  
و تحقیق بیشتر نوشته میشود .

لازم به توضیح است که گاهی ممکن  
است مطالب با ظاهریات ارتباط پیدا  
نکند ، ولی مرحوم آیت الله طالقانی  
با انجاسی که از قرآن و آیات آن  
داشته اند به آن مطالب رسیده اند .

بند غرائز حیوانی و کج اندیشی ها کند و  
در مرحله بعد به بهره ای قانونی و حقون  
زندگی مردم بپردازد . لازمه این امر حفظ  
و تداه روحیه قیامگری در اجتماع است .

برخی از رهبران اجتماع بر خلاف مرحوم  
طالقانی بر این اعتقادند که ابتدا باید  
به مسائل رفاهی و زندگی افراد پرداخت و  
در سایه آن معارف و معنویات آنها را  
افزایش داد . متأسفانه برخی از طرفداران  
و دوستداران مرحوم طالقانی نیز چنین طرز  
تفکری دارند و معتقدند که بعد از انقلاب  
اگر اصل رفاه حال مردم می گرفتیم جامعه ما  
هم اکنون برای همه دنیا نمونه و الگو شده  
بود . عده زیادی از مردم هم همینطور فکر  
میکند و از رهبر یا تشکیلات یا رهبر یک  
انقلاب بیش و پیش از اینکه انتظار رهنمود  
های را که موجب شکوفایی استعداد های  
درونی آنها شود دایمته باشند ، انتظار  
رسیدگی به خواسته های رفاهی خود را دارند  
و حتی رهبر حمله ای در تائید منافع آنها بگوید  
آنها یا تیترو درشت سر لوحه نشریات خود  
میکند و در سخنرانی های خود بازگه میکنند  
اما از جملاتی که با منافعشان در تضاد  
است بسادگی میگذرند و آنرا به بوته فراموشی  
میسپارند .

دور مسائل "رفاهی - انقلابی" مسائل  
"مادی - معنوی" و یا مسائل "دنیوی  
- اخروی" از زمره مهمترین مشکلات جوانان  
و انقلابیون میباشد . برخی ، مسائل  
رفاهی اقتصاد را مسائل مادی انگاشته  
و کوشش زیادی در جهت حل آن نمی نمایند  
و برخی برعکس رسیدن به کمال مطلوب را  
بقیه در صفحه ۵۱

ادامه "اعتیاد" و انقلابی نشانه وجود ضعف و بیماری در فضای سیاسی جامعه است و به عبارتی روشنتر علت پدید آمدن جوان فعال در جامعه عدم برقراری و تحقق کامل شاخصه های یک جامعه ایده آل و سالم می باشد.

البته لازم به توضیح است که در بحث حاضر صحبت از جوان فعال در جامعه است یعنی حالتی که افراد قابل توجهی بدان حالت در آمده اند و لذا در بوجود آمدن حالت انفعال در یک فرد می توان دعوا مل تربیتی و دلایل شخصی نظیر دگرگونی جسم و جایز میتهای غیر منطقی تنبلی و سادگیزی، ترس و تن پروری نیز موثر باشند. و نمی توان گفت همه آنها بی که منفعل می شوند انسانهای صدر در فعال و سالم بوده اند، لیکن در حالتی ما نند وضعیت کنونی جامعه ایران که برخی نابهنجاریه های اجتماعی مانند بزهکاری و ناسازگاریهای جوانان نظیر گرایش به کراوات و مدل موی لباس مبتذل غربی روابط جنسی نامشروع و برونزاداریهای نامحرم در میان پاره های ازدانش آموزان و دانشجویان دختر، اعتیاد و امثال آن از حالت فردی خارج شده و نسل جوان انقلاب (که به لحاظ کمی و میانگین سنی جامعه ایران بسیار حائز اهمیت و به لحاظ کیفی و نقش انقلاب ساز جوانان فراوان قابل توجه است) را به شدت تهدید می کند، نمی توان در تفحص پیرامون علت انفعال به نموده های فردی رجوع و انگیزه های صرفاً "تربیتی و خصلتی" را مورد توجه قرار داد.

بلکه صحیح آنست که به بررسی "ریشه های جریان انفعال" در جامعه بپردازیم و البته نقش خصلتهای فردی را نیز مدنظر قرار دهیم.

● ب: تئوری جامعه غیرسیاسی

در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو جریان منادی طرز فکری بودند که دخالت آحاد جامعه در امور سیاسی مملکت را تقبیح می کردند. رژیم شاهنشاهی بهمانند همه دیکتاتوریهای عالم که مشارکت عمومی مردم را در امور کشور ممنوع می کند کاملاً مطلقه خویش می شمارد و دخالت صحیح و موثر مردم و رهبران فکری آنها در مسائل سیاسی مانع بعمل می آید. حرج و قتل و تبعید و سوزان متعهدی که قصد ونیتی جز اصلاح امور نداشتند (از رهبران ملی تا روحانیون آزاده و جوانان دانشگاهی تا کارگران و کسبه بپا خواسته) تنها یک پیام به همراه داشت و آن این بود که "دخالت در سیاست ممنوع". رژیم میگوید تا جامعه را به گونه ای شکل و جهت دهد که تحقیق از تئوری "جامعه غیرسیاسی" باشد. در چنین جامعه ای مقوله های مذهب، فرهنگ، اقتصاد و دانش و تکنولوژی از هم منفک و مجزا بوده و بخصوص حیطه وجودی یکایک آنها فرسنگها با گستره سیاست فاصله دارد. شاه تبلیغ می کرد که افراد جامعه می توانند و باید در هر موردی از مقوله های فوق فعالیت کنند بی آنکه نیازی به وارد شدن در محدوده ممنوعه اداره امور کشور داشته باشند، لیکن شاه

توفیقی در تحقق کامل و قطعی نظریه فوق نیافت و به تعبیری بزرگترین علت شکست آن نیز عدم موفقیت در تحقق تلقی شاهانه از مقوله "جامعه و سیاست" بود.

انجمن حجتیه با رزترین جریان متشکل و سازمان یافته ای بود که سردادن شعار "جدایی سیاست از دین" می کوشید تا در راستای تمهیدات شاهانه، تئوری "جامعه غیرسیاسی" را در میان مردم مسلمان ایران همه گیر نماید. به زعم تئوریسینهای جریان مذکور دین امریست معنوی و ماوراء الطبیعه، لذا جامعه مذهبی، جامعه ای است که دین آنچنان نصب العین افراد قرار دارد که از هر آنچه که مربوط به دنیای مادی و غیر معنوی است به شدت دوری و تبری می جویند، بدیهی است که سیاست با فحوائی تجربی آن در انسجام فوق عبارت از پیرداختن به رتق و فتق امور دنیوی است که هیچگونه سخت و سازگاری با مذهب ندارد و بدینسان جامعه ایده آل مذهب یک جامعه غیرسیاسی خواهد بود.

جریان نخست یعنی شاه و دربار، در سطح عام و برای آحاد جامعه سخن می گفتند و سعی در قبولاندن نظریه خویش در عوام داشتند اما جریان دوم یعنی انجمن حجتیه در سطح خاص و عمدتاً "برای قشر مذهبی جامعه سخن می گفتند و وقتی بطور مشخصتر اندسته جوانانی که تمام میل به حضور در فعالیتها ی جریان است سیاسی - مبارزاتی زمان داشتند مورد نظر خاص مسئولین انجمن قرار داشتند.

نتیجه تفکر "درباره انجمن"، سیاست زدایی و پیدایش جوان فعال در جامعه بود که بروز فساد و هرزه گی، بی تعهدی و استیصال در میان قشر جوان و پیرشور جامعه ایران شمره محتوم آن بود. (لازم به توضیح است که اعضای انجمن مذکور خود معتاداً هرزه و فاسدبسه معنای متعارف آن نبودند لیکن سکوت در برابر علل و عوامل سیاسی مفاسد اجتماعی را تبلیغ می کردند.)

انجمن حجتیه از وان پیروزی انقلاب اسلامی، با "کمونیست"، "التقاطی"، "وهابی" سنی" و "غیرولایتی" خواندن اکثر مسلمانان مبارز و سیاسی و بخصوص زندان رفته، تلاش کردند تا خطر مهوم وارد شدن در امور سیاسی برای نسل جوان را به مسئولین و خانواده ها گوشزد نماید. گرچه در بحبوحه پیروزی کمتر توفیقی در رسیدن به مقاصد خویش یافت اما به مرور زمان و آشکار شدن ناتوانیهای جامعه روحانیت در جذب و هدایت جوانان و در مقابل آن کامیابی مقطعی جریان است

با کمال ناباوری می بینیم که نه تنها اعتیاد

گسترش شدیدتری نسبت به

گذشته پیدا کرده است بلکه اعتیاد

به تریاک جای خود را عمدتاً "به اعتیاد به بلای جهانی

"هروشین" سپرده است.

با دیدگفت در ده سال گذشته فصلی نوگشوده شده است چرا که این بار

برخلاف گذشته

نه صرفاً "پیران و ازکارافتادگان زخم خورده از تازیا نه ظلم مستماری

بلکه جوانان و نوجوانانی که

در دام انقلاب پرورش یافته اند

به دام اعتیاد گرفتار آمده اند به بیانی تلخ اما واضحتر "نسل انقلاب"



سیاسی در مردم و برخورد دانا نه و عادلانه با آنها منجر به پیدایش جوی پاک، پرتفا هم و سیاسی می شود که بهترین زمینه برای مبارزه را بدست می دهد. قانوبندی فوق فرمولی توانا در تبیین پدیده سیاسی - اجتماعی اعتیاد و بخصوص شیوع گسترده آن در بین نسل جوان انقلاب شناخته می شود.

ادامه بی اعتنایی نسبت به ریشه های واقعی و تمایل به راه حل های غیر اساسی و صرفاً "اقتصادی یا تربیتی و یا طرق کاملاً نظمی و قیضیکی همچون گذشته ثمری جز پیچیده و بفرنج ترشدن معضل نخواهد داشت. رشد مرحله جمشید در تهران و محله باثیان در زاهدان و محله های اینچینی در گوشه و کنار کشور ثمره پندار خام فوق است.

در پایان تذکر این نکته ضروری است که با یداندیشه و تجربه همه اندیشمندان و صاحب نظران را به یاری طلبید تا میان جوانان سنی که از سال ۶۰ - ۵۹ به بعد وارد دبیرستانها شده اند و اکثریت دانشجویان فعلی و برخی از فارغ التحصیلان جامعه را تشکیل می دهند و چهره خشن انقلاب را بیش از اینها و تفاهمهای زیبای کوران انقلاب درک و لمس کرده اند با حقیقت زیبای انقلاب آشتی داد. اما روایت نام نشان می دهد که میان نگی سنی جوانان بزهکار، معتاد، بی بندوبار و ناسازگار جامعه با مقطع سنی جوانان پیش گفته مطابقت دارد. ادامه دارد.

جوان امری مهم و قابل اهمیت می باشد و با بستن شیوع اعتیاد و گسترش دیگر رفتارهای انفعالی و ناسازگاری اجتماعی را فرایند چندساله سیاست زدایی در جامعه و بخصوص غیر سیاسی شدن قشر جوان به شما آورد.

آنچه مسلم است از طرفی تا انقلابها دوام دارند توطئه های امپریالیزم نیز ادامه خواهد داشت و لذا توطئه استکبار در معتاد کردن نسل های جوان و فعال هرا انقلابی نیز پایان نخواهد پذیرفت همچنانکه به نظر نمی رسد به این زودیها شاهد سقوط کامل امپریالیزم باشیم.

از طرف دیگر سودا و ربودن تجارت و توزیع مواد مخدر را فرا دبسیاری از جوامع اعم از انسانهای فقیر با طرکسب درآمدی کافی و یا افراد فزون طلب بواسطه راه اهرص و طمع پایان ناپذیر مال اندوزی را به خود جذب نموده و باعث تشکیل شبکه های بسیار وسیع و گسترده می شود.

لذا به دو دلیل اساسی فوق مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد امری مشکل و دراز مدت می باشد. تنها راهی که فرا روی نیروهای اصیل و مصمم قرار دارد، راه ایجاد مصونیت در جامعه است. این مهم نیز غیر از طریق بسیج مردم در اعمال صالح زمان و سیاسی نمودن آنها در جامعه، از راهی دیگر ممکن نیست.

بنظر می رسد بسیج همه امکانات موجود در جهت ایجاد انگیزه های متعالی انسانی و

انقلابی نما در جذب جوانان پر شور، بهترین زمینه و توجیه جهت پذیرفته شدن شعار این جریان در میان مسئولین و متولیان امور جوانان پدید آمد.

در اندک زمانی بعد منطلق انفعالی عا جزانه ای زمزمه و مطرح شد که اگر قرار است دانش آموزان و دانشجویان ما با پرداختن به مسائل سیاسی، منحرف و جذب گروهکها شوند همان بهتر که کاری به سیاست نداشته باشند. ایشان تا آنجا پیش رفتند که حتی دخالت موثر دانشجویان در امر انتخابات و معرفی کاندیدا از جانب جامعه دانشجویی را جایز ندانستند. به این ترتیب و با کمال تاسف "ثوری جامعه غیر سیاسی" طی سالهای اخیر در نموده ای و اشکال متفاوت و بی توجهیات و تا ویلات گوناگون همواره مطرح بوده است و در سطح و صور گوناگون منادیانی فعال و موثر نیز داشته است. اگر به واقعیت تاسف بار فوق ژرف و عمیق نگریسته شود بینیا ز از هر گونه تفسیر و تشریح، علت و ازدگی جوانان آشکار می گردد و آغاز و اساس پدید آمدن آلودگی در فضای پاک انقلاب روشن می گردد.

جوانان فعال و زمینه اعتیاد به این لحاظ معتقدیم در ایران پس از پیروزی انقلاب، نقش نظریه جامعه مذهبی غیر سیاسی و همچنین بر خوردهای حذفی و خصلتی، در داسردوسر خورده ساختن نسل

نیازهای آنهاست به ولایت بر خود  
بروی گریزند و هجرت‌های کنند و  
خونپاشاری نمایند تا با او بیعت  
کنند.

والسلام

پاورقی (۱): به عنوان مثال روزنامه  
انقلاب اسلامی طی مقاله‌ای به قلم  
"غضنفرپور" ولایت فقیه را  
دیکتاتوری مستضعفین می‌نامید  
تا آنرا با دیکتاتوری پرولتاریا قابل  
قیاس کند.

پاورقی (۲): آدم هم ریشه با ادیم  
بمعنی پهنه زمین آمده است.  
(مفردات راغب اصفهانی)

# شیعه بودن؟

## یا اطاعت مکرر گورانه؟

راه مجاهد شماره ۲۲ - فروردین ۶۳

### انگیزه نگارش:

چندی پیش متن سخنرانی یکی از مسئولین  
مملکتی در جزوه‌ای بدستمان رسید. در  
قسمتی از این سخنرانی ایشان اینگونه  
مطرح کرده بودند که: "... ما خیلی سعی  
کردیم توی سپاه و بسیج "اجتهد" را از بین  
ببریم و "تقلید" را جایگزینش کنیم. بیکوقت  
هم به امام عرض کردیم که ما سعی کردیم این  
برادران را که خود را "محتهد" میدانند  
"مقلد" شان کنیم. اجتهاد بیخودی و بیحساب  
میکنند، توجیه میکنند. مثلاً درجه‌بندی بیشتر  
از آنکه فرمانده گفته پیشروی کرده و محاصره  
میشوند.

اطاعت از ولایت فقیه یعنی هرچه امام  
فرموده. امام فرمانده را تعیین کرده او  
هم بعدی و بعدی، تا فرمانده دسته، سلسله  
مراتب. آن فرمانده دستور که صادر میکند  
عین حکم امام و اطاعتش واجب است.  
میگویند: "آقا این فرمانده نفهمیده"  
همانی که نفهمیده اگر بیکوقت فرمان خلاف  
شرع علنی صادر کند مثلاً "قمار"، نباید  
- اگر هرکس که باشد - نباید اطاعت کرد.  
اما اگر اشتباه است، همان اشتباه را باید  
اطاعت کرد...

سخنان ایشان مبین طرز تفکر و دیدگاه  
خاصی نسبت به رابطه فرمانده و رزمندگان

امامت و امت را نمی‌تواند درک کند  
و همچنین برای توده‌ها و مردم هم  
نقش فعالی نمی‌تواند قائل شود چرا  
که توده‌ها (اجزای) تابع کل اند  
(جامعه) و خود قدرت تشخیص  
ندارند در حالیکه امام خمینی در  
سخناتی که بمناسبت ده فجر  
با بعضی مسئولین مملکتی داشتند  
از مردم خواستند که در کارهای  
مسئولین نظارت کنند و اگر خلافی  
و انحرافی دیدند مدخل  
نمایند. یعنی برای توده‌ها قدرت و  
حق تشخیص قایل شدند.

تفکری که امام را جزو جامعه  
میدانند یعنی می‌تواند بهره‌برش  
تن دهد چرا که او را هم فردی مانند  
سایر افراد می‌شمارد و رای او را هم  
یک رای معادل بقیه رای‌ها به  
حساب می‌آورد و با او را دیکتاتور  
دانسته و مجبور می‌شود که دیکتاتوری  
رایبذیرد و لذا در این مورد نارسایی  
منطق جزو وکل معلوم شده و  
می‌شکند.

اما ولایت بشرط آنکه از "نفس  
منطوی" درآید یعنی ولی فقیه  
براستی منطوی و دربرگیرنده  
توده‌ها باشد هیچگاه زور و  
دیکتاتوری نیست بلکه حاکمیتی  
رشد دهنده و تعالی بخش است.  
این محتوای ولایت است. به همین  
دلیل است که در اسلام حاکمیت به  
معنی ولایت یعنی دوستی و نزدیکی  
شدن و پیوند آمده است.

در حکومت اسلامی کسی به  
ولی فقیه رای نمیدهد بلکه با او بیعت  
می‌کند یعنی نفس خود را، جان و  
مال و خون خود را در اختیار امام  
صادق وقت میگذارد. در روزهای  
که خیانت "بنی صدر" آشکار  
شد بود مردم حق طلب ماری  
دیوارهای شهر نوشته بودند که:  
"ما به امام خمینی با خون رای دادیم  
و به بنی صدر با مرکب و خون مرکب  
رای شوی." یعنی که با امام در  
کوچه‌های شهر و جنبه‌های جنگ و در  
سختی و رنج بیعت کردیم و برای  
ولایت و حاکمیت او خون خود  
را نثار کردیم.

می‌بینیم که مسئله دیگر مسئله  
دیکتاتوری و زور نیست بلکه  
انسانها با میل و اختیار کسی را که  
منطوی آنها، روح آنها و برگزیده



کس این چهار شرط را میپذیرفت حق داشت در درس او شرکت نماید :

- ۱ - مقام طلب نبوده و بدنبال مقام و منصب نباشند .
  - ۲ - فعالیت اقتصادی در حد امرار معاش و کفاف زندگی داشته باشند نه بیشتر که جنبه فزون طلبی پیدا کند .
  - ۳ - اخلاق اسلامی و پسندیده داشته باشند .
  - ۴ - اصل و مینار را بر مجتهد شدن بگذارند نه اینکه مقلد باقی بمانند .
- بنابراین همه مقلدین، باید اصل را بر مجتهد شدن بگذارند نه بر مقلد ماندن و در واقع مقلدینی هستند که باید بسوی اجتهاد قدم بردارند .

## پیرو یا مقلد

اصولا رابطه امام امت رابطه مجتهد و مقلد نیست چرا که مجتهدینی نیز هستند که امت امام محسوب می‌شوند و امیدواریم که در طول زمان طولانی مقلدین فعلی نیز بسوی مجتهد شدن بروند ، بلکه درست آن است که بگوییم امت امام ، شیعیان و پیروان امام محسوب می‌شوند و از راه و روش و خط مشی و شیوه‌های امام پیروی می‌نمایند ، یعنی در عین اینکه از امام و ولایت فقیه پیروی می‌کنند ، خودشان هم می‌توانند بدرجه اجتهاد برسند و " پیرو مجتهد " باشند .

## اربع شده تا بیج کننده

در مسائل نظامی و جنگ نیز باید اصل را بر تربیت فرمانده گذاشت یعنی باید سعی کرد که هر بسیجی در اعمال مالسح و حملات متعدد تبدیل به فرمانده و بسیج کننده بشود ، و این امر را امکانپذیر دانست . در سازماندهی‌های کلاسیک نظامی یک سرباز ساده هرگز حق انتقاد بسوی دستورات افسر مافوق در حین انجام ماموریت را ندارد . در نتیجه راه رشد سرباز همیشه بسته است و در حقیقت فرمانده همیشه فرمانده و فرمانبر همیشه فرمانبر باقی میماند .

در چنین نظامی توده‌ها همیشه در خطاها و خیانتها بی‌تقصیرند چرا که چاره‌ای جز اطاعت از مافوق نداشته اند . با این منطقی حتی نمی‌توان هواداران رجوی را نیز محاکمه کرد چرا که آنان نیز با این منطقی تقصیری نداشته اند و تنها از فرامین مافوق اطاعت می‌کردند .

جنگ اسلام و کفر نشان داد که یک بسیجی ساده می‌تواند رشد کرده و در ران یک

تحت فرمان و عبارت دیگر رابطه میان بسیج کننده و بسیج شونده است . از آنجاکه رابطه صحیح میان فرماندهان و افراد تحت فرمان دارای اهمیت زیادی بوده و نقش بسزایی در بسیج نیروهای رزمنده دارد بر آن شدیم تا بررسی مختصر و کوتاهی پیرامون رابطه واقعی این دو بنماییم .

## اجتهاد یا تقلید

آیا اصولا درست است که سعی کنیم "اجتهاد" را از بین ببریم و " تقلید" را جایگزین کنیم ؟ بین اجتهاد و تقلید کدامیک اصالت دارد ؟ آیا اصل بر مقلد ماندن است یا اینکه نه ، هر مقلدی باید سعی کند و بطرف اجتهاد قدم بردارد ؟

## نظریه امام خمینی راجع به اجتهاد و تقلید

امام خمینی در رساله "تحریر الوسیله" راجع به اجتهاد و تقلید می‌گوید :  
 "... آنچه موجب صحت عمل می‌گردد ، صدور آن از روی حجت و دلیل است که این "حجت و دلیل" (برای غیر مجتهد) می‌تواند فتوای فقیه باشد ... (۱)

میتوان از این نظر امام استنباط کرد که وظیفه اصلی هر مسلمان عمل از روی حجت و دلیل است و طبعاً " هر مسلمان باید برای دریافت صحت عمل خود بدنبال حجت و دلیل آن باشد . حال اگر کسی شما " قدرت

استخراج دلیل و حجت را از کتاب و سنت نداشت (یعنی مجتهد نبود) ، وظیفه اصلی او ساقط نمیشود و کماکان باید بدنبال حجت و دلیل احکام باشد . تا آن زمان وی اجازه دارد از فتوای فرد مطلع و مطمئن (مجتهد) بعنوان دلیل حکم پیروی نماید .

بعبارت دیگر بطور مشخص اصل بر اجتهاد است و تقلید امری اضطراری و مقطعی است لذا هرگاه فردی خود قادر به استخراج حکم از کتاب و سنت گردید ، دیگر تقلید بترای او جایز نیست و باید بر اجتهاد خود عمل کند از طرف دیگر یکی از وظایف مجتهد هم مبارزه با تقلید کورکورانه است .

## چهار شرط ملاصدرا

مرحوم صدر المتألهین ملا صدرا شیرازی چهار شرط برای شاگردانش گذاشته بود که هر

از آنجا که

حفظ آبروی اسلام

و مقام معظم رهبری

باید

برای همه اصل باشد

در ضمن کار

اطلاعات و تحقیقات

اگر کار نا مشروعی

ویا حتی مثبتی پیش آمده

میدانیم

شارع مقدس اسلام به آن

اهمیت داده

نباید دست به آن عمل زد

اگر چه

یک مقام بالائی

فرضا دستور آن را

داده باشد .

البته همیشه لزوم اطاعت از

مقام بالا

در موارد خودش باید باشد

و نظم و انضباط هم

باید کاملاً مراعات گردد

آیت الله منتظری



سیاه فرماندهی در ظاهر بسیار متشخص نیز باشد ولی در باطن از خطا امام منحرف بوده و دستوراتش نیز در جهت انحرافی باشد مثلا در بعضی کشورهای ظاهر اسلام نظیر پاکستان، ضیاء الحق قنار و شراخواری و لواط و... کاملاً نهی شده و ممنوع می‌باشد، ولی امر وابستگی به امریکا که فساد اصلی و ریشه فساد است نهی شده و راه آن باز است. **حلال** اگر سربازی بخواید انتقاد نماید بچه شهید باید عمل کنید؟ اگر در یک سیاه اسلامی و انقلابی خدای ناکرده فرماندهی دستور خلاف شرع علنی صادر نماید، یا فرمانده محزون و دیوانه شده است و یا باید در صحت و سلامت کل آن سیاه و در اسلام انقلابی بودن آن شک نمود. معمولاً انحرافات سی که پیش می‌آید در ابتدا بسیار ظریف و پنهان بوده و شکل علنی و آشکار ندارد اگر بخواهیم تا آشکار نشدن انحراف صبر کنیم در حقیقت سکوت ما خود کمک به حاکم شدن انحراف خواهد بود. بنابراین ضروری است که اصول و خط مشی اسلامی ولایت فقیه بطور ریز و مدون آموزش داده شود تا همه افراد از آن آگاهی کافی داشته و فرد منحرف یا نفوذی نتواند در هیچ سطحی از سازماندهی سیاه یا ارتش دوام بیاورد همه افراد باید حق انتقاد از هر راهی در چهار رجب اصول آموزش داده شده داشته باشند، و همه افراد - بخصوص مسئولین - باید جرأت و اخلاص لازم را برای انتقاد از خود داشته باشند تا هیچگاه اغراض شخصی و خطوط انحرافی بر سازماندهی حاکم نگردد و همواره در خط اسلام و امام باقی بماند در این حالت فرماندهان قادر خواهند بود از افراد تحت فرمان خود مسئولیت بخواهند و حسابرسی کنند، و علاوه بر آن افراد عادی نیز قدرت و حق انتقاد در چهار رجب اصول و خط مشی آموزش داده شده را پیدا خواهند کرد.

در این صورت است که رابطه صحیح برقرار شده و در عین اینکه نظم و انضباط لازم حاکم میشود، راه برای رشد افراد هم باز است و هر کس لایق تر باشد بفرماندهی خواهد رسید و رزمندگان تحت فرمان نیز با شور و شوق و اطمینان بیشتری دستورات را اجرا خواهند نمود.

والسلام

(۱): نقل از رساله نویین امام خمینی

جلد ۱ (چاپ جدید) - صفحه ۶۷

سیاه یا لشکر با تیپ قرار گیرد. کما اینکه بسیاری از فرماندهان لایق سپاهی راهی غیر از این را نمی‌موند هاند در سازماندهی هایی که اطاعت محض حکمفرما باشد اگر فرماندهای نفوذی باشد قادر خواهد بود ارتش و سپاهی را منحرف سازد، چرا که هیچکس حق انتقاد به وی را ندارد و به هیچ وجه نمیتوان برای دستورات غیر اصولی وی دلیل و منطقی خواست هنگامی که بنی صدر فرمانده کل قوا بود اگر رزمندگان مقلد چشم و گوش بسته او می‌شدند و فرامین او و همفکرانش را مانند فرمان ولایت فقیه واجب الاتباع می‌دانستند، آیا اکنون در مرحله کربلایی جنگ فرار داشتیم؟ آیا انقلاب اسلامی به قدرت امروز باقی بود؟ آیا هنگامی که افضل فرمانده نیروی دریایی بود، باید از تمام فرامین او اطاعت محض میشد و فرمان او همانند فرمان امام محسوب میشد؟ اگر خدای ناکرده در چنین حالتی کودتایی توسط افسران نفوذی انجام میشد آیا همه افراد زیر دست بهانه (المأمور معذور) را نمی‌آوردند و نمیگفتند که ما چاره ای جز اطاعت نداشتیم؟

آیا هر فرماندهای همانند امام حق احتیاد داشته و همه رزمندگان دیگر باید مقلد و فرمانبر محض او باشند؟ مسلماً چنین چیزی صحت ندارد و جمع بندی سیر جنگ اسلام و کفر و تربیت فرماندهان رشید سپاه اسلام نظیر شهید حاج همت و... ما را از این امر مطمئن میسازد.

## مسئولیت و بی بندوباری

در اینجا این سوال مطرح است که اگر هر کسی به هر عنوان حق انتقاد بسبب فرماندهی را داشته باشد، چگونه میتوان نظم و انضباط را در نیروهای نظامی و در جبهه برقرار نمود؟

اطاعت از فرماندهی امری است که نظم و انضباط را حفظ می‌نماید. ولی این اطاعت باید اصولی باشد و نه اطاعت کورکورانه و محض. به این معنی که فرمانده حق ندارد سر خود هر فرمانی را صادر نماید، بلکه باید فرمان و دستوری را بدهد که در کادر اصول و خط مشی اسلامی امامت جامعه باشد. دیگران حق دارند تنها در چهار رجب همین اصول از فرماندهی انتقاد نمایند. یعنی اگر در حایب فرماندهی از خط مشی اسلامی عدول نمود در صورتی که شخصی کاملاً به این امر یقین داشته باشد حق دارد به فرمانده مافوق خود نیز انتقاد کرده و حتی از دستورات غیر اصولی وی سر پیچی نماید. اینجا تقاد بر سر خلاف شرع علنی نیست چه

در اینجا

این سوال مطرح است که

اگر هر کسی

به هر عنوان

حق انتقاد

به فرماندهی را داشته باشد،

چگونه میتوان

نظم و انضباط را در

نیروهای نظامی و در جبهه

برقرار نمود.

# رابطه امام و امت

راه مجاهد شماره ۱۲ - آبان ماه ۶۱

- بدون
- تن دادن
- به قانون واحد
- ویا اصول واحد که
- ملاک و ملاط رابطه صحیح
- امام و امت است .
- نه امام می تواند امت را
- آموزش دهد
- و نه امت می تواند از امامت
- انتقاد کند
- اطاعت از فرماندهی
- امری است که نظم و انضباط را
- حفظ مینماید
- ولی این اطاعت
- باید
- اصولی باشد
- و نه
- اطاعت کورکورانه
- و محض
- به این معنا که فرمانده
- حق ندارد
- سر خود هر فرمانی را
- صادر نماید
- بلکه باید فرمان و
- دستوری
- را بدهد که
- در خط مشی اسلامی
- امامت
- جامعه باشد

در حالیکه هوشیاری و بیدار ماندن مسافری موجب بیدار ماندن و هوشیارتر بودن راننده میشود و از تصادف احتمالی جلوگیری میشود و اگر هم تصادفی رخ داد این مسافر هوشیار و بیدار است که میتواند به کمک راننده شتافته و خود و دیگران را بسرعت نجات دهد .

دوم اینکه راحت طلبی و خیال تختی بعد از زحمت فراوان برای پیدا کردن رهبر موجب عافیت طلبی ظریفی میگردد که مضمولا بعد از تحمل سختی به انسان دست میدهد . باید توجه داشت که هوشیاری و نظارت بر راننده خبره و مراقبت از جاده نفسی رانندگی او نیست و در اجتماع هوشیاری و مراقبت از خط مشی امام نفی قبول امامت و رهبری او نیست بلکه از وظایف ماموم است . (به خطبه های ۲۰۷۳۴ نهج البلاغه در مورد رابطه امام و امت توجه شود )  
ج - رابطه امام و امت رابطه دیکتاتوری و دمکراسی نیست .

عده ای معتقدند امامت و یا اعمال ولایت فقیه یک نوع دیکتاتوری بوده و امت بگونه دمکراسی و حکومت مردم بر مردم است . بقول این نظریه رابطه امام و امت تلفیقی میشود از دیکتاتوری فـردی و دمکراسی غریب ، تلفیقی میشود از مرکزیت و دمکراتیک . در صورتیکه این نظریه به هیچ وجه بهمان گنـده رابطه صحیح امام و امت نیست . در اسلام هم امام و هم امت تسلیم خدا و قرآنند و تسلیم اصول واحدی هستند که این اصول نه در انحصار امام است و نه در انحصار امت ، بلکه قانون الهی وحی است ، با این تفاوت که امام درجه نیازمندی و تسلیم به اصول و قانون الهی بیشتر است .

بدون تن دادن به قانون واحد و یا اصول واحد که ملاک و ملاط رابطه صحیح امام و امت است . نه امام میتواند امت را آموزش دهد و نه امت میتواند از امامت انتقاد کند .

بدون تبیین واقعی از انسان و قبول نفس منظوی با بدام دیکتاتوری می افتیم یا بدام لیبرالیزم (برای فهم بیشتر مطلب به مقاله نفس منظوی راه مجاهد شماره ۶ مراجعه شود ) .  
والسلام

## رابطه امام و امت

راه مجاهد شماره ۲۵ - دیماه ۶۲

### مقدمه

در شماره ۱۲ راه مجاهد - سه برداشت غیرواقعی از رابطه امامت و امت مطرح شده بود که این برداشتها متأسفانه بصورت جبهانات فکری در بین

الفد رابطه امام و امت رابطه عدد یک با صفر نیست . عده ای معتقدند که رابطه امام و مردم مانند رابطه عدد یک با صفر است .

در این نظریه مردم صفر تلقی شده و گفته میشود اگر هزاران صفر پهلوی هم باشند ارزشی ندارند مگر اینکه پهلوی یک قرار بگیرند .

این نظریه چند اشکال دارد : اول اینکه منطق ریاضی منطق تکرار و مساوی دیدن همه اشیا است و نمیتواند ملاک تبیین ما از توحید و امامت باشد دوم اینکه توده ها به هیچ انگاشته و صفر تلقی میشوند در حالیکه در ایدئولوژی امام خمینی توده ها بدون استثنا فطرت خدا جو دارند و صاحب تشخیص اند و هر فردی مرتبه ای از مراتب وجود است در اول رساله های علمیه نزد یک به این مضمون نوشته شده است که اصول دین برای هر فرد بالغ یقینی و استدلالی است . منتها امام نیازمندترین افراد است و بالاترین مرتبه وجودی را در رابطه با خدا دارد و لذا توده های خدا جو و حق طلب فطرتا با امامت پیوند دارند و به او نیازمند میباشند .

سوم اینکه در شرایط فعلی قبول این نظریه موجب میشود که با فقدان رهبر ، توده ها احساس خلا نموده و ارزش وجودی خود را فراموش کرده و منفعل و از صحنه خارج شوند و گروه یا تشکیلات های عافیت طلب و فرمیسیت این خلا را پر نمایند .

چهارم اینکه امامت را مشروط به پذیرش اکثریت می نماید همانطور که ارزش عدد یک وقتی بالا میرود که صفهای بیشتری در کنارش قرار بگیرند در این رابطه ارزش ۱۰۰۰ ، از ۱۰۰ بیشتر میگردد . در حالیکه با دیدگاه قرآنی ۱۰۰ نفر موثر من ارزششان از هزاران غیر مؤمن بیشتر است .

بدر رابطه امام و امت رابطه راننده خبره و مسافر نیست .

عده ای معتقدند امام همچون راننده ای خبره و مردم بهمان مسافری آن راننده اند . در این رابطه گفته میشود وقتی ما چنین راننده ای را یافتیم دیگر مسئولیتمان به پایان رسیده است و با خیال راحت و تخت میتوانیم در طول سفر استراحت کنیم .

در این نظریه چند اشکال به چشم میخورد : اول اینکه مسئولیت پیمودن راه صرفا بمعده راننده و بمعبارت دیگر امامت جامعه قرار میگیرد و بدین وسیله مسئولیت از مسافری یعنی امت ساقط میشود . اگر راننده با بعلت پرکاریش خواب فرا بگیرد و تصادف کند ، هیچیک از مسافری مسئولیت آنرا قبول نکرده و همه تقصیر را بگردن راننده میگذارند

خیلی از افراد انقلابی هم وجود دارند این سه برداشت عبارتند از:

۱- برداشتی رابطه امام و امت را مانند "رابطه عدل و با صفر" می داند که امت را در برابر امامت در حد صفر تلقی مینماید.

۲- برداشت دوم از رابطه امام و امت این بود: عده ای امامت را هم چون راننده خبره ای میدانند که بعد از انتخاب راننده خبره با اعتماد به راننده با خیال تخت بتوانند استراحت کنند و مسئولیت را از خود سلب نمایند.

۳- نظریه سوم رابطه امامت و امت را "رابطه دیکتاتوری یا دموکراسی" میدانند. اینها هرگونه اعمال ولایت را دیکتاتوری نامیده و به همین دلیل اصل ۱۰ قانون اساسی که "اختیارات ولی فقیه" میباشد را دیکتاتوری و مغایر با دموکراسی میدانند.

رابطه امام و امت رابطه طبیب متخصص با مریض نیست.

حال به بررسی حطر رایج فکری دیگری میرد از آنکه معتقد است رابطه امامت و امت همچون رابطه متخصص با مریض است.

الف- در این رابطه اینها اینطور فرض میکنند که مریض از جانب خود به هیچ وجه قدرت تشخیص ندارد و باید نسخه طبیب را مویب بپذیرد و اجرا کند. حالش خوب شود. در حالیکه امام خمینی بارها گفته اند توده ها فاسدتر تشخیص دارند. در صحنه انقلاب اسلامی دیدیم مردم با قدرت تشخیصی که داشتند مرجعی چون شریعتمداری که از نظر تخصص علمی در مرتبه بالایی بود بلرد کردند.

پس ملاک امامت "تقوا" یعنی اطاعت از فرمان خدا و رسول و درک این اطاعت "معرفت و علم" است. امام متقی رهبر با تقوا کسی است که امت را به فعال بودن و اظهار نظر کردن تشویق مینماید و آموزش لازم را هم به امت میدهد.

بارها امام نقش در صحنه بودن مردم را برای پیشبرد و ضربه نخوردن انقلاب گموشزد کرده اند.

ب- اشکال دیگری آنکه: نیاز مردم به رهبریک نیاز معضی فرض میشود. سپس از رفع مشکل دیگری برای مراجع به رهبرید و نمیشود تا مشکل دیگری پیش آید. درست مانند نیاز مقطعی مریض به طبیب که پس از بهبود دیگری برای به پزشک ندارد. مگر اینکه

دوباره مریض شود. در حالیکه نیازات به امامت دائمی و مستمر بود و مهمترین آنکه آمای سالم و عامل نیازشان به رابطه امامت جهت رشد و کمال و سیرالی الله بیشتر است و هر کس که شتابش در جهت رشد و کمال بیشتر باشد نیازش به امامت زنده و فعال بیشتر است.

ج- اشکال دیگری که به این نظریه وارد است و نارسائی آن در صحنه عمل

انقلاب اسلامی مشخص شده این است که در این نظریه مریض باید طبیب متخصص روبروست و اگر مریض اظهار نظر کند باید طبیب به او خواهد گفت که ام یک دکترم؟ من یاتو؟ در اینجا طبیب با "روکم کردن" مریض را خود کم بین مینماید و قدرت اظهار نظر را از وی میخسازد. چه بسا اظهار نظر هائی مریضی که به درون خود آگاه است رهنمود هائی برای طبیب باشد.

مثلاً آیات: "من نضری گفتند: چه بسا اینخنها دیک سرباز رهنمندی است برای فرماندهان. در صحنه اسلام هم این امر که يك سرباز به پیابسر پیشنها می دانند باشد بیرون پذیرش ایشان قرار گیرد سابقه دارند.

د- اشکال بعدی که به این نظریه تفکر وارد است اینکه: همیشه مریض در دست است که به طبیب مراجعه میکند. در اینجا طبیب سیرت معص "ساکن" و مریض "متحرك" است. در حالیکه طبیب حاذق و واقعی کسی است که خرد نیزه سراغ در دست آن اجتماع رفته کاری کند که کسی مریض نشود و تحريك خود را حفظ کند. رهبر جامعه نیز لازم است بزروشهای خاص خود درسی گفتن جزیره های اجتماع و نیازمندان و در دست آن امت بسوزد تا آنها را زیاده و بیرون دهد.

هم چنانکه: امت نیز موظف است رهبر صادق و هتدی را یافته و پیروی کند. اتبعوا من لا یستلکم اجرا "و هم هستند از کسانی که هیچ اجر و مزدی نمیخواهند و شمارا براه حق هدایت میکنند پیروی کنید.

از ویژگیهای امام زمان (عج) هم اینست که در همه جا حضور دارند چنانکه رزمندگان اسلام در جبهه های میگویند: مهدی ای مولا، نوکل زهرایا و رزمندگان یاری ناماراه در جمارانی و با شهیدانی با اسیرانی جبهه جنگی و... هر کجا صالحترین کار است توانجائی... اشکال عملی دیگری آنکه: اگر رهبری همچون طبیب متخصص در یک

در این نظریه  
مریض  
با یک طبیب متخصص  
روبرو است  
و اگر مریض  
اظهار نظر بکند  
طبیب به او خواهد گفت  
کدام یک  
دکتریم من یا تو  
در اینجا طبیب با  
"روکم کردن" مریض  
را "خود کم بین"  
مینماید  
و قدرت اظهار نظر را  
در او  
میخشکاند.

جاساکن باشد معمولاً افراد و طبقاتی که امکاناتشان بیشتر بود و ارتباطات و تشکیلاتی هم با هم دادند حول رهبر جمع شده و تد رجا حجابی میشوند برای محرومین و مستضعفین و بالطبع رهبر از رد و هاورنجهای محروم بیس بی امکان جد امنیابند . بعنوان مثال در مسالهای قبل از انقلاب برای لفرزاندن شریعتمداری ، ساواک به سرمایهداران وابسته اجازه داد بود مالیاتهای خود را بعنوان وجوهسات شرعی به شریعتمداری بدهند تا بدین طریق اورا ناخود آگاه وابسته نمایند و دیدیم که عدم توجه به این اصول تد رنجی کار شریعتمداری را به کجا کشاند . در همان زمانها اگر محرومی به خانه شریعتمداری مراجعه میکرد و میخواست درد و رنج خود را بیان کند میگفتند "آقا وقت ندارد" یا "آقا وقت خود را صرف این کارهای پیش رو افتادم نمیکند" . اوبتد رنج بیانگریزهای طبقه متوسط و باخط میانه گشت که بایگه شیطان بزرگ بود .

## تفقه در دین و وظیفه عمومی و واجب عینی

راه مجاهد شماره ۳۴ - بهمن ۶۴

در جامعه امروز ما "تفقه در دین" بعنوان يك شغل و حرفه تلقی میشود که مختص عد های خاص بوده و بقیه مردم موظف به تقلید صرف از این عد ه میباشد . از آنجا که لزوم "تفقه در دین" از قرآن اتخاذ شده است ، برای حل اختلاف در برداشتهای از امر تفقه و تفقه به اصل قرآنی آن مراجعه میکنیم .

### مبنای قرآنی امر تفقه

مبنای قرآنی فقا هت آیه ۱۲۲ سوره توبه است که میفرماید :

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۚ وَلَآ يُغْنِي عَنْكُمْ كَلٌّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ .

و مؤمنون که همگی کوچ نمیکنند پس چرا نباید از هر طائفه ای عد های از آنها کوچ کنند برای اینکه در دین تفقه کنند و انداز نمایند قوم خود را هنگامیکه باز میگردند بسوی ایشان شاید بترسند .

این آیه صراحتاً به مؤمنین امر می کند که حداقل عد های باید به امر تفقه بپردازند .

### تفسیرهای مختلف از این آیه

الف : اهل علم - اهل عمل

عد ه ای در تفسیر این آیه همانطور که در تفسیر نمونه حجت الاسلام ناصر مکارم شیرازی و تفسیرهای دیگر آمده است معتقدند :

نباید همه به جهاد بروند بلکه لازم است هر جمعیتی از مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند گروهی فریضه جهاد را انجام دهند و گروه دیگری در مدینه بمانند و معارف و احکام اسلام را بیاموزند و به هنگامی که یاران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمانهای الهی را به آنها تعلیم دهند و از مخالفت اندازشان نمایند . . . . .

بنا بر این بر اساس این برداشت از آیه قرآن ، جامعه مسلمان را به دو قشر دسته تقسیم می کنند . عد های جهاد کننده و اهل عمل و مبارزه و درگیری مستقیم با دشمن و عد های اهل علم و تحقیق و تفقه در مسائل دینی .

این تفکر بمرور در جامعه اسلامی بصورت سیستم فکری در آمده است . بخصوص بعد از تشکیل حوزه های علمیه این تفکر قوت بیشتری پیدا کرد که يك عد غیر از تفقه در دین نباید به کاری دیگر مشغول شوند .

این تفکر باعث شد که برخی روحانیون تحقیق و تفقه در امور دینی را نافی شرکت در مسائل سیاسی اجتماعی دانسته و تد رجا از نیازهای واقعی جامعه اسلامی و مسائل زمانه عقب ماندند و در نتیجه تفقه را هم منحصر به همان مسائل محدود و فروعی روزمره نمودند .

ب : اهل عمل

عد های دیگر از آیه ۱۲۲ سوره توبه برداشت کاملاً متفاوتی کرده و معتقدند تفقه در دین تنها در میدان عمل و مبارزه امکان پذیر بود و هیچ گاه در پشت درهای بسته و خارج از صحنه عمل نمی توان در دین تفقه کرده بلکه تفقه همان درك و عمل به اصول دین می باشد .

چنانکه حجت الاسلام آقای خامنه ای در یادگان ابودر صحبتی بدین مضمون داشتند که من تا بحال فکر میکردم در حجه ها میشود اسلام را شناخت حالا فهمیدم اینطور نیست و درسنگرها می توان اسلام را شناخت و درك کرد .

در جای دیگری نیز گفتند در جبهه ها و میدان غلبه حق بر باطل است که می توان تفقه کرد .

همچنین آیت الله مهدی کی نیز در سخنرانی که در مراسم عاشورا در میدان امام حسین (ع) داشتند صحبتی بدین مضمون کردند : تفقه کسی که در قرآن می فرماید پدر همین جبهه های نبرد حق علیه باطل امکان پذیر می باشد .

چنین تفکری هیچگاه اسلام را به دو بخش متفاوت تقسیم ننموده بلکه برای اسلام تنها يك میدان که میدان عمل و تفقه در دین حرکت است قائل می باشد .

بنابر این با دیدی وسیعتر و با توشه گیری از قرآن و آیات متعدد دی که راجع به تفقه وجود دارد ، در می یابیم که تفقه در دین نه تنها مختص گروهی خاص نمی باشد بلکه وظیفه فرد فرد مسلمان است . و موضوع فقه رانیز از حدود مسائل فردی فراتر رفته و در برگیرنده معنی عامتری می باشد .

حال در حد توان خویش به بررسی این موضوع می پردازیم که آیا امر تفقه و اجتهاد وظیفه عد های محدود می باشد یا بر عموم مردم واجب است .

### ۱- تفقه بر همه واجب است

بنظر میرسد در آیه ۱۲۲ سوره توبه اصل بر تسبیح عمومی برای تفقه واجب عینی بودن آن می باشد ولی چون در آن شرایط زمانی برای همه مؤمنین این امر امکان پذیر نبود مثلاً عد های در جنگ شرکت کرده بودند ، خداوند می فرماید پس چرا يك عد ه از شما برای تفقه در دین کوچ نمی کنید .

در این باره در صفحه ۱۶ اصول کافی جلد ۱ از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده اند : " دین را خوب بفهمید زیرا هر که دین را خوب نفهمد مانند حراگرد (اعراب بدوی) است . خداوند در کتابش می فرماید : تا در امر دین دانشمند و زنده و چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند شاید آنها بترسند . "

باز هم مفضل از قول امام صادق (ع) می گوید : " بر شما باد که در دین خدا دانشمند شوید و صحراگرد (اعراب بدوی) نباشید . زیرا آنکه در دین خدا دانشمند نشود خدا در روز قیامت به او توجه نکند و کردارش را پاکیزه شمارد . "

از گفتار امام صادق (ع) نیز چنین بر می آید که تفقه در دین و درك امور دین يك امر تخصصی و مخصوص عد های خاص نیست بلکه یکی از وظایف اساسی هر مؤمن است . امام صادق (ع) آیه ۱۲۲ از سوره توبه را هم برای تأکید این مطلب بیان می کند و در ادامه می گویند هر کس تفقه در دین نکند در روز قیامت مورد توجه خدا نمی باشد و خداوند کردارش را پاکیزه نمی شمارد . در نتیجه تفقه در دین يك شرط لازم برای هر مسلمانی است که بدون آن کردار و اعمال ما يك و خالص نمی گردد و مقبول درگاه الهی نمی افتد .

### ۲- تفقه واجب عینی است نه واجب کفائی

همانطور که گفته شد این تصور در جامعه تد رجا قوت گرفته است که چون همه مردم نمی توانند در دین به تفقه بپردازند ، در نتیجه به اندازهای که کفایت بشود عد های محدود باید در این امر خیره شوند و بقیه مردم از این افراد تقلید کنند . حتی بتد رنج مقلد بودن

اگر بخواهیم عمیق ترین دو جریان را بشناسیم وریشه‌ها بپایه‌های ژئولوژیک بکنیم، مواضع اقتصادی - سیاسی ما ثو می رساند که او در اجتماع به انسان انقلابی اصالت می‌دهد و او را عامل تحولات اقتصادی اجتماعی میداند. جریان مقابل عامل محرک جامعه را تکامل ابزار تولید میدانند. موضع انسان را از رابطه اش با انواع ابزار تولید در می‌آورد.

طبیعی است که این جریان بعد از پیروزی انقلاب تکامل ابزار تولید را اصلی‌ترین کار بشمارد. چرا که همه پیشرفت‌ها و کمالات به تبع آن بدست خواهد آمد. لذا مدرنیزه کردن اقتصاد در اسامور قرار می‌گیرد. برای این اصلی‌ترین کار باز طبیعی است که از هوسیلای منجمله وارد کردن تکنولوژی از خارج کمک بگیرد. وقتی پیشرفت تکنولوژی و مدرنیزه کردن محور قرار بگیرد، انسان‌هایی که خود را با این روند تطبیق دهند و به خدمت آن در آیند ارزش و هویت پیدا می‌کنند. بقیه میرا و فول یا بنده تلقی می‌گردند. اینجا است که تکنسین‌ها و متخصصین بر انقلابیون و آنها که قبل از انقلاب زجر کشیده و در

## از نظر ما ثو سوسیالیسم

بمعنی تغییر مالکیت خصوصی به دولتی نیست،

بلکه

تغییر روابط بین کارگر و کارفرما

اعم از دولتی یا خصوصی است.

راهپیمایی بزرگ و نیروهای پارتیزانی فداکاری کرده‌اند ارزش و برتری پیدا می‌کنند. تحصیل کرده‌های از خارج برگشته برکا درهایی که بدلیل اشتغال به امر انقلاب و مبارزه فرصت کسب تخصص خاصی را نداشته‌اند ارحیت پیدا می‌کنند.

اینجاست که ابتکار یک دهقان یا کارگر چینی که تکنیک ساده خود را تکامل داده و شیوه بهتری پیدا کرده تحقیر شده و بی ارزش جلوه می‌کند. ولی تکنیک‌های وارداتی از جهان سرمایه‌داری مقبول و ارزشمند قلمداد می‌شود.

در همین سیستم است که توده‌ها صرفاً "یک نیروی کار تلقی میشوند که بایستی

از متخصصین طریقه کار کردن با ماشین‌های مدرن را بپایه‌ها موزند و مطیع فرامین آنها باشند تا بهره‌وری از ماشین به حداکثر برسد.

همین تفکرات است که می‌گوید اگر یک واحد سوسیالیستی تولیدش را افزایش دهد به ثروت سوسیالیستی افزوده است و این مهم است و اصل.

با این وصف این سؤال ناخودآگاه پیش می‌آید که: آیا سرمایه‌داری منطقی‌تر این دارد؟

یا می‌بینیم ما ثوبه انسان ارزش می‌دهد لذا اعضاء حزب را بعنوان یک‌عده مهره شطرنج که بوسیله مرکزیت پس و پیش می‌روند و باید مطیع محض باشند نگاه نمی‌کنند بلکه برای تک‌تک افراد، اظهار عقیده‌شان و پیشنهادات و ابتکار ایشان احترام و ارزش قائل است.

ناسیونالیسم و ملی‌گرایی ما ثو نیز از همین عشق و علاقه‌اش به انسان‌ها ناشی می‌شد.

شعار خودکفایی و استقلال که آنرا اساس اقتصاد انقلابی می‌گیرد از تفکر اصالت ابزار در نمی‌آید بلکه از روحیه عدالتخواهی و میهن‌دوستی نشأت می‌گیرد. با این تفکر است که ما ثو عمیقاً معتقد است مشکلات اقتصادی را توده‌های بسیج شده می‌توانند حل کنند. حرفی که بنظر

معتقدین به اصالت ابزار بیگانه و مضحک بنظر میرسید. اینک ما ثو می‌گوید در یک جامعه سوسیالیستی ممکن است روابط سرمایه‌داری دوباره رشد کند. حکایت از درک او از نقش انسان در تغییرات اجتماعی اقتصادی می‌کند. چرا که بنظر ما رکیسم وقتی تکامل حیرت‌آزاد تولید به مرحله سوسیالیستی رسید و این تکامل ابزار به عقب بر نمی‌گردد، روابط فرهنگی هم بایستی سیر قهقهر داشته باشد. اما ما ثو که انسان را محور می‌گیرد می‌داند حتی در یک جامعه سوسیالیستی اگر این انسانها تغییر نکنند و روابطشان با انسانهای دیگر تصحیح نشده باشد علیرغم

روند تکامل ابزار به روابط بورژوازی رجعت خواهند کرد.

## ● اوضاع داخلی چین پس از پیروزی

همزمان با اینکه چین در سالهای پس از ۱۹۵۰ با آمریکا در تایوان و کره درگیری داشت در داخل نیز تلاش می‌کرد آرمانهای سوسیالیستی را پیاده کرده و وضع اقتصادی مردم را بهبود بخشد.

برنامه ما ثو بطور کلی سه محور اساسی داشت:

۱- مبارزه طبقاتی و نفی روابط و شیوه‌های سرمایه‌داری و استثمار.

۲- توسعه اقتصادی از جهت بالابردن تکنیک و افزایش تولید و بهبود وضع عمومی

۳- حفظ وحدت و ثبات ملی (اقشار مختلف مردم چین)

ما ثو برای اجرای برنامه‌های خود از شیوه بسیج توده‌های مردم کمک میگرفت. با آمدن مردم به صحنه بسیاری توطئه‌ها را خنثی کرده و بوسیله آنها مشکلات را حل میکرد. برای اینکار لازم بود توده‌ها فعال شده و ارزشهای وجودی خویش را درک کرده و جامعه نیز برای وجود آنها اهمیت قائل شود. لذا در سال ۱۹۵۶ شعاری مطرح کرد که همه توده‌ها باید نظرات و انتقادات خود را نسبت به دولت و حزب بگویند و چنانچه مفید بود به عمل در آید.

در همین سال ۱۹۵۶ در شوروی موج انتقاد از استالین توسط خروشچف شروع شده بود. ما ثو که قبلاً "نیز با تفکر استالین تضاد داشت ولی حفظ حرمت او را می‌نمود. در مقابل خروشچف نتوانست سکوت کند. وطنی مقاله‌ای بنام "درباره تجربه تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا" نسبت به سیاست استالین زدایی خروشچف انتقاد کرد. در آنجا ضمن تجلیل از استالین انتقادات خود را نیز بیان کرد و نظرات خود را درباره تضاد در جامعه سوسیالیستی مطرح نمود. که با نظر مسکو تفاوت داشت. (ما ثو در این مقاله مطرح نمود در یک جامعه سوسیالیستی نیز تضاد طبقاتی وجود دارد برخلاف نظر استالین که این مسئله را رد می‌کرد و معتقد بود که سوسیالیسم به عقب‌بر نمی‌گردد.)

در همین زمان که در مسکو، در سیاستهای انقلابی تجدیدنظر می‌شد ما ثو بایستی

کما اینکه در ۱۹۶۰ لیوشا کوچی بعنوان تنها جانشین با صلاحیت مائو قلمداد می شد و ضمناً " رئیس جمهور کشور هم بود .

تحلیلی که مائو از این پروسه بدست آورد این بود که الگوی اقتصادی خود را با توده های آموزش ندیده نمی توانست پیاده کند و دوم اینکه در برابر انجام وتفکر تخصصی گرا و بازارگرایی آموزش توده ها مقامت مشکل است . برای این کار مطرح کرد که کارهای حزبی و مدیران کارگاهها وظیفه اصلی شان دادن آموزش سوسیالیستی و حرفه ای به توده ها و کارگران است . تا آنها آمادگی اداره امور اقتصاد و تولید را پیدا کنند . در این مرحله که سال ۶۲ - ۱۹۶۱ بود کتابهای مائو در تئوریزم های میلیونی منتشر شد و در دسترس همگان قرار میگرفت .

این برنامه راهم برخی کارهای حزب قبول نداشته و استقبال ننمودند . طرح اقتصادی مائو بر اساس اصلت انسان و تکیه به بسیج و خلاقیت توده ها بنیان گذاشته شده و تبیین می شد ولی مسئولیت اجرایی آن با کارهای مثل لیوشا کوچی بود که اساساً این تفکر را قبول نداشتند . آنها معتقد بودند که توده ها نقش تعیین کننده و زیربنایی نداشته و دیدن نیروی کار و بازار به آنها مینگریستند . افراد حزبی را که درس سوسیالیستی در مدارس حزبی خوانده بودند مطلقاً " اصلت می دادند .

انقلاب فرهنگی مائو اینها شکل گرفت کارها عملاً تزمائو را قبول نداشتند ولی بازوی اجرایی او بودند .

مائو با اعلام انقلاب فرهنگی دانشگاهها را تعطیل کرد تا دانشجویان به روستاها بروند . حزب را منحل نمود تا در بین مردم موج شوند . نهایتاً راه الگوی اقتصادی او را که مستقل از الگوی شوروی بود قبول نداشتند ، در مقابل توده های پرشور مردم قرارداد ( ۱۹۶۶ )

در همین سال ۱۹۶۶ بود که لیوشا کوچی برکنار شده و به زندان افتاد . جناح وی که موسوم به جناح راست بود ، تاحدی تصفیه شدند . در مقابل این تصفیه ، جناح چپ را دیکال که بعدها به " گروه ۴ نفری " شهرت یافتند از یکطرف ، و از طرف دیگر طرفداران لین پیاشو قدرت تشکیلاتی بیشتری پیدا کردند .

لین پیاشو پس از لیوشا کوچی بعنوان جانشین آینده مائو جلوه می کرد . وی در

وایدئولوژیک درون حزب روبرو می شود و به توافق و وحدت رسیدن درون حزب بعید بنظر می رسد ، شاید وی می خواست که بسیج توده های با انگیزه و حامی انقلاب که رهبری او را قبول داشتند برای حل این تضاد کمک بگیرد و با طرح بحث آزاد جناح مقابل را در برابر توده ها قرار دهد شاید تصحیح کردند . بهر حال این حرکت به موج عظیمی از انتقادات نسبت به حزب تبدیل می گردد . لذا با عکس العمل کارهای حزبی به آن خاتمه داده میشود . مائو برای پیاده کردن الگوی اقتصادی خود از همین توده های بسیج شده و نیروهای آزاد شده در حرکت فوق استفاده کرده و حرکتی جدید را مطرح می کند که جهش بزرگ نسام گرفت .

مائو اعلام کرد که این توده های پرشور هستند که با پستی نبض تولید و اقتصاد را در دست بگیرند . در کارخانه ها با پستی قدرت اصلی دست کارگران باشد و مدیران در خدمت آنها باشند و ابتکار را آنها را سازماندهی کنند . کارها و روشنفکران باید از توده ها بیاموزند . و حرکت از پایین به بالا باشد .

این حرکت تحولی در کارگاهها و مزارع و کارخانه ها ایجاد کرد . هویت و شخصیت بیشتری به توده های محروم داد ولی در

قاطعیت رسید که حرکتی جدید را درون چین آغاز کند و الگوی اقتصادی خود را که با مدل شوروی مطابقت نداشت بمرحله اجرا در آورد .

در همین سال ( ۱۹۵۶ ) مطلب دیگری تحت عنوان " درباره راه را بطن بزرگ " یا " درباره ده تها بزرگ " سخنرانی نمود که الگوی شوروی را که یک جریان فکری در درون حزب کمونیست چین هم بود به با دا انتقاد گرفت در آنجا برای مدرنیزه کردن اقتصاد کشور ده تها دهمه پیش بینی کرده بود . منجمله :

۱- تها صنعت و کشا ورزی که مائو در جهت کشا ورزی آنرا حل می کرد .

۲- تها صنایع سبک و سنگین که به صنایع سبک اولویت می داد .

۳- تضاد صنایع بندری و درونی ، مائو می خواست بجای تقویت مراکز صنعتی در بنادر ۹۰٪ صنایع سنگین آینده در درون کشور باشد . ( بنظر میرسد که مائو بدلیل جلوگیری از ضربه پذیری و اینکه به تکنولوژی و مواد اولیه داخلی تکیه می کرد چنین نظری می دهد ) .

۴- تضاد سازندگی اقتصادی و دفاعی

۵- تضاد تمرکز مدیریت و مناطق که مائو برای جلوگیری از دیوان سالاری کنترل و

## شماره خودکفایی و استقلال

### که آنرا اساس اقتصاد انقلابی می گیرد

### از تفکر اصلت ابزاری در نمی آید

### بلکه از روحیه عدالتخواهی و میهن نشات می گیرد .

مدیریت غیر متمرکز را پیشنهاد می کرد که ابتکار را از پایین به بالا شکل می گرفت

۶- ....

۷- ....

علاوه بر دو مطلب فوق ، مائو حرکتی را آغاز کرد تحت عنوان ( بگذار صدگسل بشکند و صد مکتب فکری زنده شود ) که منظور از آن اعلام جو آزاد برای اظهار نظر و انتقادات توده های مردم بود . بنظر میرسد منظور مائو از این کار شروع یک مبارزه ایدئولوژیک در سطح ملت و بسیج عمومی بود که در این مسیر تضادهای درون حزب را حل نماید .

وقتی مائو با عمق تضادهای سیاسی

عین حال کارها و روشنفکران و مدیران تولید دل خوشی از اینکار نداشتند و عنوان می کردند که این طرح شکست خواهد خورد و توده ها توان صلاحیت کافی برای اداره جامعه را ندارند . می گفتند بصرای راه انداختن چرخ اقتصاد و تولید تخصص و کارایی لازم است . در غیر این صورت جز تخریب و بهم ریختن نظم موجود ثمری نخواهد داشت . لذا در جریان عمل این جریان این جریان فکری در حزب انگیزه همکاری با طرح فوق را نداشت و بیشتر نقاط ضعف را دیده و مطرح میکردند . ناگفته نماند که این جریان بر رهبری لیوشا کوچی و تنگ نیا شوپنگ از گسترش زیاد دخی برخوردار بود

باز در همین سالها در جنگ کره نیز روی وحدت ملی و دفاع از امنیت مرزها تکیه می شد و مبارزه طبقاتی محور اصلی نبود. اما انقلاب فرهنگی یک مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک بود که خود موجب تشدید تضادهای درون خلقی و بهم ریختن ثبات ملی و تولید ملی می گردید. پس از این دوره مبارزه ایدئولوژیک، باز مشاهده می کنیم وقتی تضاد نیروهای تنگ و گنوه ۴ نفری شدت می یابد، اصل وحدت ملی اهمیت دوباره یافته و شخصی که مظهر وحدت ملی است و ظاهرا "به جناح خاصی تعلق ندارد مثل هواکوفنگ روی کار میاید بهمین نحو رابطه توسعه اقتصادی" با مبارزه ایدئولوژیک مشخص نبود. مائو روی توسعه و بهبود وضع اقتصادی چین تاکید داشت. اینکه چین بصورت یک قدرت اقتصادی بزرگ درآید از آرزوهای رهبران چین بود. از طرف دیگر بهم ریختن نظم کارخانه ها و کارگاهها در جریان انقلاب فرهنگی چه بسا در مقطع به تولید ملی ضربه می زد. برخی مخالفین انقلاب فرهنگی هم باین مسئله استناد می کردند.

آنها توسعه اقتصادی را در افزایش تولید ملی می دیدند و با محور گرفتن آن انقلاب فرهنگی را تخطئه می کردند. اما رهایی را ارائه میدهند که تولید کالاهای مختلف نقصان پیدا کرده و توسعه اقتصادی را عقب انداخته است. با سپردن کارها بدست توده ها رشد تدریجی تکنولوژی را مخدوش کرده و متوقف نموده است.

بهر حال در خط مشی مائو رابطه بین این سه رکن اصلی یعنی "توسعه اقتصادی"، "مبارزه طبقاتی و ایدئولوژیک" و "وحدت ملی" مشخص نیست. تا خود مائو زنده بود بنا به تشخیص خود که مقبولیت عمومی هم داشت و فوق جناحها عمل می کرد یکی از این محورها را در هر دوره اصلی گرفته و روی آن همه نیروها و امکانات را بسیج می کرد.

اما از آنجا که هر کدام از این شعارها یک خط مشی و یک سیستم اقتصادی خاص خودش را دربردارد، در بین مردم هم بر اساس این سه شعار همین جناحها شکل گرفتند. یعنی یک نیرویی بیشتر به وحدت و ثبات ملی جین تکیه می کند و به مبارزه طبقاتی بها نمیدهد. بعکس نیرویی دیگر به مبارزه ایدئولوژیک و طبقاتی اصالت میدهد و وحدت ملی

### ● ریشه یابی حاکم شدن تنگ شیا ثوپینگ در خط مشی مائو

اکنون این سؤال مطرح می شود که: چرا علیرغم انقلاب فرهنگی مائو و آنهمه حساسیت مائو نسبت به تفکر لیوشا ثوچی و تنگ شیا ثوپینگ با زاز درون حزب کمونیست همین جریان بیرون آمده و به حاکمیت می رسد و جانشین مائو می گردد؟

همانطور که گفته شد مائو در طول دوره انقلاب چین چند اصل حاکم داشته است که آنها را محور کار قرار داده بود. یکی اصل وحدت ملی است که وی قبل از پیروزی خود را مقید به این اصل می دانست و بعد هم نشان داد که به اتحاد ملی بهای زیادی می دهد.

از طرف دیگر به مبارزه طبقاتی و مبارزه ایدئولوژیک بها میداد. انقلاب فرهنگی چشمه ای از این هدف بود. در کنار این اصل توسعه اقتصادی هم مطرح بود.

حال این اصول در برخی جاها با همدیگر اصطکاک پیدا می کردند. یعنی بر اساس تداوم مبارزه طبقاتی ممکن بود برخی طبقات ملت ناراضی شده و بین نیروهای

زمینه داخلی بیشتر به ارتش و نظامیان که در پیروزی انقلاب نقش داشتند تکیه داشت. در زمینه اقتصادی به روستاها تکیه می کرد. در سیاست خارجی معتقد بود دشمن اصلی چین همچنان امپریالیسم امریکاست نه شوروی و به سیاست های ضد شوروی چین انتقاد داشت. وی به کمک کردن به نهضت های آزادیبخش علیه غرب نیز بهای زیادی میداد.

گروه ۴ نفری که همسر مائو یکی از آنها بود، علیه راست گرایان موضع تندتری داشتند و پس از تصفیه جناح لیوشا ثوچی قدرت بیشتری در حزب پیدا کردند. در سال ۱۹۷۱ لین پیاو در راه سفر به شوروی به علت سقوط هواپیمای کشته شد. وی که به سیاست خارجی مائو انتقاداتی داشت متهم به انحام کودتا و فرار به شوروی گردید. گروه ۴ نفری تا زمان مرگ مائو حاکمیت داشتند. جناح لیوشا ثوچی نیز چندان تهاجمی نکردند تا مائو در ۱۹۷۶ فوت کرد.

چند ماه قبل از مرگ مائو هواکوفنگ به عنوان معاون اول کمیته مرکزی حزب پذیرفته شد. وی موضع بینابینی داشت. گروه ۴ نفری (تندروها) او را به تنگ شیا ثوپینگ ترجیح می دادند. و از

### وقتی پیشرفت و تکنولوژی و مدرنیزه کردن

#### محور قرار بگیرد

انسانهایی که خود را با این روند تطبیق دهند

و به خدمت آن درآیند ارزش و هویت پیدا میکنند

بقیه میرا و افول یا بنده تلقی می کردند.

انتخاب وی حمایت کردند. وی در واقع شخصیتی بود که هم تندروها و هم میانه روی ها روی او توافق می کردند و سبب وحدت ملی بشمار میرفت.

چند ماه پس از مرگ مائو هواکوفنگ به دستگیری گروه ۴ نفری و طرفدارانش اقدام کرد و بازگشت تنگ شیا ثوپینگ و

سایر تصفیه شده های انقلاب فرهنگی به صحنه سیاست آغاز شد. این جناح بار دیگر قدرت گرفته و تدریجا "حاکمیت چین را به دست گرفت.

چینی تضاد و درگیری پیش آید که وحدت ملی را مخدوش می کند.

بطور مثال زمانیکه ژاپن به خاک چین حمله کرده بود. چنانچه مائو به مبارزه طبقاتی یعنی جنگ با نیروهای چپانکا یچک ادامه میداد، ثبات ملی چین به خطر افتاده و ژاپن به تحاوز ادامه میداد. لذا مائو شعار وحدت با چپانکا یچک را مطرح نمود.

یاد دوسه سال اول انقلاب ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ که بر سر تایوان با چپانکا یچک و امریکا می جنگیدند، شعار تمامیت ارضی و دفاع از مین چین که تایوان هم جز آنست می دادند.

و توسعه اقتصادی را تابع آن می داند . جناح دیگر توسعه اقتصادی را اصلی ترین کارشمرده و مبارزه طبقاتی را نافی آن شمرده و ثبات ملی را در گرو توسعه اقتصادی می داند .

لذا مشاهده می کنیم اختلافات درون حزب روز بروز شدت می گیرد . و هر کدام برای خود انسجام استراتژیک خاصی دارند .

### ● ریشه یابی حاکم شدن تنگ

#### شیائوپینگ در ایدئولوژی ماو

حال قدری عمیق تر به این مسئله نگاه می کنیم . این سه شعار در هر انقلابی مطرح است و سه رکن اساسی در زندگی هر ملتی است .

این سه سوال پیش می آید که با توجه به اینکه تمامی جناح های حزب کمونیست چین ایدئولوژی واحدی داشتند ، چرا ما نتوانستیم انسجامی ارائه دهیم که رابطه این سه شعار را مشخص کرده و وحدت ایدئولوژیک بین جناح های مختلف بوجود آورد تا به انشعاب و تصفیه یکدیگر دچار نشوند ؟

### اینجا است که ابتکار یک دهقان یا کارگر چینی که

#### تنگ یک ساده خود را تکامل داده و

شیوه بهتری پیدا کرده ، تحقیر شده و بی ارزش جلوه می کند ،

### ولی تکنیکهای وارداتی

### از جهان سرمایه داری مقبول و ارزشمند قلمداد می شود .

اینجا به بطن ایدئولوژی حزب میرسیم . مارکسیسم لنینیسم بعنوان ایدئولوژی راهنمای عمل پذیرفته شده است . با این دیدگاه مارکسیستی تضاد اصلی جامعه بین جبهه کار و جبهه سرمایه است . در این ایدئولوژی نیروی انقلابی و مرفقی کارگران هستند که در رابطه تنگاتنگ با ابزار تولید می باشند و نیروی ارتجاعی سرمایه داران که ابزار تولید را بناحق در انحصار گرفته اند . تنها راه انقلاب در این دیدگاه متحد و متشکل کردن کارگران همراه با روند تدریجی تکامل ابزار تولید است . در این فرمول ملیت ، نژاد ، مذهب و هیچ کدام تعیین کننده نیستند . صرفاً

نوع رابطه با زیربنای جامعه یعنی ابزار تولید تعیین کننده حق و باطل و انقلاب و ارتجاع است . مثلاً یک سرمایه دار ایرانی عراقی هردو مرتجع اند . کارگر ایرانی عراقی انقلابی . سرمایه دار فلسطینی باشد یا اسرائیلی فرق نمی کند هردو ضد خلق اند . کارگر هم تفاوتی ندارد اسرائیلی باشد یا فلسطینی هردو انقلابی اند از این دیدگاه تنها شعار " پرولتاریای جهان متحد شوید " درمی آید که مرزوملیت نمی شناسد . لذا با این تفکر وحدت ملی و ثبات ملی مفهومی ندارد . اصول مبارزه طبقات استثماری و استثمارشونده است .

اما ما ثوکه مبتکر و سردمدار حزب ایدئولوژی مارکسیسم را انتخاب کرد ، خود به این دلیل بسمت آن رفت که در فکرنجات ملت چین از ظلم و بدبختی بود . بهمین دلیل با دکتور سونیاتمن که یک فرد وطن دوست و ملی گرا بود همکاری را شروع کرد . همین عشق به ملت بود که ما ثورا به جستجو و امیداشت که راه حلی برای سعادت مردم پیدا کند . در این مسیر بود که به مارکسیسم لنینیسم رسید . با همین عشق به مردم چین و بطور اعم عشق به انسان بود که باعث شد ما ثوما ر کسیسم را بطور دگم

### اینجا است که ابتکار یک دهقان یا کارگر چینی که

#### تنگ یک ساده خود را تکامل داده و

شیوه بهتری پیدا کرده ، تحقیر شده و بی ارزش جلوه می کند ،

### ولی تکنیکهای وارداتی

### از جهان سرمایه داری مقبول و ارزشمند قلمداد می شود .

وقا لبی پیدا نکرد . بلکه آنرا با شرایط چین تغییر داده و ما ثوکیسم را بینا د نهاد حزب کمونیست شوروی اساساً " انقلاب از روستا بطریقه ما ثورا مسخره و بیهوده می بیند داشت چون با الگوی کلاسیک مارکسیستی مطابقت نداشت .

در عمل هم مشاهده می کنیم بسیاری کارهای ما ثو بیشتر به یک رهبر ملی و ناسیونالیست شبیه است تا یک مارکسیست لنینیست .

بنظر میرسد ما ثو در عمل با واقعیاتی روبرو میشود و از آنجا که دگم و تعصب روی مارکسیسم ندارد ، در قالبهای مارکسیستی برفع واقعیت تجدید نظر می کند . این

ظرافتی است که ما ثوکیسم را از سایر مارکسیستها متمایز میکند . اما باید توجه داشت که در عین حال که واقع بینی و حق گرای ما ثو قابل تحسین است اما این عدم انسجام و تناقض بین مواضع عملی و اصول اعلام شده ما ثو را بی ثباتی وضعی است که در ما ثوکیسم وجود دارد .

ما ثو نمی تواند با تفکر ما ثو را بی ثباتی مواضع استراتژیک خود را تبیین ایدئولوژیک کند .

لذا جناح هایی از حزب که روی ایدئولوژی مارکسیستی صراحتی ورزند ، مواضع او را عدول از اصول پذیرفته شده دانسته و خود را ملزم به تبعیت از او نمی بینند . بلکه این مواضع را از اشتباهات ما ثو می شمارند . علت عدم همکاری برخی کارها در جریان انقلاب فرهنگی تا حدی به این مسئله بر می گردد . و همه را نمیتوان حمل بر خصلتها و عدم صداقت کرد .

ما ثو این اختلافات ایدئولوژیک درون حزب با تصفیه تشکیلاتی و اخراج از حزب حل شده می شمارد . حال آنکه مسئله جنبه فردی و یا تشکیلاتی ندارد ، بلکه ریشه در تضاد درون خود ما ثوکیسم دارد . حزب کمونیست برای رسیدن به وحدت و انسجام با یستی بیک تبیین منسجم می رسد . به یک ایدئولوژی منسجمی میرسد که تبیین کننده استراتژی و تاکتیک ها هم باشد .

در این صورت نیازی به تصفیه تشکیلاتی نبود . میشد افراد را متحول کرد و مسئله فکریشان را حل نمود .

اما می بینیم بدون اینکار گرچه لیوشائوچی تصفیه و زندانی میشود و در سال ۱۹۶۹ در زندان می میرد ، اما از آنجا که از ما ثو را لیوشائوچی خط مشی لیوشائوچی درمی آید . دو باره شاهد گسترش همان جریان تحت رهبری تنگ شیائوپینگ در ۱۹۷۶ هستیم .

هر حزب یا حکومتی که عدم انسجام در مواضع ایدئولوژیک و استراتژیک آن باشد نمی تواند با تصفیه های تشکیلاتی و حذف افراد به وحدت و تمرکز برسد . دوباره همان جریان حذف شده از درون تشکیلات جدید زایش می کند .

خدا رحمت کند شهید حنیف نژاد را که ۲۵ سال پیش به این جمع بندی رسیده بود گرچه تلاش خودش در این راه ناتمام ماند اما وصیت آخرینش این بود که تنها راه



## دیدگاه چهارم

سخنویس آن دکتر علی شیری

مقاله: سرمایه‌داری اسلامی ۲ دیدگاه چهارم  
مقاله: سرمایه‌داری اسلامی ۱ اقتصاد اسلامی  
تألیف: حسن‌نابین



## معرفی کتاب

## دیدگاه چهارم

الحیرا "آزسوی آقای دکتر تواریان فرد کتابی در مورد دیدگاه‌های مختلف اقتصاد اسلامی منتشر شده است. جمالی از مقدمه کتاب که تقریباً "دربرگیرنده همه مطالب کتاب می‌باشد به قرائت رذیل است."

چهار نوع طرز فکر اقتصاد در زمینه اقتصاد اسلامی در ایران مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از:

- ۱ - دیدگاه سرمایه‌داری اسلامی
- ۲ - دیدگاه سوسیالیسم اسلامی
- ۳ - دیدگاه اقتصادمیان اسلامی
- ۴ - دیدگاه اقتصاد اسلامی به معنای خاص آن

۱ - دیدگاه اول پایه‌های از فقها و مدرسین حوزه‌های علمیه اقتصاد اسلامی را بگونه‌ای برداشت و ارائه مینماید که چیزی شبیه اقتصاد سرمایه‌داری را تداعی میکند. اینان مشخصات پنجگانه اقتصاد سرمایه‌داری یعنی مالکیت خصوصی ابزار تولید، آزادی اقتصادی، حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی، تعیین دستمزد توسط کارفرما و توافق کارگرو با اواخر تعیین قیمت‌ها بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا را بر اسلام بازمی‌کنند و به کمک توجیهاتی که نسبت به بعضی از آیات و احادیث دارند می‌کوشند تا نشان دهند که اقتصاد اسلام یک نوع اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد که با سرمایه‌داری غربی البته متفاوت است. این تفاوت نیز از آنجا بوجود می‌آید که در سرمایه‌داری اسلامی، اخلاق اسلامی سبب می‌گردد تا استثمار و ظلم و تعدی سرمایه‌داران زبین بمرود و سرمایه‌داری غربی در یک پالایشگاه اخلاقی اسلامی به سرمایه‌داری اسلامی تبدیل گردد. طرفداران سرمایه‌داری اسلامی می‌گویند

در بررسی روش‌های اقتصاد اسلامی و یا اصطلاحاً "اقتصاد اسلامی آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آنست که از آنجا که اقتصاد وجهی از فعالیت‌های اجتماعی است و طبیعتاً باید تابع اصول و قواعد اجتماعی و سیاسی باشد و با رعایت حرکات جوهری جامعه با شد و لذا هیچگاه نمی‌توان اقتصاد اسلامی را مجرد و بعنوان یک نظریه خالص ارائه داد. بلکه اقتصاد اسلامی، روابط و مناسباتی است که متناسب با نیاز حرکت جوهری جامعه یعنی جریان مبارزاتی و عدالت‌خواها مستضعفین علیه مستکبرین باشد. در این سیرا صل، تبعیت اقتصاد از حرکت جوهری جامعه و عمل صالح زمان است در مقطع فعلی جامعه ما سیستم اقتصادی باید تابع استقلال و خودکفایی باشد. باید ارزیابی کرد بخش خصوصی یا بخش دولتی کدامیک به خط استقلال و خودکفایی نزدیک تر هستند تا بدام ملاک‌های کاذب نیافتیم. بعنوان مثال برخی بخش خصوصی و دولتی را دشمن بنیادین همدیگر میدانند که بنظر میرسد این قضایا درست نیست. زیرا در شرایط فعلی هر دو بخش عمدتاً به درآمد نفت متکی بوده و لذا نمیتوان این دو را مصداق حقیق و باطل دانست. آنچه از اهمیت برخوردار است این است که نیروی خود را باید در جهت پیدا کردن عمل صالح و اصلاح گذاشت و پس از آن اقتصاد را در خدمت آن تنظیم کرد.

ثروت اندوزی از راه مشروع حد و حصاری ندا ردویک شخص می‌تواند بهر اندازه که می‌خواهد ثروت‌های کلان انباشت کند به شرطی که وجوهات شرعی آنها را پرداخته و از ابتدای مطابق اصول شرعی و اخلاق اسلامی (مورد نظرشان) ثروت مذکور را بدست آورده باشند. بنظر ایندسته دولتی شدن اقتصاد دسیب از بین رفتن قدرت ابتکار و خلاقیت می‌گردد و هزینه‌های سنگینی در امر برپا و کرا تیک کردن اقتصاد دجهت دولتی کردن مردم به هدر می‌رود.

طرفداران این نظریه را نه تنها در بین قشری از روحانیون و مدرسین حوزه‌ها و برخی از فقها می‌توان یافت بلکه لیبرال‌های مذهبی نیز با اینان هم عقیده هستند و از اقتصاد اسلام یکنوع سرمایه‌داری ارشادی اخلاقی اسلامی را در نظر دارند و هر نوع برداشت اسلامی ضد سرمایه‌داری از اسلام را تحت نام برداشتهای التقاطی و یا سوسیالیسم زده تخطئه می‌کنند.

۲ - در مقابل دیدگاه اول که به اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی معتقد است دیدگاه دوم قرار دارد که می‌گوید: اقتصاد اسلامی همان اقتصاد سوسیالیسم می‌باشد. چرا که اقتصاد رساله‌ای و اقتصاد دقیقا هتی چیزی جز یک سلسله دستورات عملیاتی برای اداره اقتصاد در دوره‌های گذشته یعنی دوره برده‌داری و یا دوره فئودالی نمی‌باشد که زکات ناال جامع به دوره معاصر منتقل گردیده است و بعلافت ماهیت مرده‌ای که در دقا در به‌داره اقتصاد پویا و روبه‌رشد زمان صنعتی و فوق صنعتی معاصر نمی‌باشد و حتی فتاوی جدیدی که در مورد بانکداری، سفته، سرقفلی، بیمه، تجارت خارجی، و مالیات‌های توسط برخی از فقها ارائه شده است نمی‌تواند این مرده‌ها زنده کند و چیزی جز راه‌حلهای سطحی آنهم به سبک و شیوه سرمایه‌داری نمی‌باشد.

لذا اقتصاد دقیقا هتی و یا اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی به دو دلیل یکی اینکه مربوط به دوره‌های مرده گذشته است و دیگری اینکه مربوط به دوره میرای سرمایه‌داری می‌باشد نه تنها دارای ماهیت استثمارگرانه است بلکه قادر به اداره اقتصاد پیچیده معاصر هم نیست.

بنابراین از آنجا که هدف اقتصاد سوسیالیسم محور و رابط استثمارگرانه در حیات اقتصادی جامعه می‌باشد و این هدف همان هدف استقرار قسط مورد توجه قرآن است

و از آنجا که اقتصاد سوسیالیسم نه تنها بر اصول علمی بلکه همرا با کوله‌باری از تجارب عملی می‌باشد می‌تواند مورد استفاده یک حکومت انقلابی اسلامی قرار گیرد و در کنار اصول عبادی و اخلاقی اسلامی این اقتصاد پیاپیاده شود.

۳۰۰۰ کم‌کاری ما در کشف قوانین حرکت اقتصاد ایران و کم‌کاری ما در کشف طرحهای اسلامی که جهت تنظیم یک سیستم اقتصادی اسلامی مستقل لازم است نباید ای اسلام گذارده شود و گفته شود که اسلام از خود سیستم اقتصادی ندارد.

۳ - دیدگاه سوم: اقتصاد اسلامی را حد وسط بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌دانند و معتقد است که اقتصاد اسلامی دارای خوبیهایی اقتصاد سرمایه‌داری و خوبیهایی اقتصاد سوسیالیسم بوده‌عاری از بدیهایی سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌باشد.

این دیدگاه اگرچه خود را چیزی بیین سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌داند ولی اصول اقتصاد سرمایه‌داری را پذیرفته رنگ بسیار رقیقی از سوسیالیسم بر آن زده است که در نهایت امر چیزی جز اقتصاد سرمایه‌داری را تداعی نمی‌کند. لذا دیدگاه اقتصاد دمیانه در غایت امر اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی را پیاده می‌کند اگرچه وفاداری خود را به پایره‌ای از شعارهای اقتصاد سوسیالیسم اعلام می‌دارد. اقتصاد اسلام بعنوان یک راه میانه بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم چیزی جز تبدیل اقتصاد اسلام به بزاری جهت استثمار بیشتر محرومین توسط قشر استثمارگر نمی‌باشد.

مشخصه بارز راه اول راه سوم اینست که هیچکدام به صراحت از سرمایه‌داری دفاع نمی‌کنند و حتی دیدگاه خود را گاهی ضد سرمایه‌داری اعلام می‌کنند و دم از حمایت از حقوق کارگران و مستضعفین نیز می‌زنند ولی با قبول اصول پنجگانه اقتصاد سرمایه‌داری در پوشش از توجیحات بظواهر اسلامی می‌کشند تا در عمل اسلام را در خدمت طبقات استثمارگر و علیه طبقات تحت استثمار در آورند.

در ترکیب سیاسی حاکمیت فعلی طرفداران دیدگاه اول تفرق معنوی و فکری چشمگیری دارند می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بلندمدت دیدگاه اول بعنوان سیستم اقتصادی اسلامی مورد عمل درآید. مضافاً با اینکه در کوتاه مدت و میان مدت دیدگاه سوم نیز مانند دیدگاه اول نتیجه‌ای جز تشدید استثمار طبقات محروم نداشته و نخواهد داشت.

۴ - دیدگاه چهارم: این دیدگاه معتقد است که سرمایه‌داری اسلامی ماهیت استثمارگرانه است. بدین علت مورد قبول اسلام نیست و بعلافت تفا و تنگناهای اقتصادی که می‌آفریند حلال مشکلات اقتصاد دیک کشور تحت سلطه نفتی نمی‌تواند باشد و برخلاف ادعای طرفداران آن پالایشگاه‌ها خلاق اسلامی نمی‌توانند ماهیت استثمارگرانه آنرا از بین ببرند و در عمل پالایشگاه مذکور پوشی می‌شود برای تشدید استثمار سرمایه‌داری از مذهبی از محرومین جامعه.

به نظر این دیدگاه سوسیالیسم اسلامی نیز بعلافت خصلت و ارادت و استثمارگرانه که دارد نه تنها نمی‌تواند مشکلات اقتصاد ایران را که راه‌حلهای ویژه و درون زای خود را می‌طلبد حل کند بلکه بعلافت تغییر شکل و روابط استثمارگرانه، اسلامی نیز نمی‌باشد.

راه سوم چون در غایت همان راه اول است و در نهایت اقتصاد را و مذهب را به خدمت طبقات استثمارگر در می‌آورد غیر اسلامی می‌باشد. لذا مبادی اقتصاد اسلامی را بطور مستقل از سرمایه‌داری سوسیالیسم و از راه میانه جستجو و کشف نمود. اقتصاد دیک که راه‌حلهای و طرحهای متناسب با ساختار اقتصاد دوا بسته تحت سلطه و تک محصولی فعلی ارائه دهد و از آموزشهای عدالت‌گرای اسلامی ریشه گرفته باشد.

اصول پنجگانه سیستم اقتصاد اسلامی را این دیدگاه به شرح زیر بیان می‌کند.

۱ - مالکیت ابزار تولید مشمول اصل خدا مالکی می‌شود که با دولتی شدن ابزار تولید تفا و تنگنای کیفی و اجرایی دارد.

۲ - فعالیت‌های اقتصادی بر اساس منافع جامعه اسلامی مورد برنا مهریزی قرار می‌گیرد.

۳ - دولت نقش غالب را در اقتصاد ایفا می‌کند.

۴ - دستمزد کارگران بر اساس تئوری ارزش کار اسلامی و برپایه رزق مشخص می‌شود.

۵ - قیمت کالاها بر اساس مکانیسم تعیین قیمت عدل مشخص می‌گردد. شرح مختصری از دیدگاه چهارم را در شماره آینده به طور اجمال خواهیم آورد.

□ به مناسبت یکمین سال شهادت  
جانسوز دکتر کاظم سامی کرمانی

## به یاد دوست ...



اصلی این توطئه برداشته شود . دکتر سامی که زندگی خود را در خدمت به مردم و مبارزین راه سعادت مردم گذراند ، در نهایت در سنگر خدمت به مردم بدست ایادی نامردمان به شهادت رسید . ضمن گرامیداشت سالگرد شهادت ایشان از خداوند متعال برای خانواده محترم مشان صبر و اجر و برای همه دوستداران او توفیق ادامه کوششهای خداپسندان آن شهید را طلب می نمائیم .

یکسال از شهادت خادم اسلام ، دوست مسلمانان ، غمخوار محرومین ، و همسراز زجرکشیدگان دکتر کاظمی سامی گذشت بی آنکه گامی جدی در جهت شناخت عاملین

ادامه " پاسخ به .... "

اگر ما به آن برادر ساده اندیش گفتیم برای اینکه نسبت به بعضی مطالب بنیادی بی اطلاع است و این نه جرم است نه توهین . فکرمی کنیم اگر آن برادر کتاب جنبش ملی و ارتجاع " چاپ ۱۳۵۹ شامل کند قضاوتی دیگر خواهد کرد .

مقصود ما از آن پاسخ این بود که در مقابل این نارسائیهایی موجود در جامعه با ایستگی و یک پایگاه مکتبی مستقل برخورد شود . نه از موضع رجوعی که خود در ایحاد این نارسائیهات گاهانه سهم دار از این موضع ره به جایی نمیبریم .

انقلاب اولین گروهی را که محکوم کردند و ناسزا گفتند همین برادر میثمی بود . این برادر نمیداند که در زندان اینان آیت الله طالقانی را راست می دانستند ، بعد بخاطر جوانقلاب و مردم آنقدر از اسم ایشان بهره برداری کردند . شاید برادر نمیداند همین شهید رجایی اگر زیر شکنجه زبان باز میکرد از پنج طریق علنی ساواک به مرکزیت سازمان می رسید . او شکنجه ها را تحمل کرد و اسرار سازمان را حفظ کرد . ولی آنها در زندان به صرف یک موضعگیری به او مارک بریده و خائن و ... زدند و این برخوردها در بیرون هم ادامه یافت .

بنده بود ، بدستور مسعود برخلاف اصول سازمان در تشکیلات ماند و حتی مسئول بچه های مسلمان سازمان گذاشته شد و به آنها آموزش می داد و پیشنها هم می شد . و این مسئله را به ۷۰ نفر کار در زندان هم نگفت . این برادر نمیداند که مسعود با اعضای از سازمان که با او انتقاد داشتند چگونه رفتار می کرد نمیداند که با همین برادر میثمی علی رغم فداکاریها پیش برای سازمان در حالیکه چشم و دستش هم در این راه رفته بود چه برخوردهایی در زندان کردند . پس از آزادی از زندان و قبل از پیروزی

ادامه " پرتوی از .... "

حرکتی که در این جهت باشد حرکتی الهی است و متضمن رشد در تمامی ابعاد وجودی انسان ( آنچه که امر تقسیم بندی های معیاری و نادرست ما به نیازهای مادی و معنوی تقسیم شده اند ) می باشد . این صورت دور مسائل مادی - معنوی و اولویت دادن به هر کدام حل میشود .

های ظاهری درستتر است و آنها را به خاک مذلت مینشانند ) و در این صورت استعداد های نهفته در درون فرد و اجتماع شکوفا میشود . پیامبر اکرم ( ص ) رابطه بین مسائل دنیوی و اخروی را چنین بیان کرده اند : برای هر امتی رهبانیتی است و رهبانیت امت من چهار در راه خداست . چهار برای تحقق عدالت و حاکمیت مستضعفین ، هر

تنها از این طریق امکان پذیر می آیند . واقع آنست که شکوفایی استعداد های انسان هنگامی میسر است که شخص در راستای تحقق بخشیدن به صفات الهی در درون خود گام بردارد ، یعنی فرد در حال قیام لله باشد ، قیام در جهت تحقق عدالت ، بسط رحمت الهی در تمامی زوایا ، حرکت در کسب قدرت الهی ( که با مستکبرین و قدرت

ادامه " سیر تحولات چین .... "

که چرا همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم را پذیرفته است ؟

ماثواز این موضع از شوروی کناره گرفت جریان لیوشا کوچی را راست و ارتجاعی نامید اما چه شد که خود به رابطه مسالمت آمیز با امپریالیسم امریکا کشیده شد . در حالی که خطراصلی را شوروی و در داخل جریان متمایل به شوروی دانست .

این چرخش که حدود ۲۰ سال تدریجا شکل گرفت ، خود داستانی دیگر دارد . امید داریم در شماره آینده به ریشه های این مسئله و ارزیابی آن بپردازیم .

آور ، مسئله دشمن عمده و تضادهای اصلی و فرعی است .

بطوریکه میدانیم چین در ابتدای انقلاب روابط خوبی با شوروی داشت و اصلی ترین دشمن خود و خلقهای جهان را امپریالیسم امریکامی دانست . ما خود در سال ۱۹۵۰ به شوروی سفر کرد و قرارداد های همکاری های مشترک بین دو کشور به امضاء رسید ولی تدریجا " اصطکاک ها شروع شد . تا جایی که شوروی بصورت اصلی ترین خطر انقلاب چین تلقی گردید و امپریالیسم امریکا از اعلیت افتاد . حتی در زمان حیات مائو روابط با امریکا حسنه گشته و چین از ریاست جمهور امریکا استقبال کرد .

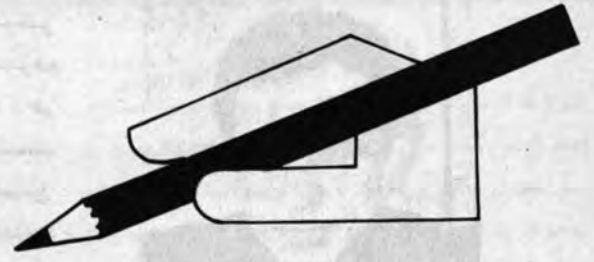
موفقیت حفظ مستمر وحدت ایدئولوژیک استراتژیک سازمانی است ، با اولویت به وحدت ایدئولوژیک .

● عوضی گرفتن دشمن یا جایجایی اضداد

تا اینجا بحث بر سر تضادهای درونی حزب کمونیست چین بود و اینکه چرا مائو نمی تواند جلوكشترش و حاکمیت خط ننگ شیائوپینگ و دکماتیسما لیت ابزاری را بگیرد .

اما نکته ای دیگر که در انقلاب چین لازم به ارزیابی است و برای همه انقلابیون عبرت

مائو خود به خروشچا انتقاد کرده بود



## پاسخ به خوانندگان

### ● مسائل ایدئولوژیک

س - چرا مسئولین محترم ، مسائل دینی و بخصوص مسائل احکام مثل طهارت و... را که می‌گویند با دلایل عامی برای مردم بیان نمی‌کنند تا بهتر برای مردم بخصوص تحصیل کرده‌ها جا بیفتد؟ زیرا هر موردی را که اسلام حرام کرده مثل گوشت خوک ، سگها بعد از نظر علمی دلیل آن ثابت شده است ، راستی چرا؟

ج - اولاً این سؤال را بهتر است از خود مسئولین مربوطه بپرسید . می‌توانید به دفتر سازمان تبلیغات اسلامی یا دفتر تبلیغات اسلامی قم یا دفتر مراجع و غیره و داع کردند و ضمناً "خواستند با بچه کوچکشان نامه بنویسید و همین خواسته خود را بیان هم برای آخرین بار دیدار کنند . گفتند : اعطینی ولدی الصغیرا و دعوه ، فرزند کوچکم را بدهید بمن با او وداع کنم . و علی اصغر را بقل کردند . دشمن کمال قساوت خود را نشان داد و در این لحظه از دور با تیر به گلولی طفل کوچک نشانه رفت .

از این گذشته ، بنظر میرسد اینکه علما دلایل حکم را برای مردم بیان نمی‌کنند ناشی از دیدگاه آنها نسبت به مسئله تقلید و اجتهاد است . در تفقه قرآنی و سیره ائمه معصومین نسبت مردم با فقیه مثل شاگرد و استاد و یکنوع رابطه آموزشی است . لذا در بیان هر حکمی فقیه می‌کوشد تا مردم را با آرمانهای اسلام آشنا کرده برفقه و دانش آنها بیفزاید . ( رجوع به مقالات

شهید مطهری هم در مقاله "اجتهاد و تقلید" استدلال کرده و نتیجه می‌گیرند که انسان بدون دلیل نباید از کسی دنباله روی کرده و کاری را انجام دهد و تقلید کورکورانه را رد میکند . اما اینکه بخواهیم علما دلیل هر حکمی را بیان کنند ، بنظر ما بهتر است اول دلیل مکتبی یعنی قرآنی بودن حکم را مشخص نمایند . بگویند بچه دلیل حکم داده شده قرآنی و اسلامی است . این کار متروک شده است و نگرانی عمده اینجاست . بقول خودتان حکمی که اسلام قبلاً داده ، سگها بعد علم بدلیل آن پی برده است . بنا بر این علم

هر زمان صرفاً نمی‌توانند ملاک قرار گیرد . مثلاً زمانی در عالم هیئت بطل میوسی حکم و مقبول بود و علم زمان می‌گفت خورشید به دور زمین می‌چرخد . ولی بعدها این نظریه رد شد یا موارد دیگر .

س - در کربلا امام حسن (ع) طفل شیر خوار هاش را بلند کرد و از دشمن آب طلب نمود در طلیکه امام حسین (ع) این مسئله را می‌دانست چرا از آنها آب طلب کرد؟

ج - گرچه مطلب فوق شهرت یافته است اما ما سندی تاریخی که این مطلب را تا شنید نمایم ندیده ایم . آنچه در کتائبهای تاریخی آمده است اینست که امام حسن (ع) قبل از وفات خود در میان اهل بیت و یاران باقیمانده وداع کردند و ضمناً "خواستند با بچه کوچکشان نامه بنویسید و همین خواسته خود را بیان هم برای آخرین بار دیدار کنند . گفتند : اعطینی ولدی الصغیرا و دعوه ، فرزند کوچکم را بدهید بمن با او وداع کنم . و علی اصغر را بقل کردند . دشمن کمال قساوت خود را نشان داد و در این لحظه از دور با تیر به گلولی طفل کوچک نشانه رفت . البته در خطبه‌هایی که بعنوان رجز خوانی یا ران امام می‌خواندند به مسئله آب اشاره می‌کردند . که جنبه روشنگری داشت و قساوتها و ضعف دشمن را بیان می‌کردند . اگر شما سندی دال بر مطلب فوق دارید ما را بی خبر نگذارید . متشکریم .

### ● مسائل استراتژیک انقلاب

س - دستاورد عملی این انقلاب چه بوده؟ دستاورد اجتماعی ، صنعتی ، اقتصادی چه بوده؟

دستاورد اقتصادیش جنگ ۱۰ ساله با ۱۰ میلیارد دلار ضرر بود . یک کارخانه موتور که تا سیس می‌شود ... رشد جمعیت به میزان ۳٪ و تخریب صنایع کارخانه و بیکاری صدها کارگاه را بدلیل تورم نمی‌بینید . بعد ساختن یک کارخانه را چنان تبلیغ می‌کنند

گوئی کل نیازها همان یک کارخانه بوده من امیدم به جوانان این مملکت بود ولی اینهم برباد رفت مگر کار جوانان مملکت ما چیست؟ نه درس می‌خواند ، نه سازندگی ، نه میدانند تفکر ایدئولوژیک چیست . و این در کشوری که ادعای اسلامی بودن و انقلابی بودن دارد بچه معناست؟ فساد اداری ، تورم ، اعتیاد ، عدم سیاسی بودن مردم ، کمبود و... و در مقابل توجیه ، تخدیر ، تخطئه .

الان سالهاست لحظه لحظه استخراج نفت ما ، منافع هنگفتی برای آمریکا و هم - پیما نانش دارد . الان در سال ۸۹ قیمت نفت با بدخیلی از ۱۵ دلار برای هر بشکه باشد . آیا قیمت اجناسی که غرب می‌سازد نسبت به سال ۷۹ که قیمت نفت حدود ۴۰ دلار برای هر بشکه بود کم شده یا ثابت مانده اگر زیاد نشده باشد ج - برادر به این نارضا مناسبتی کم نبود اساسی را اضافه کنید که علاوه بر روش ساخت بنا نحوه نگرش به پدیده‌ها و مسائل است و بنظر ما مسائل از همین جا حاصل می‌شود . یعنی با یک روش به وضع موجود نگاه کنیم یک نتیجه گیری بدست می‌آید و روش دیگری تطبیل و نتیجه گیری دیگری می‌رسم . برای روشن شدن خاطره ای را عرض کنم .

قبل از پیروزی انقلاب وقتی سازمان مجاهدین در سال ۵۴ دچار ضربه و تشتت شد . خیلی‌ها سرخورده و مأیوس شدند . نارضا های درون سازمان و شیوه‌های منحرفین و بریدگیها و... چشمگیر بود .

بعضی‌ها دیدن آن وضع با این نتیجه رسیده بود ندکه دیگران انقلاب کردن و مبارزه فایده ندارد و عملی هم نیست و... صد سال دیگر هم مقاومتی بوجود نخواهد آمد نحوه استدلالشان این بود که : در زمان قاجار مردم فداکاری کردند و انقلاب مشروطه بوقوع پیوست ولی آخرش دست انگلیسیها و دربار افتاد . مدرس و میرزا کوچک خان در زمان رضا شاه بی‌باختند آنها هم آخرش از زمین رفتند و فایده ای نکرد . نهضت ملی شدن نفت شروع شد ولی آنها به اختلاف دچار شدند و کودتای ۲۸ مرداد ختم شد . ۱۵ خرداد هم که با سرکوب از بین رفت . اینهم که سازمان مجاهدین بود و تشکیلات داشت و ده سال مبارزه کرد آخرش اینطور شد . پس هر قیام و حرکتی بشود آخرش یا سرکوب میشود یا منحرف . بنا بر این تا صد سال دیگر نباید دست به حرکتی بزنیم . باید بنشینیم و فلسفه اسلامی و معارف اسلامی را یاد بگیریم تا منحرف نشویم .

در مقابل عده ای بهمین واقعیات به روش

دیگر نگاه میکردند. آنها ایمان داشتند که اگر چه سازمان ضربه خورده است اما حرکتی بزرگتر بوقوع خواهد پیوست. استدلالشان این بود که در انقلاب مشروطه گرچه توطئه شد و انقلاب خنثی شد و انقلاب مستهلک گردید ولی امواج آن فطرت‌های حق طلب را بیدار کرد. با دیگر مدرس و میرزا کوچک خان و خیابانی و کلنل پسیان و ... سر بلند کردند، آنها را سرکوب کرده و کشتند ولی با حرکتی فراگیر تر صورت گرفت و دکتر مصدق به حکومت رسید. نهضت تا حدی فراگیر شد که شاه خودش فراری شد. این نهضت هم سرکوب شد اما نفس حرکت عدالت - خواهی نخواهد. دوباره نهضت مقاومت پس گرفت و قیام ۱۵ خرداد آشکار شد. آنرا هم سرکوب کردند اما با زان تجربه آن حرکتی سازمان یافته و با جمع بندی مبارزه مسلحانه در از مدت بوجود آمد. تلاطم این تجربه مجاهدین درس و جمع بندیهای برتری میدهد و نفس حرکت از زمین رفتنی نیست.

آن دسته اول از بررسی تاریخ گذشته به یاس و نومیدی میرسند و دستاخر از سیر تاریخ گذشته میداورترو مصمم تر میشوند.

تلاطم مهم این است که وضع موجود را با چه روشی نگاه کنیم. در کنار تارساتیهای آشکار و چشمگیر رندها را کشف کنیم. جمع بندیهای برتر را هم ببینیم و پیدا کنیم.

بنظر میرسد اصیلترین کار در این شرایط برگردن همین خلاء ایدئولوژیک و فقدان روش شناخت مکتبی است بدترین فقر، فقر دین است در شرایط فعلی که بر اساس تزی تشکیل حکومت اسلامی، نظام جمهوری مستقر شده، بایده تمامی تلاش خود را در آن طور که آیت ا... منتظری گفتند معلوف حفظ و تقویت انقلاب کرد و از این طریق به اصلاحگری نظام پرداخت.

در شرایط فعلی بنظر ما اصلاحگری عین انقلابیگری است. اصلاحگران واقعی هم از درون وفاداران به همین انقلاب و نظام میجوشد. وبدنه نظام جان برکف و شهادت طلب است که در سیر این مقاومت ۸ ساله دیدیم. در شرایط فعلی یقیناً امریکا خط براندازی دارد و هر خط براندازی چه سیاسی چه مسلحانه با آن همسوم میگردد و به استهلاک نیروهای خوب از هر دو طرف و تقویت جناحهای شکنجه گرو سرکوبگر میانجامد. برای عمل صالح باید صبر و حوصله و بیگیری داشت.

✽ هواداران حزب ملت ایران متنصحا چه تلفنی آقای داریوش فروهر بارادیهو بی بی سی را منتشر کرده و نسخه ای نیز برای

نشریه فرستاده اند. ضمن تشکر قسمتی از نظریات ایشان را میآوریم:

در مورد دولت جدید و ریاست جمهوری جدید ایشان نظر میدهد که:

کابینه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را قادر به حل مشکلات نمیدانم. زیرا بیشتر اعضای آن از مدت‌ها قبل یا در گذشته و زیر بوده اند و بقیه هم که تازه جا میوزی پو شده اند پیش از این پستهای کلیدی دیگری را بر عهده داشته اند و نمیتوانند در بحران کنونی بی سهم باشند. در باره خود رئیس جمهور هم من همین نظر را دارم. ایشان در گذشته همه کاره بوده اند و اگر قرار بود دشواریهای کشور با عملکرد ایشان بر طرف شود تاکنون شده بود.

در مورد سیاست خارجی میگوید:

"به نظر من سیاست خارجی کشور تاکنون بسیار ضعیف و بویژه پس از آتش بس با عراق تجاوزگری نداشته و ریاض و ونه نری جز دشمن تراشی بیجا نداشته است و گاه با بندوبستهای نهانی و نیز جرحهای ناگهانی بکلی از راستای ملی بدور افتاده است.

در مورد آزادیهای سیاسی میگوید:

"اکنون نیز چون گذشته جوساسی کشور اختناق آمیز است. همه "حقوق ملت" در قانون اساسی نادیده گرفته شده و حتی پاره ای از نظریه پردازان این نظام آزادیهای سیاسی را ناسازگار با آموزشهای دینی تلقی میکنند... بررسی آمار همه پرسی قانون اساسی و انتخابات رئیس جمهوری نشان میدهد شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود را اینگونه رای گیریها از آغاز انقلاب تاکنون سیر نزولی داشته ولی بدون تردید مردم در آینده به کناره جویی زاین صحنه را تنها اکتفا نخواهند کرد و همچنانکه آزموشهای گذشته نشان داده خیلی زود این قهر خاموش خود را به خروشی دگرگون ساز بزل میکنند"

ج- روانشناختی ملت ایران اینست که اخبار زبان به زبان و سینه به سینه گرچه بطئی تراست اما بیشتر به دل مینشیند و از طرفی آبی بهتر نبود با آن روحیه ضد جنس و ضد بیگانه ای که آقای فروهر دارند، سهم اجانب و ایادیشان را در مشکلات فعلی مملکت در مصاحبه توضیح میدادند آیا در این صورت آنها مصاحبه را بخش میکردند؟

س- برادری نوشته اند: این یک امر عادی است که سران هر انقلابی وقتی به پیروزی میرسند خودشان ضد آرماتهای انقلاب میشوند و درصد حذف آن بر میآیند. در تاریخ همیشه اینگونه بوده است و اغلب همینها نمیکارند

حرکتی جدید پیدا بگیرد. در آفرینشها دگر کرده اند کار ایدئولوژیک برای تغذیه جوانان صورت بگیرد. چون جوانها تشنه و پر شور هستند و نیاز به یک ایدئولوژی دارند که بتوانند در عمل راهنمایشان کند و از افتادن بدام شرق و غرب مصون بمانند.

ج- اولاد صورتها اینکه گفته اید هر انقلابی اینطور میشود، حتی در انقلابات معاصران انقلابات دجا را این بلیه میشوند شاید بی رابطه با پیشنهاد شما نباشد. یعنی خلاص مکتبی و ایدئولوژیک منطقی این قضیه میگردد. برخی از سران نیت خیر و صداقت خودشان را تا آخرین لحظه حفظ میکنند ولی بعلمت فقدان سلام را هنگامی عمل و یا فقر دینی و روشی حیرت آید انحرافات میافتند. چون بعد از پیروزی شیوه های ثابتی و همه جا نیه برای اداره حکومت لازم میآید. وقتی زدرون مکتب و اسلام نتوان شیوه و طرح مستقل در آوردن چا ریدام شیوه های شرق، غرب میافتیم و در بحال آرماتها فوا موش میشوند ولی گرا سلام و اقی ا که راهنمای عمل در همه زمینههاست و خود شیوه های مستقل دارد بشناسیم و آنرا راهنما قرار دهیم، اگر کسی بطور نفسا نی و خلقتی هم بخواید انحراف ایجاد کند با مقاومت ایدئولوژیک روبرو شده با تصحیح و یا حذف میشود و انقلاب پایدار مینماید. خوبست همه نیروهای انقلاب قسمت اعظم وقتشان را روی همین راه مکتب بطور اثباتی بگذرانند، بخصوص کسانی که صاف بنظرند و در حاکمیت نیستند و وقت هم دارند

✽ پس از درج نامه مهندس حسینی آیت ا... کاشانی در راه مجاهد ۵۳ در ضمن تماس تلفنی فتوایی نوشته ای را فرستاده اند در دفاع از آیت ا... کاشانی با نام مستعار "مجاهد" که خطاب به آقای مهندس حسینی است ولی جواب مشخص آن نام نیست و مطالبی برامون اختلافات اعضای جبهه ملی قبل از کودتا میباشد.

از آنجا که سندیت آن هویت نویسنده برایمان مشخص نیست، لذا نیاز به تحقیق دارد. امیدواریم در آینده مورد استفا ده قرار گیرد.

نامه مهندس حسینی حمله اش به رژیم کودتا و قرار داد کنسر سیوم است، و شخصیت ضد جنسی آیت ا... کاشانی در آن تأیید شده و از ایشان انتظار بر خورد با حاکمیت انگلیس و خفقان بعد از کودتا را دارد. نامه

در خط اتحاد خدا میریالیستی نیروهاست و اثرات و برکات نیکویی هم داشته است در حالیکه این جزوه درباره این موضوعات وارد نشده و بیشتر اختلافات قبل از کودتار را مطرح کرده است و علیه رژیم کودتا و خفقان زمان حرفی نزده است که خود مسئله را غامضتر میکند. بهرحال از ایشان میخواهیم اگر نویسنده جزوه را میشناسند معرفی فرمایند تا به تحقیقات ما کمک کند. راجع به نامه مهندس حسینی هم به صرف وجود اسم ایشان اکتفا نکردیم بلکه مستقیماً تحقیق نموده و پس از اطمینان چاپ کردیم.

س - من محله شما را میخواهم ولی با ترس و اضطراب، زیرا واقعا خود من و رفقای من و خانواده من و هزاران منهای دیگر از این گروه که ضربه خورده ایم آیا واقعا این مجاهدین اصیل هستند یا همان شهرامیها؟ آیا واقعا شما ادامه دهنده راه طالقانیها شریعتیها، محمدخیا یا نبیها، شریف و آقاییها ... هستید یا نه فقط شعرا؟ ...

چرا شریعتیها از جوانان دور کرده اند؟ مگر شریعتی سلام شناسی متفکر نبود که لان شما و شما های دیگر از قشر عظیم جوانان را نداشکاهی جدا کرده اند؟ ...

ج - برادر، ما هم مثل شما ضربه خورده ایم ولی ضربه خوردن را اگر جمع بندی کنیم، هوشیار و مراقبت بیشتری پیدا میکنیم، اگر نه ترس و اضطراب را بجای نمیبرد، چه بسا موجب ضربه دیگری شود، حکایتی است که یکی میترسید از پشت بام سقوط کند، آنقدر از ترس عقب رفت که از لبه دیگر سقوط کرد. بعضی به گروهها صدمه داد اما دقت و وقتیکه ناخالصی دیدند مطلقاً زده شدند. بعد به روحانیون بطور مطلق اعتماد کردند، آنجا هم که یک ناخالصی دیدند زده شدند و از هر آخوندی ترس و نگرانی دارند. بنظر میآید اما دقت مطلق جزیه خدا نباید داشت و با هر کس هم با ملاک خدا در قرآن و سنت برخورد کنیم دیگر مشکلی پیش نمیآید اما در مورد مرحوم شریعتی شاید شما اشتباه گرفته باشید. این یکبار ما مقصر نیستیم. در مورد اینکه ما ادامه دهنده راه این یا آن شخصیت هستیم، البته بدون بت کردن آن ارزشها و شخصیتها با یکدیگر انقضا و تکذیب، حداقل خواهش ما اینست که این ۵۴ شماره نشریه را با حوصله ورق بزنید.

س - در قسمت پاسخ به خوانندگان شماره ۵۴ نشریه در جواب سئوالی که به روش شما در قبالت نظام جمهوری اسلامی انتقاد کرده بود و گفته بود که شما میخواهید با گفتن مسائل برای این

نظام مشروطیت کسب نمائید بگونه ای جواب داده بودید که جای تا مل و با زنگری دارد. در رابطه با اینکه سئوال کننده چه چیزی را مطرح کرده بود و شما چه چیزی را جواب داده بودید فعلاً کاری نداریم. بحث بر سر نحوه برخورد است. یعنی همان مسئله ای که بارها خود شما در نشریه تان مطرح کرده اید. در همین اینکه شما در بسیاری از مطالب نشریه سعی می کنید برخورد منصفانه با مسائل داشته باشید. برای من حای تعجب بود که چرا با سئوال کننده بدینگونه برخورد کرده اید؟ در ابتدای ساختن بدون هیچ مقدمه ای به طرف مقابل مارک زده اید و گفته اید که از قرائن مطلب شما برمی آید که از هواداران ساده اندیش رجوی باشید. لول اینکه چنین مطلبی را هم از نامه ایشان استنباط کرده اید ولیکن این صحیح نیست که در کلام اول طرف مقابل را بصورت صغی محکوم کنید. گفتن این مطلب در ابتدای ساختن که شما از هواداران ساده اندیش رجوی هستید در واقع اطلاق هواداری از تروریسم و وطن فروشی و غیره به شخص سئوال کننده است. لفظ ساده اندیش هم که در جای خودش توهین بزرگی است. اشخاص است. اینکه در ابتدای ساختن شخص سئوال کننده را منتسب به صغی کرده اید خود بخود قبل از اینکه به محتوای مطلب بپردازید او را از پیش محکوم کرده اید و این برخورد نمی تواند صحیح و اسلامی باشد. این همان انتقاد است که شما در مطالبتان نسبت به مسئولین مورد اشاره اید. شما در مطالب راه ما هد به بسیاری از نامه های رسائیه ای موجود انتقاد کرده اید و ... لذا طبیعی است کسی در تعجب باشد که چرا با این همه ایراد و اشکال باز هم عده ای مانند شما برخورد مسالمت آمیزی با نظام و حاکمیت دارند؟ حال آنکه شما فرمولی را در آورده اید که اساس آن جریانهای نفوذی و مرموز را عامل این رسائیه می دانید و سعی در برخورد مثبت با جناحهای دلسوز و انقلابی نظام دارید. مطلبی است که شاید برای بسیاری از منتقدان به وضعیت فعلی قابل هضم نباشد اگر توجه کرده باشید در نامه شخص سئوال کننده هم چنین سرگبچه ای به چشم می خورد از یکطرف می گوید فکر نمی کنم قصد پوشاندن حقایق را داشته باشید. چرا که خیلی از مسائل را می گوید و از طرف دیگر می گوید شاید با گفتن مسائل می خواهید مشروعیت برای نظام کسب نمایید

بعد می گوید البته زحمات شما و مثال شما فراموش شدنی نیست. شخص سئوال کننده در حد توانایی سعی کرده برخورد منصفانه با تحلیلهای شما داشته باشد و حتی از زحمات شما قدر دانی کرده است ولی در رابطه با فرمول حل این تناقض درمانده است. بهتر است که این مشکل را مدنظر قرار دهید و در برخورد هاسعه صدر بیشتری نشان دهید یعنی همان چیزی را که از شما انتظار می رود. توقع من این است که نامه اینجانب را درج نمائید و ...

ج - برادر دلسوز، از اینکه مراقب رفتار ما هستی ممنون و سپاسگزاریم انشاء الله که این خیرخواهی شما همیشه ادامه داشته باشد.

در مورد اینکه قبل از تعیین موضوع نگارنده نامه و یا محکومیت و یا یستی به محتوای مطلب پرداخت و مسائل فکری او را حل کرد، کاملاً درست می گوئید و شیوه ما این چنین نبود. امیدواریم در آینده رعایت کنیم. البته اشکال جوابیه این بود که نویسنده نامه متوجه می شد ولی برای عموم قابل فهم نبود. اما درباره عنوان هوادار ساده اندیش توضیحی لازم است بعرض برسانم. منظور ما از این عبارت نه محکوم کردن نویسنده بوده نه توهین و تحقیر. بلکه صرفاً تعیین موضع فکری ایشان بود. تا روی آن بحث و استدلال شود. ساده اندیش خود بیان یک مسئله فکری است یعنی کسیکه صداقت دارد ولی پیچیدگی مسئله را درک نکرده است و وقتی عمق پدیده ای یا شخصی یا جریانی را نمی شناسیم دچار ساده اندیشی هستیم. ما خودمان هم نسبت به مسائلی هم اکنون ساده اندیش هستیم این توهین و تحقیر نیست. رشد ما در هر مرحله شناخت، رفع ساده اندیشی هایمان است. این برادر هم بنظر ما نسبت به ماهیت رجوی ساده اندیش است. یعنی او را شناخته است.

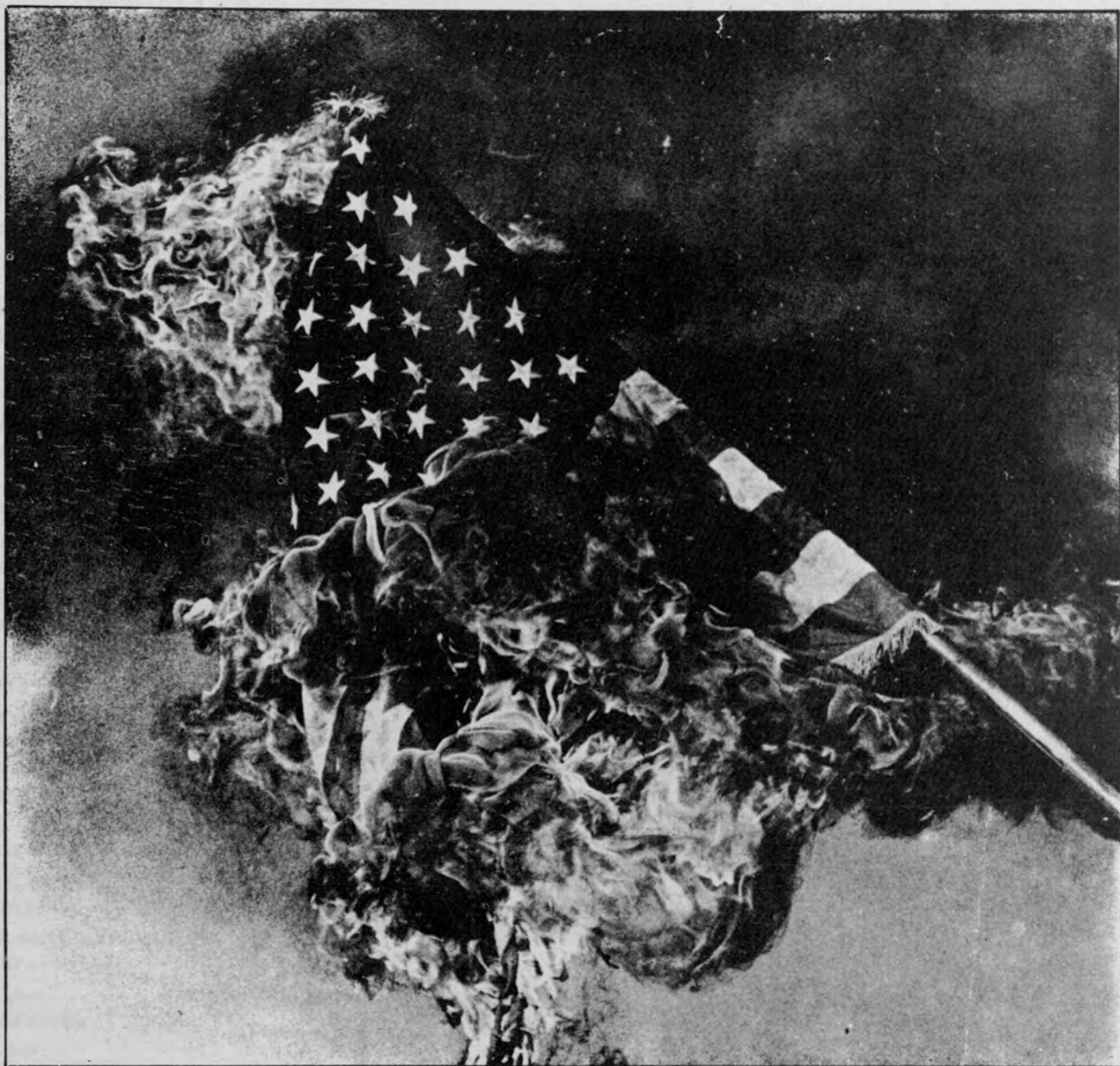
خود ما هم زمانی ساده اندیش بودیم. شهید حنیف نژاد در سال ۴۴ اعلام کرد که اصلی ترین تضاد مبارزین ما اینست که از یکطرف ساده اندیش هستیم و از طرف دیگر دشمن خیلی پیچیده است. لذا لفظ ساده اندیش انگ واتهام نیست. قبلاً هم مقالاتی تحت عنوان سختی چند با هواداران ساده اندیش رجوی داشتیم.

این برادر نمیداند که در سال ۵۱ وقتی بهمن با زرگانی در زندان قصر مارکیست بقیه در صفحه ۵۱

## مجموعه اسناد اسنادلانه جاسوسی آمریکا

<p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۹ شوری شرق تجاوزگر (۳) صفحه ۲۶۴ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۰ شوری شرق تجاوزگر (۴) صفحه ۲۴۸ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۱ شوری شرق تجاوزگر (۵) صفحه ۱۹۲ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۲ شوری شرق تجاوزگر (۶) صفحه ۲۵۶ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۳ شوری شرق تجاوزگر (۷) صفحه ۱۹۶ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۴ مصر صفحه ۲۶۲ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۵ خط میانه (۵) صفحه ۲۸۴ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۶ خط میانه (۶) صفحه ۳۱۲ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۷ صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰ صفحه ۲۵۶ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۸ بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵ صفحه ۲۳۰ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۵۹ فعالتهای اقتصادی - نظامی کشورهای کمونیستی صفحه ۲۷۶ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۰ دخالتهای آمریکا در ایران (۹) صفحه ۳۲۴ ریال ۳۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۱ دخالتهای آمریکا در ایران (۱۰) صفحه ۳۱۶ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۲ دخالتهای آمریکا در ایران (۱۱) صفحه ۲۹۲ ریال ۳۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۳ دخالتهای آمریکا در ایران (۱۲) صفحه ۳۲۴ ریال ۳۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۴ سیاست جهانی آمریکا از ادعای تا واقعیت صفحه ۲۷۲ ریال ۲۶۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۵ روندهای سیاسی - اقتصادی در شبه جزیره عربستان صفحه ۲۱۶ ریال ۴۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۶۶ اعتصاب در صنعت نفت ایران صفحه ۲۳۶ ریال ۶۵۰</p>	<p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۴ استعمار سیاسی آمریکا صفحه ۱۹۲ ریال ۱۷۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۵ حکام جزیره العرب بازیچه های شیطان بزرگ صفحه ۳۹۲ ریال ۲۸۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۶ آمریکا حامی اشغالگران قدس صفحه ۴۷۰ ریال ۲۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۷ سلکهای سیاسی استعمار صفحه ۱۲۶ ریال ۱۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۸ پاریس بناهگاه جاسوسان آمریکا صفحه ۳۹۲ ریال ۲۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۹ کویت (۱) صفحه ۲۶۴ ریال ۲۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۰ کویت (۲) صفحه ۳۳۲ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۱ ترکیه صفحه ۳۲۸ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۲ فلسطین (۱) صفحه ۲۴۰ ریال ۲۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۳ فلسطین (۲) صفحه ۲۶۰ ریال ۲۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۴ فلسطین (۳) صفحه ۱۴۴ ریال ۱۴۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۵ پاکستان (۱) صفحه ۲۶۴ ریال ۲۷۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۶ پاکستان (۲) صفحه ۲۸۸ ریال ۲۷۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۷ شوری شرق تجاوزگر (۱) صفحه ۲۲۸ ریال ۲۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۴۸ شوری شرق تجاوزگر (۲) صفحه ۲۷۲ ریال ۲۰۰</p>	<p>* اسنادلانه جاسوسی ۱ - ۶ مجموعه افشاگری صفحه ۶۰۹ ریال ۲۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۸ دخالتهای آمریکا در ایران (۱) صفحه ۴۳۲ ریال ۳۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۹ خط آمریکا صفحه ۷۲ ریال ۳۵</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۰ امیرانتظام جاسوس سیا صفحه ۲۹۶ ریال ۲۳۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۱ آمریکا حامی اشغالگران قدس صفحه ۲۳۴ ریال ۲۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی (۱) ۱۲ دخالتهای آمریکا در ایران (۲) صفحه ۳۲۴ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی (۲) ۱۲ دخالتهای آمریکا در ایران (۳) صفحه ۳۴۸ ریال ۲۸۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی (۱) ۱۳ دخالتهای آمریکا در ایران (۴) صفحه ۱۹۲ ریال ۱۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی (۲) ۱۳ دخالتهای آمریکا در ایران (۵) صفحه ۱۸۸ ریال ۱۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۴ دخالتهای آمریکا در ایران (۶) صفحه ۲۶۸ ریال ۲۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۵ دخالتهای آمریکا در ایران (۷) صفحه ۳۲۸ ریال ۱۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۶ دخالتهای آمریکا در ایران (۸) صفحه ۳۷۸ ریال ۱۷۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۷ رابطن خوب آمریکا صفحه ۲۳۸ ریال ۱۱۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۸ دیپلماسی نفوذ صفحه ۳۶۰ ریال ۳۰۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۱۹ آمریکا حامی اشغالگران قدس صفحه ۱۳۲ ریال ۶۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۲۵ خط میانه (۱) صفحه ۳۳۰ ریال ۲۸۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۲۶ خط میانه (۲) صفحه ۲۶۰ ریال ۲۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۲۷ خط میانه (۳) صفحه ۳۱۲ ریال ۲۵۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۲۸ خط میانه (۴) صفحه ۲۴۰ ریال ۱۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۲۹ افغانستان (۱) صفحه ۴۸۴ ریال ۱۸۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۰ افغانستان (۲) صفحه ۴۰۰ ریال ۱۶۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۱ کردستان (۱): صفحه ۳۷۸ ریال ۱۶۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۲ کردستان (۲) صفحه ۱۱۶ ریال ۳۲۰</p> <p>* اسنادلانه جاسوسی ۳۳ غیرتمهدها صفحه ۴۴۸ ریال ۱۷۰</p>
---	---	---

\* فهرست اسامی شخصیت‌های سیاسی  
اجتماعی اسنادلانه جاسوسی



تسخیر لانه جاسوسی

انقلابی بزرگتر از انقلاب اول بود

امام خمینی